بسم
الله
الرحمن
الرحیم

پیام آبادگران

ارگان انجمن شرکت‌های ساختمانی

سال ۲۹ مهر ۱۳۹۰

شماره ۲۸۸ (۵۸ دور جدید) قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

فهرست — صفحه

شیوه های جذب سرمایه گذاری در پروژه های عمرانی	۸
مدخلی بر شرایط حاکم بر ماده های ۴۶ و ۴۸ شرایط عمومی پیمان	۱۰
مصاحبه ای صمیمانه با مهندس مقیمی آذری در فضایی پر از صداقت	۱۸
لزوم واگذاری رتبه بندی به انجمنها و سندیکا	۲۳
خسارت تأخیر در پرداخت	۲۸
ضرورت تشکیل مراجع اختصاصی برای حل و فصل اختلافات قراردادهای ساخت	۳۰
پـاگرد	۳۸
راه های اجرایی برای نجات دریاچه ارومیه	۴۰
دیدار اعضای انجمن با اعضای کمیسیون عمران مجلس	۴۲
مشارکت تجار ملی در اجرای پروژه های بالادستی صنعت نفت	۴۷
دیدار رئیس اتاق ایران با هیأت مدیره کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایی ایران و نمایندگان انجمن	۴۸
دیپلماسی فعال اقتصادی، مقدمه صدورخدمات فنی و مهندسی	۵۲
رئیس هیأت مدیره سندیکای شرکتهای ساختمانی در نشست خبری	۵۸
نگاهی اجمالی به ادبیات اقتصادی و مالی	۶۰
مکاتبات انجمن و بانک ملت	۶۲
گزارش کمیسیون قوانین و مقررات	۶۲
کاربرد فناوری های اطلاعات در شکل گیری سازمانهای هوشمند و یادگیرنده پیمانکاری ساختمانی	۶۳

صاحب امتیاز: انجمن شرکت‌های ساختمانی

مدیر مسئول: مهندس جواد خوانساری

کمیسیون‌انتشارات: مهندس جواد خوانساری، مهندس محمدکنگانی، مهندس محمدعلی پورشیرازی

مهندس جهانگیر عصر آزاد، مهندس علی‌ورزنده، مهندس مجتبی ضرابی، دکتر غلامرضا علی‌زاده

سردبیر: دکتر غلامرضا علی‌زاده

صفحه آرا: داود خانی

حروفچینی، امور بازرگانی و اشتراک: فریبا پورآقا

خبرنگار: آرزو نوری

لیتوگرافی: پاسارگاد: سعدی جنوبی کوچه بانک تجارت پلاک ۳ طبقه دوم ۳۳۹۴۳۵۱۶

چاپ: مجموع زنجیره‌ای چاپ بیژن: خ جمهوری، کوچه نوشین، فرعی اول ۳۳۹۲۸۱۸۷

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، خیابان شهیدبرادران مظفر (سابق جنوبی)، شماره ۸۸، کدپستی ۱۴۱۶۹۶۴۶۹۱

تلفن: ۶۶۴۰۲۰۳۷ - ۶۶۴۶۹۱۰۵ - ۶۶۴۶۴۲۶۱ فکس: ۶۶۴۶۲۰۸۴

ایمیل: payame_abaadgaran@yahoo.com

سایت: www.acco.ir

ABADGARAN

(Builders)

Organ of the syndicate of Iranian construction companies

Octoberber 2011

Administrator : J.Khonsari

M.Kangani, M.Pourshirai, J.Asrazad, M. Zarrabi, A.Varzandeh

Editor-in-chief : Gh. Alizadeh

Designer : D.Khani

Addres :No 88 saba str.Tehran.Iran

نوشته های نویسندگان، لزوما نظرات نشریه نیست. نقل مطالب نشریه فقط با ذکر ماخذ مجاز است.

کمیسیون انتشارات در رد یا قبول مقالات ارسالی مختار می‌باشد و در ویرایش علمی، ادبی و خلاصه‌سازی آن مجاز است. درضمن مقالات ارسالی عودت داده نمی‌شود

شیوه‌های جذب سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عمرانی

در روز افتتاح سد گتوند آقای دکتر احمدی‌نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران نقل به مضمون عنوان کردند که «پس از این دولت پولی بابت پروژه‌ها و طرحهای عمرانی پرداخت نخواهد کرد بلکه برندگان مناقصه برای اجرای پروژه‌ها و طرحهای عمرانی باید خود سرمایه‌گذاری کنند و یا به طریق ممکن جذب سرمایه کرده و پس از اتمام پروژه از فواید حاصل از بهره‌برداری، اصل سرمایه و سود منطقی خود را براساس قرارداد منعقده با کارفرما برداشت نمایند.» در جهان به طور کلی سه نوع روش تأمین منابع مالی مطرح است یکی بهره‌گیری از منابع مالی بانکهای داخلی و خارجی و دیگری بهره‌گیری و استفاده از امکانات بازار سرمایه که به آن پایه اوراق بهادار نیز می‌گویند و نوع سوم آن بهره‌گیری از منابع داخلی شرکت‌های داخلی متقاضی سرمایه‌گذاری می‌باشد.

برای تحقق این امر و ایجاد بسترهای لازم برای تأمین سرمایه در شرایط جدید و با پذیرش پارادایم جهانی شدن، لازم است ابتدا به مبانی نظری اقتصاد ایران اشاره‌ای کنیم.

بررسی اقتصاد ایران نشان می‌دهد که ساختار آن در بسیاری موارد ویژگی‌های مشابه با ساختار اقتصادی سایر کشورهای در حال توسعه را دارد. با این تمایز که در ساختار اقتصادی ایران بخش بزرگی از اقتصاد، غیرپولی است و یا معاملات قسمت قابل توجهی از کالا و خدمات در آن، خارج از بازار رسمی مالی انجام می‌شود.

به بیانی بهتر در اقتصاد ایران بخش بزرگی وجود دارد که پول در آن به عنوان وسیله اساسی مبادله به کار نمی‌رود؛ همچنین در حجم بزرگی از آن بازار غیررسمی مالی یا بازار سازمان نایافته پولی حضور دارد.

این شرایط و ویژگی‌ها، پیامدهای مختلفی را از نظر تأمین منابع مالی برای توسعه ایجاد می‌کند که باید زمینه‌های لازم برای پول‌سازی کامل در اقتصاد ایران فراهم شود و نقش تهاتر به عنوان وسیله معامله هم تعویض و هم تغییر یابد، به کلامی دیگر می‌بایستی بازارهای پولی رسمی و غیررسمی در هم ادغام شوند و به سازمان‌یافتگی کامل احاله وضعیت دهند، دستگاه‌های بازرگانی بانکی با نظارت عالیه بانک مرکزی توسعه یابند.

در ضمن برای تحقق این اهداف باید بازارهای مالی و واسطه‌های مالی که انتشاردهندگان دارایی‌های مالی و معامله‌کنندگان آن می‌باشند، هماهنگ با ساختار و کارکرد بانک‌های سرمایه‌ای (اوراق بهادار) گسترش یابد.

از سویی برای وام‌گیری در مقیاس کوچک، می‌بایستی بانکهای توسعه و تسهیلات، خرده اعتباری ایجاد شود؛ تا سایر بانکها به امور اعتبارات کلان به ویژه تخصیص منابع برای پروژه‌های عمرانی و زیرساخت‌های توسعه‌ای بپردازند. با توجه با پارادایم جدیدی که توسط ریاست جمهور محترم مطرح شد جذب سرمایه‌های خارجی در اقتصاد کشور بخصوص برای پروژه‌های صنعتی و ساختمانی در مفهوم عام آن با وزن بیشتر و نقش پررنگ‌تر خود را نشان می‌دهد.

بنابراین سئوال اصلی این است که چگونه می‌توان چارچوب مشخص و معینی با سازوکار نظارتی برای سرمایه‌گذاری خارجی فراهم ساخت تا ضمن حداکثر سازی (maximizing) منافع، خطرات و تهدیدهای احتمالی آن را به حداقل (Minimize) رساند. برای ورود به بحث اصلی باید به انواع و اقسام سرمایه‌گذاری خارجی اشاره شود تا با بررسی آنها مشخص گردد که کدامیک از این نوع سرمایه‌گذاری‌ها متناسب با روند و فرایند بخش پیمانکاری ساخت و ساز صنعت احداث و پروژه‌ها و طرحهای عمرانی است. به طور کلی سرمایه‌گذاری خارجی به سه گونه انجام می‌گیرد؛ البته گونه سوم تلفیق و ترکیب دوگونه اول و دوم است.

۱ سرمایه‌گذاری مستقیم (Foregin direct Investment) که به اختصار به آن FDI گفته می‌شود.

۲ سرمایه‌گذاری غیرمستقیم یا سرمایه‌گذاری در سبد مالی (Foregin Portfolio Investment) که اختصار آن به شکل FPI مطرح است.

۳ سرمایه‌گذاری خارجی در سبد سهام (Foregin Portfolio Equity Investment) که به اختصار به آن FPEI گفته می‌شود. برای روشن شدن تفاوتها و تمایزهای سه نوع سرمایه‌گذاری باید بگوییم که در سرمایه‌گذاری مستقیم شخص حقیقی و یا حقوقی خارجی بیش از ده درصد سرمایه یا سهام عادی یا حق رأی یک بنگاه اقتصادی به ثبت رسیده را در اختیار می‌گیرد با این ویژگی باید گفت که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با کنترل و پذیرش ریسک مدیریت واحد سرمایه‌پذیر همراه است و معمولاً دارای این پیش فرض است که در این نوع سرمایه‌گذاری فناوری نیز به کشور میزبان انتقال می‌یابد.

در سرمایه‌گذاری غیرمستقیم یا سرمایه‌گذاری در سبد مالی، وجوه متمایز این نوع سرمایه‌گذاری با نوع قبلی در این است که سرمایه‌گذاری بر روی اوراق بهادار شامل (سهام، شبه سهام) ابزارهای بدهی شامل (اوراق قرضه) و نیز ابزارهای مشتق (Derivatives) مانند (قراردادهای پیمان آتی و اختیار معامله در بازارهای اوراق بهادار) انجام می‌پذیرد و سرمایه‌گذار مسئولیتی در کنترل یا مدیریت واحدهای سرمایه‌پذیر ندارد.

سرمایه‌گذاری خارجی در سبد سهام یا به اختصار FPEI دارای دو ویژگی اصلی است:

الف: سرمایه‌گذاری در سهام و ابزارهای مشتق آن مورد توجه است.

ب: بی‌علاقگی و عدم تمایل سرمایه‌گذاران به کنترل واحد سرمایه‌پذیر از دیگر خصوصیات آن است. به طور کلی می‌توان گفت از نظر مفهومی (FPEI) در بین دو گونه قبلی (FDI) و (FPI) قرار می‌گیرد و دارای سازوکارهایی می‌باشد که از طریق آن افراد پس‌اندازهای خودرا از طریق سرمایه‌گذاری نهادی به ویژه صندوق‌های سرمایه‌گذاری کشور خود به کشور میزبان انتقال می‌دهند.

حال این سئوال مطرح است که هر یک از این نوع سرمایه‌گذاری‌ها تحت تأثیر چه عواملی قرار دارند که در این بحث ابتدا به عوامل مؤثر برای ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشور میزبان اشاره می‌کنیم که سه عامل اساسی در فرایند ورود آن نقش‌آفرین هستند.

۱ سیاستهای کشور میزبان

۲ حمایت فعال کشور میزبان به منظور توسعه و تسهیل سرمایه‌گذاری

۳ ویژگی‌های اقتصادی کشور میزبان

که به عوامل فوق باید آزادسازی و جهانی شدن اقتصاد کشور میزبان را اضافه کرد که همه آنها نیاز به تدوین قوانین جدید و نهادهای متناسب با آن دارد تا مشوق و محرک سرمایه‌گذاری خارجی گردد و با وضع و اصلاح قوانین متناسب با رویکرد سرمایه‌گذاری می‌بایستی در ابعاد ساختاری و محتوایی نهادهای مرتبط با امور سرمایه‌گذاری مهندسی ارزش و حتی مهندسی مجدد انجام پذیرد تا ورود و خروج سرمایه و سود سرمایه‌گذاران با سرعت و سهولت انجام گردد. ضمن آنکه باید این اطمینان و اعتماد در سرمایه‌گذاران ایجاد و یا تقویت شود که با تغییرات دولتها و مدیران ارشد سازمان‌ها روندها و فرایندها ثابت می‌ماند و آمدگان پاسدار برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های پیشینیان خواهند بود در جمع‌بندی کلی باید گفت سرمایه‌گذاران نسبت به عواملی حساس هستند، که در انگیزه‌های آنها برای سرمایه‌گذاری از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است آنگونه که سازه اصلی را برای تصمیم‌گیری آنها شکل می‌دهد که به طور اختصار پاره‌ای از آنها که نقش کلیدی دارند، در گزاره‌های زیر ارائه می‌شود.

- نرخهای واقعی بهره
- نرخ بالای رشد اقتصادی
- سلامت نظام بانکی کشور
- میزان ذخایر ارزی
- ثبات نرخ مبادلات ارزی

البته، برخی از عوامل فوق برای سرمایه‌گذاران سهام و پاره‌ای دیگر برای سرمایه‌گذاران با سود ثابت اهمیت بیشتری دارند زیرا انگیزه سرمایه‌گذاران براساس نوع برداشت و ذهنیت آنها و انتظاراتی که از سرمایه‌گذاری دارند در انتخاب عوامل مؤثر است.

برای روشن‌تر شدن بحث پایانی این بخش باید اضافه کنم که میزان سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در بخش اوراق بهادار در کشورهای

نوپا در طول دهه ۱۹۹۰ به شدت افزایش یافته اما توزیع اینگونه سرمایه‌گذاری‌ها در کشورهایی انجام شده که از سیاست‌های دقیق اقتصاد کلان و نرخ رشد نسبتاً بالا برخوردار بوده‌اند. با تکیه بر این اصل موضوعه که سیاستها و مقررات حاکم بر بازارهای نوپا از جمله عوامل مؤثری هستندکه نظر سرمایه‌گذاران خارجی معطوف به آن است که به طور مشخص دولتها در آن نفوذ و تأثیر مستقیم دارند. با شناخت از این عوامل مؤثر، باید گفت ورود سرمایه‌گذاران به کشور میزبان برای سرمایه‌گذاری با بسترسازی در روندها و فرایندهای زیر همبستگی شدید و بالایی دارد.

- میزان حمایت از حقوق سرمایه‌گذار
- سهولت بازگشت سود و اصل سرمایه
- سرعت و قابلیت سیستم تسویه
- قوانین داخلی مالیات بر سود سرمایه
- دسترسی به مؤسسه‌های امین و کارگزار
- مقررات بازار سهام و اوراق قرضه
- کیفیت عملیات حسابداری و معیارهای افشای صورت‌های مالی
- تعریف دقیق از مفهوم بخش خصوصی با مختصات جهانی

بنابر آنچه گذشت در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، دولتها نقش مهم و اول را دارند زیرا پاره‌ای از تمهیدات و سازوکارها نیاز به ابزارهای قانونی و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی و تأسیس و ایجاد نهادهای متناسب و یا اصلاح نهادهای موجود دارد که در چارچوب وظایف دولت‌هاست و پاره‌ای از اهرم‌های حمایتی و پوششی نیز در اختیار بخش دولتی است که می‌توانند با بهره‌گیری از این قبیل سازوکارها برای تأمین سرمایه‌های لازم توسط بخش خصوصی از بازارهای جهانی سرمایه به این بخش کمک کنند. برای مثال دولت مکزیک در زمان آزادسازی اقتصاد و گشودن بازارهای سرمایه، اوراق قرضه منتشر کرد تا استقرار اوراق قرضه شرکتی خود را در بازارهای بین‌المللی حمایت کند. این سیاست از آن رو اتخاذ شد که اوراق قرضه با سررسیدهای متفاوت در ارتباط مستقیم با بدهی قطعی و براساس نسبت ریسک احتمالی شرکت به ریسک قطعی آن قیمت‌گذاری می‌شد. دولت مکزیک با انتشار اوراق قرضه دولتی با سررسیدهای مختلف در بازار بین‌المللی این امکان را یافت، تا میزان بدهی قطعی را برآورد کند و با استفاده از عامل پاداش ریسک هر شرکت به نسبت ریسک قطعی آن، تعیین میزان بدهی شرکت را به سادگی امکان‌پذیر نماید. به همین دلیل سرمایه‌گذاران بین‌المللی از اقدام دولت مکزیک به شدت استقبال کردند زیرا این عمل باعث شفافیت هرچه بیشتر عملیات برآورد بدهی شرکتها شده بود.

در همین راستا دولت مکزیک زمینه‌های لازم را برای دسترسی صاحبان شرکتها به بازار بین‌المللی سرمایه فراهم کرد و این فرصت را به شرکتها داد تا نرخ بهره مورد نظر سرمایه‌گذاران بین‌المللی را به راحتی برآورد کنند. الگوبرداری از شیوه‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای نوپا می‌تواند انتظارات رئیس محترم جمهور را در جذب سرمایه برای پروژه‌های عمرانی برآورده سازد ولی شرایط کافی برای آن، ایجاد زمینه‌های قانونی و نهادهای متناسب با این رویکرد می‌باشد.

یکی از عمده‌ترین روشهای تأمین منابع مالی در بازارهای سرمایه ایران برای شرکتهای مهندسی پیمانکار پروژه‌های عمرانی انتشار اوراق بهادار است. از این رو بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۶۸ فعالیتهای جدیدی را آغاز کرد. براساس ضرورت‌ها به مرور ابزارهای مالی دیگری به بورس اوراق بهادار تهران معرفی شد و مورد معامله قرار گرفت. این ابزارها عبارت بودند از:

- اوراق مشارکتی
- واریز نامه‌های صادراتی

در حال حاضر ابزارهای مالی زیر در اوراق بهادار تهران وجود دارد.

- اوراق سهام عادی که یکی از راه‌های تأمین سرمایه مؤثر برای شرکتهای سهامی عام مهندسی پیمانکار پروژه‌های عمرانی است که مستقیماً از پس‌اندازهای افراد تغذیه می‌کند که شامل سهام عادی دارای حق رأی و سهام عادی بدون حق رأی یا سهام با نام و بی‌نام است.
- حق تقدم خرید سهام که این سازوکار نیز در تأمین منابع مالی و سرمایه می‌تواند مؤثر باشد.
- اوراق مشارکت، نوعی ابزار مالی است که به منظور تأمین اعتبارات طرحهای عمرانی به دلیل توقف انتشار اوراق قرضه در سال ۶۳ جایگزین آن شد.
- واریزنامه ارز صادراتی این ابزار مالی نشان می‌دهد که صادرکننده‌ای معین، کالایی مشخص را به خارج صادر و ارز حاصله را با نرخ تعیین شده توسط بانک مرکزی به سیستم بانکی فروخته است. به بیانی بهتر واریزنامه صادراتی، سندی است که به موجب آن اجازه داده می‌شود معادل مبلغ معینی ارز به وسیله صادرکننده خاص، شخص حقیقی یا حقوقی که در آن واریزنامه نامش قید شده است صرف صادرات کالا نماید و یا این که از طریق یکی از کارگزاران بانکها آن را فقط در بورس اوراق بهادار به فروش رساند.
- ابزارهای بالقوه‌ای که در بازار سرمایه ایران وجود دارد و با سازوکارهایی می‌توان در قالب بانکداری اسلامی از آن برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عمرانی استفاده کرد عبارتند از:
- اوراق بهادار با درآمد ثابت Fixed Income Securities از جمله
- اوراق درآمد (Income Bonds) که بازده آن مشروط به سوددهی پروژه، قابلیت پرداخت دارد.
- اوراق تضمینی (Guaranteed Bonds) که ارزش اسمی آن غالباً توسط یک شرکت مادر (Holding) تضمین می‌شود.
- اوراق مشارکت (Participation Bonds) این نوع ابزار مالی علاوه بر درآمد ثابت اگر پروژه با سود بیشتر از انتظار همراه باشد سرمایه‌گذاران در آن نیز شریک هستند.
- اوراق با حق رأی (Voting Bonds) مانند سهام مالکان، دارندگان آن در امور شرکت حق رأی دارند.
- اوراق رهنی یا وثیقه (Secured Mortgage Bonds) قیمت اسمی این قبیل اوراق با پشتوانه وثیقه‌های غالباً ملکی ضمانت می‌شود.
- اوراق با سود متغیر هفتگی و بدون بهره ثابت (Demand Obligation Variable Rate) که نرخ آن بستگی به بازارهای باز مالی دارد.
- اوراق قابل تبدیل (Convertible Bonds) در صورت تمایل سرمایه‌گذار می‌تواند در ابعاد مختلف به سهام تبدیل شود.
- اوراق با صرف پائین (Low Premium) سرمایه‌گذار را متمایل به تبدیل اوراق به سهام می‌کند.
- اوراق بدون درآمد ادواری (Zero Coupon) تنها تفاوت قیمت اسمی با قیمت تنزیل شده آن بازده سرمایه را تأمین می‌کند.

پایان سخن اینکه برای استفاده از بازار سرمایه ایران باید موارد زیر که بخشی از الزامات کار می‌باشد عملی و اجرایی شود.

۱ تنوع‌بخشی به کالاهای قابل داد و ستد در بورس
۲ ایجاد ابزارهای مالی متعدد و متنوع در بورس
۳ تغییر ساختار و کارکرد شرکتهای سرمایه مشابه بانکهای سرمایه‌گذاری با پایه اوراق بهادار
۴ جلوگیری از دلالی و واسطه‌گری و سوداگری در بورس
۵ ایجاد سازوکارهای لازم برای جلوگیری از تقسیم سود سالیانه شرکتهای سهامی عام
۶ ایجاد جذابیت در بورس
۷ فرهنگ‌سازی در جامعه برای ورود آنها به بازار سرمایه
۸ حمایت دقیق و عمیق دولت از روند نوین و بازسازی بورس و فراهم کردن سازوکارهای لازم برای استمرار و ثبات امور آن.با کاربرد این عوامل امید است شاهد تأمین سرمایه‌های لازم در وهله اول از منابع مردمی داخلی و در مرحله بعدی از سرمایه‌گذاری خارجی باشیم.

مدخلی بر شرایط حاکم بر ماده های ۴۶ و ۴۸ شرایط عمومی پیمان

مهندس رضا طبیب‌زاده

۱- مقدمه

یاد دارم در شـرو ع کار مهندسـی و در اوایل دهـه ۵۰ یکی از بزرگان و پایه گذاران صنعت پیمانـکاری در ایران، مرحوم زنده یاد مهندس حاجی اصغرزاده (بنیانگذار شرکت اصغرزاده) که از ایشان به نیکی یاد می کنم، درمورد تعهدات طرفین قرارداد (کارفرما/پیمانکار) بنده را نصیحت می‌فرمودند. اینجانب در آن زمان و در شروع کار مهندسی‌ام در فضای مهندس مشاور مشغول به انجام وظیفه بودم و با ایشان همچون شاگرد و استاد بر سر مسائل قراردادی بحث و گفتگو داشتم. به بنده می‌فرمودند: فضای شرایط عمومی پیمان ما در همه بخش‌های آن، به طرفین حاضر در قرارداد (کارفرما/پیمانکار) چنین حکم می‌نماید که "کارفرما می‌تواند" و "پیمانکار بایستی" و نتیجه این است که این کارفرما است که تنها در پروژه تصمیم می‌گیرد. اینجانب در طول تجربه طولانی بیش از ۴۰ سال خود و نشستن در هر سه صندلی، کارفرما/ مشاور/پیمانکار به صحت نگاه آن مرد بزرگ پی بردم. روانش شاد.

۲- تقسیم ریسک و مسئولیت:

اعتقـاد بر این اسـت که برای اجرای یک پـروژه با منش و روش منطقی و با نگاه بُرد ـ بُرد، حداقل بایسـتی اصول ذیل در تهیه و تنظیم اسناد قرارداد، **خصوصاً شرایط عمومی پیمان به عنوان سـند اصلی عملیاتی و تعیین کننده روابط حقوقی / مالی بین طرفین**، مورد توجه قرار گیرد.

۲-۱ "معادلـه اختیار مسـئولیت" برای هـر یک از طرفین قرارداد بایسـتی در همه زمینه ها و در نظام های مختلف اجرایی پـروژه ها (نظام های دو عاملی EPC و سـه عاملی) مورد توجه خـاص قرار گیـرد. بدین معنی که اگر اختیـاری برای هر یک از طرفین قرارداد تعریف و درخواسـت می شـود آن طرف بایستی پاسـخگوی اختیارات تفویض شـده به خود، به وضوح باشـد **و اسـناد مدارک قـرارداد خصوصاً شـرایط عمومـی پیمان بایسـتی به نحوی تهیه و تنظیم شـود که بـه هیچ یک از طرفین قرارداد اجازه عدول از مسـیرهای تعیین شده، به نحوی که به معادله اصلی "اختیار ـ مسـئولیت" در پروژه خدشه وارد نماید، را کلاً و جزئاً ندهد.**

۲-۲ با توجه به شـرایط خاص نظام سه عاملی **و حضور روشن**

مهندس مشـاور به عنوان نماینده کارفرما، شرایط عمومی بایسـتی بـه نحوی تهیه و تدوین شـود که مهندس مشـاور به مسـئولیت های تفویض شـده به ایشـان به صورت مسـتقل و بدرسـتی عمل نماید. اگر چه چنین فضایی در این سند به طور مستقیم تعریف نشده که مهندس مشاور بایستی در اغلب موارد به صورت عامل میانی (Intermediate) عمل نماید، ولی عملاً و در پاره ای موارد، مهندس مشاور به صورت **"حَکَم نانوشته" بایسـتی بـه عنوان وکیل دو طـرف در قـرارداد و در یک فضای کارشناسی به مسئله وارد شود.**

۲-۳ مندرجات شـرایط عمومی پیمان نبایسـتی به نحوی تهیه و تدوین شـود کـه ذهنیـت برتری‌جویی در فضـای اختیارات کارفرما ایجاد نماید و بر عکس بایستی به نحوی این مسئولیت‌ها و محدودیت‌هـا تعیین شـود کـه هر دو طرف حاضـر در پروژه (کارفرما/پیمانکار) که فی‌الواقع هر دو امین مردم و مسئول هزینه نمودن سرمایه‌های ملی کشورند به درستی جایگاه خود را بیابند و با صحت و البته صداقت کامل به آن عمل نمایند.

الف) به باور اینجانب آنچه در شرایط کنونی در ماده های ۴۶و ۴۸ شرایط عمومی پیمان با کاربرد عبارات همچون "فسخ پیمان" یا "خاتمه پیمان" توسـط کارفرما تعریف شده است، با حال و هوای یـک فضای تعاملی بین طرفین نمی‌باشـد و قطعاً به برهم زدن معادله اختیار ـ مسـئولیت بین طرفین و گرداندن وزنه کنترلی بـه نفع کارفرمـا در طول اجرای پروژه منجـر می‌گردد که این امر در نهایت به نفع پروژه نخواهد بود. نکات اشـاره شـده دراین شـرایط عمومی پیمان تا کنون به نحوی، چنین به طرفین القاء نموده است که:

الف ـ ۱) پیمانکار همواره توجه داشـته باشد که اختیارات پروژه در اختیار کارفرما است.

الف ـ ۲) تنها پیمانکار در اجرای تعهدات خود قصور می‌نماید و مواردی همچون ماده ۴۶ برای گوشـزد نمودن تعهدات پیمانکار نوشته شده است و ماحصل، کارفرما در فضای دو جانبه قراردادی، عموماً از خطا بری است و این کارفرما است که براساس مصلحت پروژه تکلیف خطاهای قراردادی پیمانکار را روشن می‌نماید.

ب) بـه جـز بندهای (الـف ـ ۱۰) ، (الـف ۱۱) ، (الـف ـ ۱۳)، (ب ـ ۲) از ماده ۴۶ که به نحوی به شرایط و ماهیت شرکت‌های پیمانکاری مرتبط است (و اثبات موارد فوق نیز با مراجعه قوانین جاریه کشـور، نیاز به قضاوت یک حَکَم و مرجع بی‌طرف دیگری بـه جز کارفرما را طلـب می‌نماید و تحقق آن با حیثیت و اعتبار هر پیمانکاری مترادف اسـت)، در عمـل پیمانکار با امضای ذیل پیمـان و پذیرش مندرجات ماده ۴۶ به قضاوت یک سـو و یک جانبـه کارفرما نسـبت به خلع ید تن می‌دهـد که به هیچ وجه با حیثیت و اعتبار پیمانکار تناسـب ندارد و قطعاً دریافت چنین تائیـدی یکجانبه از پیمانکار در قرارداد، وجاهت یک عقد عادلانه و دو جانبه را ندارد.

پ) علیرغم تمام ادعاهای ثابت نشده و وارد شده به پیمانکاران در طول اجرای پروژه‌ها پیرامون اثرات تاخیر ناشی از عامل پیمانکار در اجـرای پروژه‌ها و تطویل بی‌رویه مدت پیمانها، به روایت کلیه اسـناد و مدارک رسـمی و تحلیلی منتشره شـده، در گذشته و حـال از طرف مقامات ذیربط منجمله سـازمان مدیریت، سـهم پیمانـکاران در کل تاخیرات اجرای پروژه‌هـای عمرانی کمتر از ۵درصد بوده و بیش از ۶۵درصد موارد تأخیر به عواملی همچون تامین منابع مالی و عملکرد کارفرما مرتبط اسـت. (نگاه بفرمائید به آخرین گزارش رسـمی نظارت بر بودجه سال ۱۳۸۷ معاونت راهبردی رئیس جمهور ـ۱۳۸۸)

ت) ماده‌هـای ۴۶ و ۴۸ تحت عنوان "فسـخ پیمـان" و "خاتمه پیمـان" اختیار متوقف کـردن عملیات اجرای پـروژه را کلاً به کارفرما داده اسـت. ماده ۴۶ به اصطلاح موجود بین پیمانکاران، "مفارقت غیردوسـتانه" و ماده ۴۸ "مفارقت دوستانه" می‌باشد. در هر دو مورد تشـخیص عدم ادامه کار پروژه، منجمله در ماده ۴۶، بـه علت قصور پیمانکار در پروژه بوده و کارفرما این موارد را خود تشـخیص می‌دهد و ایضاً در مورد مـاده ۴۸ نیز کارفرما با شرایط نه چندان مطلوب‌تری تحت عنوان "بدون اینکه تقصیری متوجه پیمانکار باشـد بنا به مصلحت خود یا علل دیگری" اقدام به متوقف نمودن پروژه می‌نماید. گرچه در ماده ۴۷ و در ترتیبات اقدامات پس از فسخ پیمان توسط کارفرما، بر اساس مصادیق بند الف ماده ۴۶، اشاره‌ای به الزام به تشکیل یک هیأت کنترلی دارد ولی اما باز پیمانکار در تشکیل این هیئت کنترلی هیچ دخالتی نداشـته و اعضای هیئت مورد اشاره از سه نفر به انتخاب وزیر یا بالاترین مقام سـازمان‌های دولتی تشکیل شده است که باز این نگاه، یکجانبه است و مهم‌تر اینکه چنین سیستم کنترلی ایضاً در ماده ۴۸ نیز دیده نمی‌شود.

۳. محدودیتهای ماده‌های ۴۶ و ۴۸

به اعتقاد نگارنده شرایط یک جانبه کارفرما در اعمال نظرات خود به منظور ختم پیمان مندرج در ماده ۴۸، نسبت به ماده ۴۶، به دلایل ذیل از وجاهت کمتری برخوردار است.

الف) در ماده ۴۶ حداقل کارفرما بایسـتی با اسـتناد به دلایلی (دلایل مندرج در بندهای الف و ب) اقدام به فسـخ پیمان و خلع پیمانـکار نماید و از طرفی براسـاس ماده ۴۷ به منظور کنترل و نظارت بر اعمال کارفرمـا در اجرای مندرجات بند الف ماده ۴۶، هیأتی بـا انتخاب وزیر یا رئیس سـازمان مربوطه، بدون دخالت پیمانکار، به عنوان سیستم کنترلی تعریف شده است.

ب) امـا این بار در مـاده ۴۸، تصمیم خاتمه پیمان نیاز به ادله و دلیلی توسـط کارفرما و ارائه آن به طـرف مقابل یعنی پیمانکار نـدارد **و کارفرما به مصلحت خود و بـدون ذکر دلیل**، بدون هیچ نوع سیسـتم کنترلی و نظارتی و بـه دلایل عدیده که نیاز به اثبات شـرط نیست، اقدام به فسخ پیمان و خلع‌ید از پیمانکار می‌نماید. این بدان معنی است که در هر زمانی از پروژه، کارفرما می‌تواند به دلایلی خارج از قصور پیمانکار و مسـتقیماً حاصل از فعل خـود، در عدم ارزیابی صحیح از شـرایط پروژه، پیمانکار را بـه صحنـه وارد نموده و در پی آن تحت عنـوان مصلحت خود، پیمان را ختم بنماید. قطعاً این اتفاق اگر در فضای نیمه عملیات پیمان (۵۰ درصد پیشرفت کار) یا پس از آن حادث شود بارمالی/ حیثیتی بسـیار سـنگین برای پیمانکار خواهد داشـت. لازم به یادآوری اسـت که به منظور کنتـرل عملکرد کارفرما و نگاه‌های یک سـویه ایشـان برای ختم پیمـان، ضوابط فیدیک و سـایر اسـتانداردهای بین‌المللی بر این باور دارند که **چنانچه کارفرما از این فضا (فسخ اختیاری پیمان) استفاده نموده و نسبت بـه خاتمه پیمان اقـدام نماید، اختیار اجـرای ادامه کار را به صـورت برون سـپاری (Out Sourcing) یا به صورت امانـی(In House) نخواهـد داشـت**. در ادامه مقاله به این مطلب پرداخته می شود.

لـذا به بـاور نگارنـده و در نـگاه کلان و در ماهیت امر، هر دو مـاده ۴۶ و ۴۸ دارای یـک اثر نامطلـوب برای پیمانکار بوده که تجربه طولانی در این زمینه، نشـان داده است که اجرای ایـن موارد در نهایت به نفع پروژه نبوده و فسـخ و با خروج پیمانکار با اسـتفاده از هر یـک از ماده‌های فوق، موجب تطویل بی‌رویه مدت پیمان و بالا رفتن هزینه پروژه گردیده و از این منظر اسـت که درخواسـت می‌شـود که ابتـدا مصادیق ماده های ۴۶ و ۴۸ به نحوی مطلوب تعیین و تدقیق شـود که بعضی از کارفرمایان و مجریان نتوانند با اتصال به این ماده‌ها به عنوان ابزار فشـاری، در برهم زدن تعادل بین طرفین در اجرای پروژه عمل نمایند.

۴.نگاه‌های بین‌المللی در مورد فسخ پیمان

۴-۱ از جدی‌تریـن و چالش برانگیزتریـن مباحثی که با ظرافت خاصی در اسناد بین‌المللی پیمانها به آن پرداخته شده و به عنوان یک حق اساسی برای هر دو طرف پیمان در نظر گرفته شده است **موضوع حق فسـخ پیمـان (Termination) برای هر دو طرف قرارداد است. بدین معنی که با امضای پیمان، هر دو طرف (کارفرما/پیمانکار) دارای تعهدات و مسـئولیت‌های مشخصی (معادله اختیار ـ مسئولیت) نسبت به طرف مقابل خود هسـتند کـه چنانچه در انجام آن، هـر طرف کوتاهی نمایـد متقابلاً طرف دیگر می‌توانـد مبادرت به احقاق حق خود و یا فسخ پیمان نماید.**

۴-۲ در متون نوشـته شده بین‌المللی برای شرایط پیمان، چنین نگاه عموماً یک جانبه همچون شرایط عمومی پیمان ایران و تفویض اختیار یک سویه به کارفرما در انجام خلع‌ید پیمانکار، کمتر دیده می‌شـود. محور اصلی تمام متون پیمان‌های بین‌المللی عبارت از ایجـاد یک تعـادل و توازن در حق خاتمه پیمان توسـط کارفرما و پیمانکار می‌باشـد. **بـه عبارت دیگـر همانطوریکه کارفرما می‌تواند در چارچوب معین و شفاف نسبت به خاتمه پیمان اقدام نماید. متقابلاً این حق به پیمانکار نیز داده شده است که در صورت عدم تامین شرایط پیمان، طبق ضوابط و پس از اعلام آن به کارفرما، نسبت به خاتمه پیمان اقدام نماید.**

۴-۳ بعضـاً در متون بین‌المللی به معادل‌های Cancellation و Termination اشـاره می‌شـود و از آنها بـه عنوان خاتمه و فسخ پیمان استفاده می‌شود. در اینجا لازم است مقایسه‌ای لغوی میان دو واژه فوق‌الذکر انجام گردد. معانی این کلمات با استناد به پاره‌ای از منابع معتبر خارجی عبارت است از:

- Oxford Dictionary:

Cancellation: The action of cancelling or of being cancelled
Termination: The action or an instance of terminating something or the state of being terminated

- Longman:

Cancellation: A decision or statement that a planned or regular activity will not happen.
Termination: The act of ending something or the end of something.

- Black Law Dictionary:

Cancellation: Abandonment of contract, Act of crossing out a writing
Termination of conditional contract: To abrogate so much of it as remains unperformed, doing away with existing agreement under agreed terms and consequences.

همچنانکه ملاحظه می‌گردد تفاوت و اختلاف معنایی این دو واژه، بـا مراجعه بـه مراجع لغوی فوق چندان ملموس نیسـت، ولی با بررسـی دقیق‌تر در زمینه اختلاف این دو واژه، عبارات مشابه زیر نوشته شده است.

- A contract termination calls off of an existing contract between two parties, for example an agreement between a landlord and tenant or a vendor and a producer. A contract cancellation usually involves canceling a service such as a magazine subscription or an insurance policy.
- The contract termination letter is proof that the contract has been terminated and that all parties involved have accepted the termination. A contract cancellation letter usually informs a service provider about a decision to cancel the contract and informs the company that its services will not be required in the future.
- Termination letters should be in accordance with the original contract and should not have any loopholes that might lead to legal issues or controversies. It is important that the content of a cancellation letter clearly state that you wish to receive written confirmation that the letter was received.
- The termination letter must include the terms and conditions of

the contract that caused the parties to terminate the contract. However a contract termination letter should include account numbers and references to prevent delays. It is also necessary to inform the company that it is no longer authorized to charge any payments to your automatic payment option on file.

از متون بالا چنین استنباط و برداشت می‌شود که به کارگیری معادل Cancelation در یک عقد بین دو طرف، به نحوی جاری می‌شود که توقف کار از ناحیه طرف اول به منافع طرف دوم بعضاً صدمه و خدشه‌ای وارد نمی‌نماید. فی‌المثل قرار آبونمان یک روزنامه و یا یک بیمه توسط بیمه گذار به نحوی متوقف می‌شود که به بیمه‌گر خسارتی وارد نمی‌شود بر عکس به کارگیری کلمه (Termination) در مقابل توقف و فسخ کار بدین صورت است که در قرارداد، دو طرف با قبول شرایطی حق را به یکدیگر برای متوقف کردن کار داده‌اند و هر یک با استناد به این حقوق، کار را متوقف می‌نمایند. البته اگر ماده ۴۸ شرایط عمومی پیمان موجود به نحوی با فضای (Cancellation) داده شود، با این تفاوت که ختم یک جانبه از طرف (کارفرما) نبایستی به منافع طرف دوم یعنی پیمانکار خسارت وارد نمود و چنانچه کارفرما اقدام به فسخ به مصلحت خود نمود بایستی جبران کلیه خسارات وارده به پیمانکار را بنماید.

۵. نگاه‌های بین‌المللی در مورد حُکم‌های ماده‌های ۴۶ و ۴۸ شرایط عمومی پیمان

۵-۱ قبل از وارد شدن به نقد و بررسی ماده های ۴۶ و ۴۸ موجود شرایط عمومی پیمان و تدقیق حدود و ثغور معادله اختیار و مسئولیت اعضای حاضر در پروژه (کارفرما/پیمانکار)، لازم است به صورت گذرا، به پاره‌ای از متون بین‌المللی اشاره‌ای شود و از این نگاه تمرکز بیشتری بر روی آخرین ضوابط فیدیک، که به نحوی در فضای اجرای پروژه‌های عمرانی داخلی عمومیت بیشتری دارد، معطوف گردد. گرچه آخرین شرایط عمومی پیمان فیدیک دارای محدودیت های بسیاری نسبت به سایر استانداردهای بین‌المللی، که در پروژه‌های بزرگ (Mega Project) کاربرد دارد، بوده ولی باز دارای انعطاف بیشتری، در حوزه مسئولیت‌های دو طرف قرارداد (کارفرما/پیمانکار) در جهت خاتمه دادن یا فسخ پیمان نسبت به ضوابط داخلی ایران، می‌باشد. لذا در ذیل به استاندارد فیدیک توجه شده است.

۵-۲ در ضوابط سال ۱۹۸۷فیدیک، اختیارات وسیعی به مهندس مشاور در حل و فصل مسائل جاری پروژه و خصوصا به عنوان حَکَم بین طرفین (کارفرما/پیمانکار) داده شده بود، ولی مسئولان و کارشناسان فیدیک در طول سالیان بعد و با کاربرد این ضوابط در پروژه‌های بین‌المللی، به این باور رسیده‌اند که بایستی تغییرات اساسی و بنیادی در فضای شرایط عمومی پیمان فیدیک داده شود و به نحوی تعادل منطقی در فضای مسئولیت و اختیار بین اعضای پروژه (کارفرما/مشاور/پیمانکار) به وجود آید. لذا فیدیک، آخرین نشرات منتشره سال ۱۹۹۹ (کتاب های قرمز «Construction» ، زرد «Design&Build»و نقره‌ای«EPC») را به شرح ذیل در فضای نظام اجرایی دو عاملی و سه عاملی انتشار داد.

1 Conditions of Contract for Construction.

(نظام سه عاملی)

2 Conditions of Contract for Plant and DesignBuild.

(نظام دو عاملی)

3 Conditions of Contract for EPC Turn Key Project.

(نظام دو عاملی)

در متون فوق‌الذکر گرچه حدود اختیارات مهندس مشاور با ایجاد یک هیأت حل‌اختلاف (DAB)۱ محدود شده است ولی باز در اغلب موارد در فضای اجرایی سه عاملی (کتاب قرمز)، مهندس مشاور دارای اختیارات بسیار وسیعی بوده که در این ارتباط انجمن بین‌المللی پیمانکاران اروپایی (EIC)۲، اقدام به انتشار نشریه‌ای تحت عنوان **"نقد EIC بر روی شرایط عمومی پیمان فیدیک "** در مورد کتاب قرمز و حدود اختیارات مهندس مشاور نموده است. در این نقد باز در موارد عدیده‌ای، مهندس مشاور با

استناد به ماده۳/۵ (Determination) در فضای تصمیم‌سازی بین طرفین قرارداد کارفرما/پیمانکار قرار گرفته است.
اینجانب به منظور مقایسه نقش مهندس مشاور در فضای ضوابط فیدیک و همچنین ضوابط داخلی، مقاله‌ای تحت عنوان **"نقش مهندس مشاور در روش‌های مختلف اجرای پروژه"** (فصلنامه مهندس مشاور، شماره ۴۴، تابستان ۱۳۸۸) ارائه نمودم که علاقه مندان می توانند به آن مراجعه بفرمایند.

۵-۳ نگاه به ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمان در مقایسه با ضوابط فیدیک

در ضوابط فیدیک تحت عنوان فسخ پیمان توسط کارفرما (Termination by Employer) اختیارات فسخ پیمان با اشاره به مصادیق ذیل داده شده است. (ماده ۱۵)

- چنانچه پیمانکار قادر به انجام تعهدات قراردادی خود نباشد و اصلاح کار معیوب توسط مهندس مشاور از ایشان خواسته شده باشد. (بند ۱۱۵)
- چنانچه پیمانکار تضامین لازم جهت انجام تعهدات خود را ارائه ننماید. (بند ۲۴)
- از ادامه کار در مقاطع (شروع کار، رفع تاخیرات، تعلیق) به وجود آمده از فعل خود و یا پس از تعلیق کار به نحوی تعلل ورزد. (ماده ۸)
- به صورت روشن و به وضوح ادامه کار را ترک نماید.
- کل مسئولیت‌های قرارداد را به دیگران منتقل نماید.
- در شرایط انحلال و ورشکستگی و نظایر آن قرار گیرد.
- در مظان اتهام به دادن رشوه، انعام و نظایر آن قرار گیرد.

در ضوابط فیدیک تعیین تکلیف کارهای مورد لزوم پس از فسخ پیمان، به منظور حصول توافق و تعیین ارزش کالا، خدمات و تجهیزات پیمانکار و دیگر مبالغ بدهی کارفرما به پیمانکار، در ماده ۳۱۵ تصریح شده است.

۵-۴ نگاه به ماده ۴۸ شرایط عمومی پیمان و مقایسه با ضوابط فیدیک

در ضوابط فیدیک در همان ماده مربوط به فسخ پیمان، تحت عنوان **"حق کارفرما جهت فسخ پیمان"** امکان فسخ اختیاری را به کارفرما داده است. این حق برای کارفرما نوشته شده که **"در هر زمانی و بنا به مصلحت خود"** نسبت به فسخ پیمان اقدام نماید.
طبق ماده(۵۱۵) در این حالت کارفرما بایستی ابتدا تضامین نزد خود را به پیمانکار عودت داده **و علاوه بر آن حق انجام بقیه کار، یا به صورت انتخاب پیمانکار Sub Contactor یا به صورت امانی InHouse از ایشان سلب شده است.**
توضیح اینکه ترتیبات ادامه کار پس از ختم پیمان مترادف با ماده ۴۷ شرایط عمومی پیمان، در همان ماده فسخ پیمان نوشته و تاکید شده است.

۵-۵ نگاه‌فیدیک در مورد تعلیق وفسخ پیمان توسط پیمانکار (Suspensions and Termination by Contractor)

در ضوابط فیدیک، به طور مشخص و به منظور حفظ تعادل بین طرفین قرارداد (کارفرما/پیمانکار) شرایط و اختیارات ذیل متقابلا به پیمانکار داده شده است.
الف : بحث عدم انجام تعهدات کارفرما (ماده ۱۶) مصادیق این امر به شرح ذیل تاکید شده است.

- مهندس مشاور صورت کارکردهای پیمانکار را تایید ننماید (بند ۶۱۴)
- کارفرما نتواند اسناد و مدارک لازم را به پیمانکار ارائه نماید که نشان دهد قادر است منابع مالی پیمان را تامین نماید. (بند۴۲)

توضیح اینکه: تامین منابع مالی توسط کارفرما در ضوابط فیدیک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و ایضاً بر اساس مندرجات ماده ۱۰ قانون مناقصات داخلی، تأکید بیشتری در این مورد به کارفرمایان گردیده است و کارفرمایان موظفند در زمان مناقصه، روش تأمین مطمئن منابع مالی (Secured means of payment)را در اسناد مناقصه به اطلاع مناقصه‌گران برسانند.
با توجه به ماده (۴۲) تحت عنوان ترتیبات مالی کارفرما، کارفرما بایستی توان انجام پرداخت‌های مبلغ پیمان را داشته باشد و همچنین با توجه به ترتیبات موضوع پیش پرداخت و نحوه پرداخت صورت کارکردهای پیمانکار (بند ۷۱۴)، چنانچه کارفرما قادر به انجام تعهدات خود نباشد، پیمانکار می‌تواند با اعلام کتبی حداقل ۲۱ روزه، کار را به تعلیق در آورده یا میزان پیشرفت کار را کاهش دهد و این عمل پیمانکار، حق فسخ قرارداد را از ایشان

سلب نمی‌نماید.

- کارفرما اساسا قادر به انجام تعهدات خود نباشد.
- مهندس مشـــاور نتوانـــد ظرف ۵۶ روز پـــس از دریافت صورت کارکردهای پیمانکار، گواهی پرداخت صادر نماید.
- کارفرما نتواند ظرف ۴۲ روز پس از انقضای مدت قانونی مندرج در ضوابط پرداخت، پیش پرداخت و یا صورت کارکردهای خود را پرداخت نماید. (ماده ۷۱۴)
- کارفرما نســـبت به امضای موافقتنامه پیمان، ظرف ۲۸ روز بعد از اعلام قبولی خود در مناقصه (LOI) اهتمام نورزد. (بند ۶۱)
- کارفرما بدون موافقت پیمانکار، نسبت به واگذاری کار به دیگری عمل نماید. (بند ۷۱)
- ادامه تعلیق یا توقف کار توسط کارفرما، به شرح توضیحات بند ب زیر صورت گیرد. (بند ۱۱۸)
- ورشکســـتگی یا انحلال یا حکم اجرایی علیه کارفرما در مجامع قانونی صادر شود.

ملاحظه می‌شـــود که شـــرایط فیدیک توانسته اســـت یک تعادل منطقـــی بین مصادیق فســـخ پیمان توســـط هر یـــک از طرفین (کارفرما/پیمانکار) ایجاد نماید.

ب : بحـــث تعلیق کار (ماده ۱۱۸) مصادیق این امر به شـــرح ذیل نوشته شده است.

- چنانچه اجرای کار به تعلیق در آید و مدت آن بیش از ۸۴ روز به طول انجامد. پس از آن، پیمانکار می‌تواند اجازه شروع کار را از مهندس مشاور درخواست نماید.
- چنانچه مهندس مشـــاور ظـــرف ۲۸ روز از درخواســـت کتبی پیمانکار، جهت شـــروع کار، اجازه شـــروع را صادر ننماید پیمانکار محـــق به حذف بخشـــی از فعالیت‌های مورد تعلیـــق خواهد بود و یا اینکه اگر تعلیق برای کل کار اثر گذار باشـــد، پیمانکار می‌تواند درخواست فسخ پیمان بنماید. (ماده ۲۱۶)

۵-۶ اختیار فسخ به هر دو طرف قرارداد (Termination, Payment and Release)

در شـــرایط فورس مـــاژور در ضوابط فیدیک بر اســـاس ماده ۶۱۹ اختیار فسخ را به هر یک از طرفین داده است و این در حالتی است که چنانچه میزان قابل توجهی از کارهای در دست اجرای پروژه به دلایل و شرایط فورس ماژور و به مدت ۸۴ روز، به صورت پیوسته یـــا فواصل مقطعی که کل آن از ۱۴۰ روز نبایســـتی تجاوز نماید، امکان پذیر نباشد، هر یک از طرفین می‌توانند اطلاعیه فسخ را به طرف مقابل بدهند.

۶. نگاه به ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمان موجود

الف: به اعتقاد نگارنده ۱مصادیق فســـخ پیمان۲حدوث این مصادیـــق و ۳بالاخره تعریف سیســـتم رفتـــاری و قضاوتی بین کارفرما/پیمانکار در مورد اثبات حدوث مصادیق فسخ پیمـــان و علت یابی در این مورد از الویت برخوردار اســـت و به ظاهر و در طول ۴۰ ســـال گذشته، نگارندگان و تهیه کنندگان شـــرایط عمومی پیمان چنین اســـتنباط و درک دارند که از موارد عدیـــده‌ای که ممکن اســـت در طـــول اجرای پـــروژه از منظرهای عملیاتی/مالی بیـــن طرفین حاضر در قـــرارداد (کارفرما/پیمانکار) حادث شود و به نحوی با نگاه کارفرما موجب برهم زدن شرایط قرارداد (Breach of Contract) توسط پیمانکار شود، همانا مصادیق مندرج در بندهای الف و ب ماده ۴۶ پیمان اســـت که می‌تواند موجب فســـخ پیمان و خلع ید پیمانکار گردد. **از نگاه نگارنده موارد اشـــاره شـــده در ماده ۴۶ به شرح توضیحات ذیل، هر یک می‌تواند با یک نگاه تعاملی و به عنوان حوادث و مشـــکلات اجرای پروژه تلقی شـــده و در شرایط عمومی پیمان، بـــرای رفع آنها راهکار منطقی و متناســـب تعیین و در مـــواد ذیربط و با تعیین تکلیف روشـــن، بـــرای حدود در اختیارات طرفین عمل نمود و با حذف فضای تقابلی موجود در مـــاده ۴۶ شـــرایط عمومی پیمان حاضـــر و تبدیل آن به فضای تعاملی بیـــن کارفرما و پیمانکار، کمک شایســـته به پیشبرد اهداف پروژه نمود تا در این رهگذر یک تعادل بین عملکرد طرفین در طول اجرای پروژه حاصل گردد.**

ب: با توجه به فضای ماده ۴۶ شـــرایط عمومی پیمان در فرم اولیه و قدیمی (موضوع بخشـــنامه شـــماره ۱۱۲۷۸۱/۵۴/۴۶۹۰ مورخ ۵۹/۱۱/۲۱ **فـــرم اول**). در شـــروع انقـــلاب، پیمانـــکاران مواجه با درخواست یک جانبه ضبط ضمانت‌نامه‌ها از طرف کارفرمایان توسط بانک‌ها شدند. این حجم وسیع به نحوی بود که مسئولان کشور را

در آن زمان و به منظور حل مسئله و رفع مشکل وارد صحنه نمود و بـه نحوی از ضبط ضمانت‌نامه‌های پیمانکاران جلوگیری شـد. متاسفانه در سند تنظیمی شرایط عمومی پیمان بعدی و حاضر در سالیان بعد (موضوع بخشنامه شماره ۱۰۲/۱۰۸۸۵۴۱۸۴۲ مورخ ۷۸/۰۳/۰۳ فرم دوم) عموماً کم و بیش همان مندرجات شـرایط عمومی پیمان قبلی دنبال شـد که **البته امید اسـت ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمان در دسـت بازنگری، با نگاه به جلو و نگاه بُرد ـ بُرد توسـط سازمان مدیریت تهیه و انتشار یابد. ذیلاً دیدگاه‌های اجمالی در مورد بندهای مختلف ماده ۴۶ نوشته شده است.**

بنـد الـف ـ ۱ : در تغییرات و انعطاف انجام شـده در فرم دوم و دادن اختیـار به پیمانکار در مـورد خاتمه پیمان (موضوع تبصره ذیل بند ج ماده ۲۸ شـرایط عمومی پیمان) نشان‌دهنده و موید این امر بوده است که کارفرمایان نتوانستند به تعهدات خود در مورد تحویل زمین به درستی عمل نمایند و از این نگاه بود که در (فرم ۲) اختیار خاتمه پیمان به پیمانکار نیز تفویض شد. لذا **به اعتقاد**

و بـاور اینجانب، این بند مـی تواند حذف و تکلیف طرفین پیمان در همان ماده ۲۸ مشخص شود و تجربه گذشته بارها نشـان داده است که عدم تحویل زمین و استحصال اراضی توسط کارفرمایان دچار مشـکل جدی بوده است و ما شاهد پروژه‌هایی بوده‌ایم که از این منظر، کار دچار وقفه جدی گردیده است.

بنـد الف ـ ۲ : عدم تحویل برنامه زمانبندی تفصیلی پروژه توسط پیمانکار نمی تواند و نبایستی عامل خلع ید پیمانکار تلقی شـود. چنانچه پیمانکار در این مورد عدول نمود، کارفرما می‌تواند با دادن ضرب‌العجل و هشدار به پیمانکار درخواست رفع مشـکل را بنماید و باز در صورت عـدم تمکین پیمانکار، کارفرما راساً نسبت به تهیه و تنظیم برنامه‌ریزی تفصیلی توسط مهندس مشاور اقدام و برای اجرا به پیمانکار ابلاغ و در این حالت پیمانکار موظف به تمکین به آن خواهد بود. این تصریح می‌تواند در شرایط عمومی پیمان آورده شود.

بنـد الـف ـ ۳ : وقوع عدم تجهیـز کارگاه و خطـای قراردادی احتمالی یک یا چند پیمانکار را نبایسـتی بـا عمومیت دادن به موضوع، از مصادیق خلع‌ید تلقی نمود. این نقیصه نیز به نحوی به عملکرد کارفرما در انتخاب پیمانکار اصلح از همان ابتدا بر خواهد گشـت. **قطعاً همه پیمانکاران تلاشـگر و با نیت انجام همه جانبه پروژه وارد می‌شـوند و منطق چنیـن حُکم می‌کند که چنین عملی به صورت عمومی از هیچ پیمانکاری، آنهم در ابتـدای کار که منجر به مخدوش نمـودن رابطه خود با کارفرما خواهد شد، سر نخواهد زد و تنها در شرایط خاص، ممکن است این اتفاق حادث شود لذا این شرایط خاص نیز بایسـتی مورد بررسـی قرار گیرد و برای آن راهکار تعیین شود.**

ردیـف های الف ـ ۴ الی الـف ـ ۶: مواردی همچون تاخیر در شروع عملیات، یا تاخیر در تمام کردن هر بخش از کار، نبایستی به عنوان یک اهرم فشـار سنگین، آنهم خلع‌ید در اختیار کارفرما قرار داده شـود. بدون شـک وقوع هر یک از موارد فوق، بر اساس دلایلی در کل پروژه حادث شـده است که طرفین بایستی با یک فضای تعاملی نسـبت به بررسـی و رفع آن اقدام نموده و راهکار لازم برای حل آنها تعیین نمایند و پس از آن در صورتی که محرز شـود کارفرما تعهدات خود را انجـام داده و به ادعاهای پیمانکار رسـیدگی کرده و آنگاه پیمانکار یا نمی خواهد یا قادر نیسـت به تعهدات قراردادی خود عمل نماید، در آن مرحله است که کارفرما می‌تواند تصمیم جدی در مورد چگونگی فسخ کار بگیرد.

بنـد الف ـ ۷ قطعا پـس از عوامل مندرج در مـاده ۴۳ (فورس ماژور) چنانچه پیمانکار حاضر به ادامه کار نباشـد بایستی مسئله در فضای کارشناسـی بین طرفین حل و فصل شود و با علت‌یابی امر، به مسئله برخورد و موضوع حل و فصل شود. در این مورد به صورت منطقی، در ضوابط فیدیک راهکار ارائه شـده است. (نگاه بفرمائید به بندهای ۲۱۹ ، ۶۱۹)

بنـد الف ۸ ـ قطعا بدون سرپرسـت گذاشـتن کارگاه توسـط پیمانکار نبایستی به عنوان یک عامل سنگین فسخ پیمان توسط کارفرما تلقی شـود. ساختار سازمانی پیمانکار در کارگاه منجمله رئیس کارگاه، معاون کارگاه و بقیه اعضا، قبلاً به کارفرما و مشاور ارائه می‌شود، بدون شـک چنانچه رئیس کارگاه در پروژه حضور نداشته باشـند معاون ایشـان می‌توانند عمل نمایند مگر رئیس کارگاه معذورات دیگری داشـته باشد که بایستی توسط پیمانکار تعویض شود.

بند الف ـ ۹ قطعا عدم انجام دسـتورات مهندس مشـاور توسط پیمانکار را نمی‌توان به عمد تلقی نمود، ممکن است پیمانکار نیز نظراتی داشته و لذا این موارد بایستی به صورت مسائل و مشکلات پـروژه در DAB (هیئت کارشناسـی رفع اختلاف) حل و فصل شود و نبایستی عامل خلع ید پیمانکار باشد.

بندهای الف ـ ۱۰ ، الف ـ ۱۱ ، الف ـ ۱۳و بند ب این بندها به ساختار شرکت پیمانکار مربوط بوده و در صورت احراز آن توسط یک حَکَم بی‌طرف می‌تواند به عنوان اخطار و انجام فسـخ پیمان توسط کارفرما تلقی گردد.

بند الف ـ ۱۲ تأخیر در پرداخت دسـتمزد کارگران برای بیش از یک ماه، فی‌النفسه عمل صحیح و منطقی تلقی نمی‌گردد ولیکن این مسئله نبایسـتی به عنوان ابزار خلع ید توسط کارفرما تلقی شود. چنانچه پیمانکار قصور در این امر نمود به راحتی ابزار برای

رفـع آن در اختیار کارفرمـا قرار دارد و کارفرمـا هم می‌تواند از صورت کارکردهای ماهیانه بعدی پیمانکار و یا تضامین پیمانکار، نسبت به پرداخت مطالبات معوقه کارگری اقدام نماید.

۷. نگاه به ماده ۴۸ شرایط عمومی پیمان

در بندهای گذشـته اشـاره شـد که وجاهت و مقبولیت قبولی ماده ۴۸ توسـط پیمانکار، به عنوان طـرف دوم قرارداد کمتر از مـاده ۴۶ می‌باشـد. به این معنی که در مـاده ۴۸ کارفرما بدون هیچگونه محدودیتی و بدون ذکر و ارائه ادله به پیمانکار و تنها به مصلحت و تشـخیص خود می‌تواند پروژه را در هر مقطعی فسخ نموده و پیمانکار را از پروژه خارج نماید. تجربیات گذشـته نشان داده اسـت پروژه‌هایی که بر اساس این ماده خاتمه یافته، عمدتاً پروژه‌هایی بوده اسـت که کارفرمایان و دستگاه اجرایی، در تهیه و تامین ابزارهای مهم اجرایی پروژه، منجمله نقشه و مشخصات، اسـتحصال اراضـی و مهمتر تامین منابع مالـی آن، برنامه‌ریزی صحیـح و دقیـق ننموده‌اند و لاجرم در مقاطـع بینابینی پروژه، پیمانکار را دچار مشـکل نموده و با اسـتناد به این ماده و تحت عنوان مصلحت پروژه یا علل دیگر، نسبت به خاتمه پیمان اقدام نمودند. لذا به نظر می‌رسـد چنین ساختاری قطعاً بایستی مورد بازنگری جدی در تدوین شرایط عمومی پیمان آینده با نگاه پروژه محوری و بُرد ـ بُرد تعریف و اصلاح شود. نکته قابل اشاره در این مورد این است که در شرایط عمومی پیمان بایستی ساز و کار، به نحوی مشـخص شود که کارفرما از ابتدا با توجه به منافع دولت، برنامه‌ریزی صحیح برای اجرای پروژه را به عمل آورد و در شرایط اضطرار به توقف پروژه با هماهنگی و تبادل نظر با پیمانکار، نسبت به توقف کار اقدام نموده و به طبع بایستی ضرر و زیانهای وارده به پیمانکار را جبران نماید.

نتیجه گیری و پیشنهادات:

۱. با توجه به گذشـته نه چندان مقبول ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمـان، پیشـنهاد دارد به کارگیری کلماتـی همچون، **"خاتمه پیمان"، "فسـخ پیمـان"، "برکناری پیمانـکار"، "خلع ید پیمانـکار"** و عباراتـی نظایر آن، هم از نظـر روانی هم از منظر حقوقی، مورد توجه قرار گرفته و کلمه معادل و موجه برای فضای مـورد نظر تعریف شـود. اینجانب کلمه **"فسـخ"** را من جمیع جهات پیشنهاد می‌نمایم.

۲. پیشـنهاد می‌شـود ماده‌هـای ۴۷،۴۶ و ۴۸ تحت یک ماده و با نـام ماده **"فسـخ پیمـان"** در دو بخش یکی **"حق فسـخ پیمان توسـط کارفرما" و دیگری "حق فسخ پیمان توسط پیمانکار" نوشـته شود.** بدیهی اسـت مندرجات ماده ۴۷ که روش و ترتیبـات انجام کار پس از خاتمه پیمان توسـط هر یک از طرفین می‌باشـد نیـز می‌تواند به عنوان بخشـی از این ماده نوشته شود.

۳. مصادیق اشـاره شـده در ماده ۴۶ به عنوان مهمترین چالش ایـن ماده بایسـتی مورد بازنگـری جدی قرار گرفته و به شـرح توضیحات ارائه شده در متن مقاله، در سه محور به اعتقاد نگارنده **۱مصادیق فسـخ پیمان۲حـدوث این مصادیـق و بالاخره ۳تعریف سیستم رفتاری و قضاوتی بین کارفرما/پیمانکار** در مـورد اثبات حدوث مصادیق فسـخ پیمان بـرای مواردی که می‌توان برای آنها راهکار در طول اجرای پروژه (تشویقی/ تنبیهی) تعیین نمود، مشخص و حذف شود.

۴. بر اسـاس توضیحات ارائه شـده در مقاله در مورد نگاه متون خارجـی به بحـث Cancellation و انطباق احتمالی این ماده با ماده ۴۸ شـرایط عمومی پیمان، تاکید می‌گردد که در مسئله Cancellation در حقیقـت یکـی از طرفین حاضر در قرارداد، قطع خدمات فیمابین را درخواسـت می‌نماید ولی در این حالت عمـلاً به طرف مقابل ضرر و زیـان وارد نمی‌نماید ولی بر عکس درماده ۴۸ شـرایط عمومی پیمان داخلی به شرح توضیحات این مقالـه، یکـی از طرفین (کارفرما) بـه رأی و مصلحت خود اقدام به قطع خدمات طرف مقابل، (فسـخ قرارداد Termination اختیـاری) می‌نماید که این امر بدون شـک در هر شـرایطی به ضرر طرف مقابل یعنی پیمانکار بوده و البته کارفرما مکلف است که ضرر و زیانهای ناشـی از فسـخ پیمان، از جمله عدم‌النفع کار باقیمانده، را پرداخت نماید.

۵. بحـث ضبـط ضمانت‌نامه‌هـای پیمانکار توسـط کارفرما، از چالش‌های اصلی در این ارتباط می‌باشـد. موضوع تغییر در متن ضمانت نامه‌های جاری و اعمال یک سیسـتم کنترلی در آن، به منظور احتراز از ضبط ضمانت‌نامه‌ها دفعتاً واحد توسـط کارفرما، قبل از حضور یک هیئت مستقل، در سال‌های گذشته در دستور کار دولـت قرار داشـت که متاسـفانه اجماع در این امر توسـط ذیربطـان (وزات اقتصاد، وزارت دارایی، بانک مرکزی، دسـتگاه های اجرایی و ...) حاصل نشـد. لذا پیشـنهاد این است که فرم ضمانت‌نامه‌هـای جاری اصلاح و به نحـوی تغییر یابد **که ضبط ضمانت‌نامه‌ها توسط کارفرما، النهایه با حضور یک سیستم نظارتی صورت گیرد.** البته بر این اسـاس بایسـتی در شرایط عمومی پیش رو و در موارد مترتبه به موضوع (منجمله ماده ۵۳) ترتیبات ضبط ضمانت‌نامه‌ها **توسط کارفرما، پس از تایید یک سیستم نظارتی و کنترلی فوق‌الذکر نوشته شود.**

1. DAB=Dispute Adjudication Board.
2 .European International Contractors.(www.eicontractors.de)
3.EIC Contractor's Guide to the FIDIC Conditions of Contract for Construction.
4. Employer's Entitlement to Termination, Employer's Convenience.
5. Letter of Intend=LOI
6. DAB=Dispute Adjudication Board.

مصاحبه‌ای صمیمانه با مهندس مقیمی آذری در فضایی پر از صداقت

جناب آقای مهندس علی‌اکبر مقیمی آذری با تشکر از فرصتی که فراهم کردید تا امکان این مصاحبه، اجرایی شود؛ از جنابعالی با توجه به مشغله‌های فراوانی که دارید بی‌نهایت سپاسگزارم. اگر اجازه می‌فرمائید سئوالها را طرح کنیم و جوابهای یک متخصص عرصه ساخت و ساز و آبادگری را بشنویم که از کرانه‌های جنوبی خلیج فارس تا شمالی‌ترین منطقه کشورمان از شرق تا غرب آن آثار سازندگی و برازندگی قابل تحسینی برجای گذاشته است و آن را جهت ثبت در تاریخ سازندگی کشور مستند نمائیم.

من هم از علاقه‌مندی شما به مستندسازی آثار پیمانکاران پروژه‌ها و طرح‌های عمرانی که جوانی خویش را در گرمای ۴۸ درجه و شرجی ۹۸درصد و در سرمای زیر ۳۰درجه مصروف عمران و آبادانی کشور کرده‌اند قدردانی می‌کنیم؛ با این امید که بخش خصوصی و نهادهای دولتی و مردمی دست در دست هم دهیم و با رصدکردن منافع ملی کشور (به تعبیر روشهای جدید مدیریتی «کار درست را درست انجام دهیم» "Do Right Things Right") همه توانمندی‌های خود را برای بلندآوازه ساختن نام ایران به کار بریم؛ با این مقدمه که عرض شد آماده‌ام که به سئوال‌های شما پاسخ دهم؛ بفرمائید.

آقای مهندس مقیمی آذری لطفاً شرح مختصری از تاریخچه سوابق علمی و کاری خود و فعالیتهایی که در شرکت ژیان انجام داده‌اید، ارائه فرمائید.

من در خرداد ۱۳۳۷ با درجه فوق‌لیسانس در رشته راه و ساختمان از دانشکده فنی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شده‌ام و از همان سال وارد بازار کار در بخش خصوصی شدم و در چندین شرکت تا سال ۱۳۴۹ کار کردم و از همان موقع فعالیت خود را در شرکت ژیان با سمت مدیرعامل شروع کرده‌ام از اول انقلاب اسلامی در ۵ دوره در هیأت مدیره انجمن شرکتهای ساختمانی به خدمت مشغول بودم و اکثراً از طرف انجمن در کمیسیون‌های مختلف خصوصاً در حل و فصل مسائل و مشکلات پیمانکاران با همدیگر با شرکاء و یا با کارفرمایان و مشاوران مأموریت داشتم که در غالب موارد داوری می‌کردم. حتی در زمان دولت موقت و شهید کلانتری نماینده منتخب انجمن برای حل مشکلات پیمانکاران معرفی شده بودم و در حل مشکلات موفق بودم.

در سال ۱۳۸۷ جزء چهره ماندگار صنعت آب کشور از طرف وزارت نیرو، در سال ۱۳۸۸ به عنوان پیشکسوت و طلایه‌دار بتن از طرف انجمن بتن ایران انتخاب شدم. تکنولوژی سد بتن غلطکی را اولین بار در محروم‌ترین منطقه ایران اسلامی (بشاگرد)، شمال شرق استان هرمزگان اجرا نموده‌ام. در سال ۱۳۸۷ دو پروژه این شرکت جزء بتن‌های برتر شناخته شده برای اولین بار تکنولوژی سد سلولی را روی رودخانه بهمنشیر پیاده و به اجرا درآوردیم و کلاسهای آموزشی متعددی راجع به این تکنولوژی جدید به هزینه شرکت ژیان با دعوت از کارشناسان خارجی انجام گردید و این تکنولوژی‌های جدید را به جامعه مهندسی معرفی کردیم.

در کجای این جهان، پیمانکاری را علی‌رغم بهره‌گیری از تمامی سازوکارهای تأمین اجتماعی در پروژه‌ها و تنظیم قرارداد بیمه مسئولیت مدنی تمام خطر آن، در صورت بروز حادثه و اتفاق، برای مدیرعامل آن حکم جلب صادر می‌کنند این عرض بنده را با خط درشت بنویسید

اگر به طور خلاصه برای هر پروژه‌ای که من در این ۵۳ سال فعالیت مهندسی انجام داده‌ام نیم دقیقه توضیح دهم حدود یک ساعت وقت لازم است در ۷ رشته گواهی صلاحیت پیمانکاری از سازمان مدیریت دریافت نموده‌ام که در چهار رشته رتبه اول را دارم و علاوه بر آن در دو رشته هم گواهی صلاحیت طرح و اجرا از سازمان مدیریت وقت دریافت نموده‌ام. بهتر است به طور خلاصه به سئوالات شما جواب بدهم.

جناب آقای مهندس مقیمی مشکلات شرکتهای ساختمانی، در بعد درون سازمان چیست و چه راه‌حلهایی برای آن ارائه می‌دهید.

به طور کلی می‌توانم مسائل شرکتهای مهندسی پیمانکار پروژه‌ها و طرحهای عمرانی را در سه بخش و در سه سطح خرد، میانه و کلان خلاصه کنیم.

در سطح خرد:

۱. در این سطح، پائین بودن توان مالی شرکتهای مهندسی پیمانکار پروژه‌های عمرانی مشکل‌ساز است زیرا شرکتهای پیمانکار دانش‌محور هستند نه سرمایه‌محور و اگر روزی مقرر شود که این شرکتها در پروژه‌ها سرمایه‌گذاری کنند و به روش BOT و BOO و Buy Back از امتیازات بهره‌برداری پس از اتمام و تحویل آن برخوردار شوند. بسیاری از شرکتهای مهندسی پیمانکار توان این کار را ندارند.

۲. عدم بهره‌گیری از شیوه‌ها و روشهای مدیریتی نوین با

ویژگی‌های مدیریت در هزاره سوم که از شما نیز در این زمینه مقالات متعددی دیده‌ام و ضعف در استفاده از فناوری‌های نوین روزآمد در بعد ساختاری (structural dimension) و در بعد محتوایی contextual dimension از جمله مسائل و مشکلات شرکتهای پیمانکار ساختمانی است.

۳. پائین بودن مهارت منابع انسانی شاغل در برخی از شرکتهای عضو نسبت به منابع انسانی شرکتهای مشابه خارجی حتی ترکیه ضعف دیگر درون‌سازمانی شرکتهای ساختمانی می‌باشد.

۴. پائین بودن سطح بهره‌وری کار منابع انسانی ایران در پاره‌ای از شرکتهای عضو که هنوز مفهوم «کار فضیلت است» در باور آنها نهادی نشده است. مثل باور منابع انسانی ژاپن که می‌گویند «بیگاری بهتر از بیکاری است» باید در این زمینه فرهنگ‌سازی شود.

اما در سطح میانه به نظر من شرکتهای ساختمانی شاید مشکلات زیر را داشته باشند:

۱. گاهی رقابتهای تخریبی میان شرکتهای عضو نه تنها آنها را تضعیف می‌کند بلکه به تضعیف انجمن در تعامل با سازمانهای ذیربط می‌انجامد.

۲. ضعف در همکاری و مشارکت در ایجاد کنسرسیوم‌ها و همکاری به روش‌های Joint Venture و Merging از دیگر مسائل و مشکلاتی است که نیاز به اقدام‌های اساسی و فرهنگی دارد تا کار گروهی و مشارکتی نهادینه شود.

۳. کم توجهی به پاره‌ای از تصمیم‌گیری‌های جمعی و اقدامهای انفرادی که مغایر منافع گروهی صنف و به تبع آن منافع ملی است و تضعیف‌کننده وفاق گروهی است.

۴. گرایش گریز از مرکز در پاره‌ای از شرکتهای عضو که تا حدودی با بند ۳ مطلبی که ارائه کردم در هم تلفیق و ترکیب می‌شود.

۵. حضور سه جریان عمده شرکتهای سنتی، مدرن و پست مدرن در کنار هم که عملکرد آنها در مواردی هماهنگی و پیوند ارگانیکی با یکدیگر ندارد و هم‌راستایی نیروها را کاهش می‌دهد.

۶. عدم مستندسازی (documentation) کافی و تهیه بانک اطلاعاتی لازم در پیوند با یکدیگر به صورت Intranet و Extranet

۷. حضور دو جریان عمده اندیشگی و تأثیر و تأثر متقابل آنها در یکدیگر که گاهی تصمیم‌گیری‌های بهنگام و متناسب با شرایط را تا حدودی با دشواری و تأخیر مواجه می‌کند.

۸. عدم تلاش کافی برای جذب و جلب سایر تشکلهای مهندسی و پیمانکاری به منظور افزایش توان رقابت و امکان چانه‌زنی‌های متناسب با پارادایم‌های جهانی، منطقه‌ای و ملی

مشکل شرکتهای پیمانکار پروژه‌های عمرانی در سطح کلان

۱. عدم تلاش کافی برای سازمان دهی علمی و عملی برای واحد تحقیق و توسعه انجمن که برون داد بتواند برای بسیاری

از مسائل و مشکلات فراروی صنف راهکارهای راهبردی و اجرایی ارائه دهد.

۲. عدم تلاش کافی برای تشکیل نهادهای حمایتی و پشتیبانی اثربخش و مؤثر در امور صنف

۳. عدم تلاش کافی برای شناخت راه‌های تأمین جلب مشارکت شرکتهای خارجی سرمایه‌گذار و همکار در اجرای طرح‌های داخلی و پروژه‌های ملی و بین‌المللی

براساس ضرب‌المثل معروف ایرانی «عیبش همه گفتی هنرش نیز بگوی» باید بگویم که شرکتهای پیمانکار پروژه‌های عمرانی کارهای کم‌نظیری و در مواردی بی‌نظیری را از طریق ابتکار و اختراع انجام داده‌اند که چون بحث طرح مسائل و مشکلات است به آنها نمی‌پردازیم.

ضمن اینکه انجمن شرکتهای ساختمانی در سه سطح خرد و میانه و کلان کارهای بسیار پراهمیت و اثربخشی انجام داده است که همه شرکتهای عضو قدردان و سپاسگزار تلاشها و کوششهای آنها هستند. ولی لازم است به طور مستمر این قبیل فعالیتها ارتقاء یابد.

ما آنالیزهای تهیه‌کنندگان فهرست بهاء را کاملاً قبول داریم؛ بیایند با همدیگر یک گروه تخصصی از دو طرف در همان آنالیزبهای ماشین‌آلات را بگذاریم و آن را به عنوان فهرست بهاء معرفی کنیم

● از انجمن شرکتهای ساختمانی که در سابق و در دوره‌های مختلف عضو هیأت‌مدیره آن بوده‌اید، برای برون‌رفت از سه سطح مشکلات مطرح شده چه انتظاراتی دارید؟

در این زمینه موارد زیر به ذهنم می‌رسد که مطرح می‌کنم و

امیـدوارم دیگران آنچه را که من عنوان می‌کنم، نقد و بررسـی نمایند، من مشکلات انجمن را در ۷ بعد فرهنگی، ارتباط خارجی، ارتباط داخلی، اطلاع‌رسانی، قانونی، مالی و مدیریتی طبقه‌بندی می‌کنم و برای جلوگیری از اطاله کلام فقط به طـور اجمالی به آن اشـاره می‌کنـم بعدها اگـر لازم باشـد هر یـک از مـوارد هفتگانه را می‌توانیم در نشسـتی دیگر باز کنیم و تشریح نمائیم.

در بعد فرهنگی

نارسـایی در فرهنگ‌سـازی برای اصلاح نگرش جامعه دربرداشـت صحیـح و اصولـی از مفهـوم شرکتهای پیمانکاری ساختمانی؛

در بعد ارتباطات خارجی

ناکافـی بـودن ارتباطـات مؤثر با نهادهـای ذیربط خارجـی اعم از (بـرون سـازمانی ملـی) و برون سازمانی بین‌المللی و خارجی (در سطح منطقه‌ای و جهانی)

در بعد ارتباطات داخلی

۱. ناکافی بودن تعامل میان شرکتهای عضو با انجمن
۲. ناکافـی بودن بخش مشـاوره‌ای و کارشناسـی انجمن برای تأمین نیازهای مشاوره‌ای و کارشناسی آنها
۳. ناکافی بودن تلاشـهای انجام گرفته برای پیاده‌سـازی طرح استراتژیک انجمن

در بعد اطلاع‌رسانی

۱. ناکافی بودن اطلاع‌رسانی از اهمیت و نقش و جایگاه شایسته انجمن و شـرکتهای پیمانکاری پروژه‌های عمرانی عضو آن که تا حدودی با مشکل ارتباطات خارجی هم‌پوشی دارد.
۲. ناکافی بودن اطلاع‌رسـانی از توانمندی‌ها و ظرفیتهای کاری شرکتهای عضو انجمن؛

در بعد قانونی

۱. ناکافی بودن تلاشـهای انجام شده برای حل مشکلات قانونی و اداری تأسیس و تشکیل شـرکتهای سهامی عام ساختمانی و پیمانکاران عمومی (GC)
۲. ناکافـی بودن تلاش برای رفع نارسـایی‌های قوانین مالیاتی، تأمین اجتماعی، کار و بانکی در رابطه با شرکتهای پیمانکاری

در بعد مالی

۱. ناکافی بودن تلاش برای صدور گواهی اعتبار اسنادی (LC ریالی) برای شرکتهای عضو
۲. ناکافی بودن تلاش برای تحقق پوشـش مالی شـرکتهای عضو از طریق فعالیتهای شـرکت تضمین شرکتهای ساختمانی و رفع موانع قانونی پوشش‌های تأمینی آن؛

در بعد مدیریتی و ساختاری

۱. ناکافی بودن تلاش برای ارتقاء سـطح دانـش نویـن مدیریتی و فناوری‌های جدید در امور سازمان انجمن و شرکتهای عضو؛
۲. ناکافـی بودن تلاش برای ایجاد رقابت سـالم در مناقصه‌ها با حفظ اخـلاق حرفه‌ای میان شـرکتهای عضو؛
۳. ناکافی بودن تـلاش برای قرار گرفتن نام شـرکتهای ساختمانی در رتبه‌بندی شرکتها در مقیاس جهانی

به نظر می‌رسد احتمالاً اراده‌ای به دنبال تعیین جانشین برای بخش پیمانکاران سـاختمانی خصوصی است و روند آن می‌تواند به حذف این بخش بیانجامـد. آیا می‌دانید کـه صنف سـازندگان بیشـترین نیروی مملکتی را جذب می‌نماید؟ آیا می‌دانید که از این گروه مظلوم در هنگام افتتاح یک پروژه نه تنها نامی برده نمی‌شود بلکه گاهی در جشن و مراسم افتتاح، مدیران آن را در مراسم شرکت نمی‌دهند؟!

آقای مهندس مقیمی آذری با اشـرافی که بر مسائل و امـور پیمانکاری دارید، تشـریح درد نمودید لطفاً در این قسمت از مصاحبه، راههای برون‌رفت و پیشنهادهای خود را برای حل مسائلی که مطرح فرمودید ارائه دهید؟

به نظر اینجانب فعالیتهای زیر می‌تواند برای برون‌رفت از مسائل مطروحه مفید باشد.
۱. تعامل هرچه بیشـتر برای اصلاح ردیفهـا و قیمتهای آنها در فهرست‌بها؛
۲. ایجاد امکان گزینه دیگری (غیر از قیمت پایه) برای شـرکت در مناقصه‌ها که در تعامل با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی قابل

تحقق است.
۳. ایجـاد زمینه‌های لازم بـرای ارائه کامل و دقیق نقشـه‌ها و طرحهای مرتبط در مناقصه‌ها؛
۴. تعیین زمان پیش‌بینی شده برای اتمام پروژه‌ها؛
۵. بـا توجه بـه ماهیت تولیـدی و صنعتی فعالیت شـرکتهای سـاختمانی طبقه‌بندی آنها در بخش صنعت به جای خدمات و بهره‌مندی آنها از تسـهیلات بخـش صنعتی در قوانین جاری از جمله تسهیلات حامل‌های انرژی و...؛
۶. حمایت‌های واقعی از فعالیتهای برون‌مرزی شـرکتهای عضو توسط نهادهای ملی مستقر در سایر کشورها؛
ایجـاد زمینه‌های لازم بـرای درک و پذیرش نقش شـرکتهای پیمانکاری توسط بخش مدیران میانی و پایهٔ نهادهای کارفرمایی و کمک به افزایش ظرفیتهای اعتمادسازی در آنها به این بخش.
۷. جهـت دادن تمامـی امور بـا رصدکردن منافع ملی کشـور درتعامـل با نهادهایـی ذیربط اعم از بخش کارفرمایی بخش مشـاور و سایر زنجیره‌های تأمین شرکت‌های پیمانکاری ساختمانی؛

آقـای مهنـدس مقیمـی در پایان مصاحبه اگر صحبت‌هایی دارید کـه لازم می‌دانید مطرح شـود مـا آمـاده شـنیدن آن هستیم.

به عنوان یک پیشکسوت با بیش از نیم قرن سـابقه اجرایی از متولیات امـور، جـواب ایـن سـئوال‌ها را می‌خواهم بدانم (البته نظر شخصی خودم را مطـرح می‌کنم)؛ یک روز می‌فرمایید آنچه بابت حمل مصالح در فهرست مقادیر پیش‌بینی شـده همان ملاک اسـت و فردایش می‌گویید کـه طبقه‌بندی عملیات همان اسـت که در فهرست مقادیر دیده شده! روز دیگر می‌فرمایید ما ضرایب بالاسـری و منطقه‌ای را حذف کردیم! آیا می‌دانید مطابق بخشـنامه‌های سـازمان برنامه و بودجه سـابق وقتی ضریب منطقه بشـاگرد (شـمال شـرق جاسـک اسـتان هرمزگان ۶۵ درصد اسـت و سـد جگین درآنجا سـاخته شده؛ چطور می‌شـود ایـن اختلاف ۶۵ درصد منطقـه‌ای و ۳۰درصد بالاسـری را در ضریب پیمان ملحوظ نماییم) اخیراً عنوان شده بود دوران تضمین پروژه‌ها را از ۲ سال به ۵ سال یا حتی به ۱۰ سـال افزایش داده‌اند! ایـن تصمیم‌گیری‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که به سرعت از فردای روزی که اتخاذ تصمیم شد یکباره قیمت سـوخت به ۲۱ برابـر افزایش یافت با این توضیـح که میانگین مصرف گازوئیل در پروژه سدسـازی حدود یک میلیون لیتر در ماه اسـت؟ ایـن مابه‌التفاوت ۲۱ برابری هزینه سـوخت چگونه تأمین خواهد شد؟! حتماً روزهای دیگر خواهیم شنید که تعدیل حذف شده است. یعنی به نظر می‌رسد احتمالاً اراده‌ای به دنبال تعیین جانشـین بـرای بخش پیمانکاران سـاختمانی خصوصی اسـت و رونـد آن می‌تواند به حـذف این بخـش بیانجامد. آیا می‌دانید که صنف سازندگان بیشترین نیروی مملکتی را جذب می‌نماید؟ آیا می‌دانید کـه از این گروه مظلوم در هنگام افتتاح

یک پروژه نه تنها نامی برده نمی‌شـود بلکه گاهی در جشـن و مراسم افتتاح، مدیران آن را در مراسم شرکت نمی‌دهند؟! بیمه و مالیـات متعلقه را همزمان با دریافت صورت وضعیت پرداخت می‌کنیم. آیا می‌دانید ساختمان اجلاس سـران در تهران توسط همیـن بخش خصوصی در مدت یک سال ساخته شده است ولی پـاره‌ای از پروژه‌هـای دیگر ۱۰ سـال طول می‌کشد؟! چرا؟ بهتر است دست‌اندرکاران این سئوال را جواب دهند.

مدیران امروز با سـازمان‌هایی سر و کار دارنـد که هیچ شـباهتی به سازمان‌های گذشته ندارند. جوامع و سازمانها در صورتی قادر به دوام هستند که عمیقاً تغییر کنند. اگر گمان می‌کنیم می‌توانیم در ده سال آینده شـرکت خود را طوری اداره کنیم که در ده سـال گذشته اداره کرده‌ایم سخت در اشتباه هستیم

وقتـی آقـای مهنـدس مقیمی آذری بـه مطالـب بـالا اشـاره می‌کرد، رد خطوط غمی سنگین را در چهره‌اش می‌شـد مشاهده کرد. او بـا صداقت از منافع ملی کشـور و حرفه‌مندان پیمانکاران پروژه‌های عمرانی دفاع می‌کرد و آنها را طلایه‌داران تمدن‌سازی و توسعه‌آفرینی قلمداد می‌نمود و جفا بر آنها را نافی سیاستها و برنامه‌های توسعه‌بخش می‌دانست به طوری که در این لحظه آهی می‌کشد و به تابلوهای پروژه‌هایی که بر دیوارهای اتاقش نصب شـده نگاهی می‌افکند شاید ردپای عمر و سرمایه جوانی را که در این راه گذاشته است در لابه لای آنها جسـتجو می‌کند بار دیگر به سخن آمده و می‌گوید: چرا ما را اینقـدر خون به دل می‌کنید. باور کنید «ناآمدگان اگر بدانند که ما از دهر چه می‌کشـیم، نایند دگر»، در کجای این جهان، پیمانکاری را علی‌رغم بهره‌گیری از تمامی سـازوکارهای تأمین

اجتماعی در پروژه‌ها و تنظیم قرارداد بیمه مسئولیت مدنی تمام خطر آن، در صورت بروز حادثه و اتفاق، برای مدیرعامل آن حکم جلب صادر می‌کنند این عرض بنده را با خط درشت بنویسید ما آنالیزهای تهیه‌کنندگان فهرست بهاء را کاملاً قبول داریم؛ بیایند با همدیگر یک گروه تخصصی از دو طرف در همان آنالیزبهای ماشین‌آلات را بگذاریم و آن را به عنوان فهرست بهاء معرفی کنیم و نگذاریم این صنف در یک نسل از بین برود بیایید نگرشهای گذشته را تغییر دهیم و مملکت را آباد کنیم.

آقای مهندس مقیمی آذری لطفاً کمی شفاف‌تر صحبت کنید و آخرین توصیه و تجربه های خود را بفرمایید؛ تا عیناً در نشریه درج شود.

مهندس مقیمی آذری بر شرایط سازمانهای هوشمند و یادگیرنده اشاره می‌کند و می‌گوید: دوران پرخطری پیش روی غولهای دنیای کسب کار قرار دارد برای برون‌رفت از شرایط دگرگونی‌های پرشتاب، باید مدیران سازمان‌ها در راه و روش خود بازنگری نمایند. زندگی در فرهنگ الکترونیکی و اینترنتی یعنی زندگی در تغییر، تغییر به عنوان شرط بقا... باید تا حد تغییر ژنتیک سازمان مورد توجه قرار گیرد. مدیران امروز با سازمان‌هایی سر و کار دارند که هیچ شباهتی به سازمان‌های گذشته ندارند. جوامع و سازمانها در صورتی قادر به دوام هستند که عمیقاً تغییر کنند. اگر گمان می‌کنیم می‌توانیم در ده سال آینده شرکت خود را طوری اداره کنیم که در ده سال گذشته اداره کرده‌ایم سخت در اشتباه هستیم. برای توفیق در دهه آینده باید وضع موجود را به وضع مطلوب و موعود با درک از پارادایم‌های دوران تبدیل نمائیم.

ما باید شرکتمان جهانی شود والا بازی را به شرکتهای جهانی می‌بازیم و باید دست از کسب و کار بکشیم؛ به افتخارات گذشته دل نبندیم و قبول کنیم که قانون تخلف‌ناپذیر و بی‌رحم زندگی این است که ما باید تغییر کنیم وگرنه مجبور خواهیم شد بهای گزافی بابت عدم تغییر خود بپردازیم و در این دگرگونی و تغییر نهادهای دولتی و ملی نیز باید کمک کنند زیرا همه ما سرنشینان یک کشتی هستیم و خللی در آن برای همه خطرآفرین خواهد بود؛ همه موظفیم درچارچوب منافع ملی عمل کنیم.

در این هنگام آقای مهندس آذری بار دیگر سکوت معناداری کردند و من از این همه مشکلات و مسائلی که بر دوش مدیران ارشد سازندگی و آبادانی کشور و آفرینندگان زیرساختهای توسعه، سنگینی می‌کند احساس همدردی کردم و گفتم آقای مهندس مقیمی آذری من به نوبه خود از این همه صبر و شکیبایی برای فعالیتهای عمرانی و آبادانی کشور به عنوان یک شهروند از شما تشکر می‌کنم.

بی‌شک پذیرش این همه مصائب را در فعالیتهای بخش پیمانکاری نمی‌توان با معیارهای مالی و مادی سنجید و به نظر می‌رسد فقط عشق است که می‌تواند ماندگاری شرکتهای پیمانکاری پروژه‌های عمرانی را در این شرایط و با این دشواریهای فعالیت، توجیه کند. زیرا این همه تلاش و کوشش اگر در زمینه‌های دیگری (توسط متخصصان دارای دانش فنی بالا و تجربه گرانسنگ شرکتهای ساختمانی) انجام می‌گرفت حتی نتایج و برون‌داد مالی و مادی آن برای آنها به مراتب بیشتر بود.

ما باید شرکتمان جهانی شود والا بازی را به شرکتهای جهانی می‌بازیم و باید دست از کسب و کار بکشیم یکباره قیمت سوخت به ۲۱ برابر افزایش یافت با این توضیح که میانگین مصرف گازوئیل در پروژه سدسازی حدود یک میلیون لیتر در ماه است؟ این مابه‌التفاوت ۲۱ برابری هزینه سوخت چگونه تأمین خواهد شد؟!

آقای مهندس مقیمی آذری سکوت معناداری می‌کند و من دیگر چیزی نمی‌گویم و با خداحافظی کوتاه و بریده او را برای خلوت در چشم‌اندازهای اندیشه‌اش تنها می‌گذارم.

در راه با خود می‌گویم یکی از ویژگی‌های ما ایرانیان شاید این باشد که سرمایه‌های ملی خود را در دوران زندگی آنها قدر نمی‌دانیم و در صدر نمی‌نشانیم تا انگیزه‌های لازم در جوانان برای ورود به این حرفه سخت و دشوار فراهم گردد!!!

در جلسه هیات مدیره سندیکای شرکتهای ساختمانی مطرح شد:

لزوم واگذاری رتبه بندی به انجمن‌ها و سندیکا

روز شنبه ۹ مهر ماه جلسه هیأت‌مدیره انجمن شرکتهای ساختمانی میزبان مهندس مصطفوی، آقای مهندس مرادی و دکتر قانع‌فر از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بودند تا درباره تعدیلها به بحث و تبادل نظر بپردازند. در این جلسه پیمانکاران به موانع و مشکلات موجود اشاره کردند و به مسائلی که راه حل آنها از درون سازمان مدیریت می‌گذشت پرداختند که مهمانان جلسه ضمن پاسخ دادن به سوالات مطرح شده، درباره واگذاری بخشی از کار رتبه‌بندی به خود انجمنها پیشنهاداتی ارائه دادند.

مهندس ملکیانی فرد رئیس هیات مدیره انجمن شرکتهای ساختمانی در ابتدای جلسه عنوان کردند: از زمانی که ما متوجه شدیم بحث نظام پیمانکاری در مجلس مطرح شده با محتوای آن و با نظام پیمانکاری مخالف بودیم چرا که معتقدیم بحث نظام پیمانکاری می‌تواند کاملا به بیراهه برود. ما عمری با سازمان مدیریت کار کردیم و دنبال متولی دیگری نیستیم و ترجیح می‌دهیم در چهارچوب نظام فنی و اجرایی امور را به پیش ببریم. به هر حال انجمن‌ها در پی یک جایگاه قانونی هستند چرا که در حال حاضر با حضور رقیبانی شبه دولتی مسائل زیادی برای ما پیش می آید، ما هم به دلیل نداشتن جایگاه قانونی شکایت خود را متوجه سازمان مدیریت می‌کنیم. هر چند سازمان مدیریت هم تا حدی در این باره همکاری می‌کند اما نیت واقعی این است که از جایگاهی قوی برخوردار باشیم تا با این مسائل رودررو مواجه شویم.

نیت اصلی حفظ سازندگی مملکت در قالب منافع ملی و در قالب سیاست خصوصی‌سازی است. تفاوت اساسی بین ما و بخش شبه دولتی وجود دارد، بخش خصوصی بخشی است که تاوان ریسک‌اش را خودش می‌پردازد. و همین مسئولیت در قبال تاوان ریسک باعث می‌شود دائم به فکر کار خود باشد و برای پاسخگویی به ریسک خود تلاش کند. لذا در صحنه رقابت هم به درستی وارد می‌شود. بخش شبه دولتی نه تضمین و نه مالیات درستی می‌دهند، و نه تابع قانون کار هستند. نتیجه رقابت این بخش با ما در عرصه‌های مختلف این می‌شودکه یا همیشه آنها برنده هستند یا بخش خصوصی به خاطر این که جلوی اضمحلال خود را بگیرد قیمت را آنقدر پایین می‌آورد که برای همه جای تعجب دارد. با این همه مواردی وجود دارد که هر چقدر بخش خصوصی قیمت را پایین می کشد و نفر اول می شود باز هم کار به نفر دوم داده واگذار می‌گردد. یکی از این نمونه‌ها درباره شرکت پورنام است که با این که اول شده بود کار را به نفر دوم دادند، یعنی اگر اراده این باشد که بخش دولتی کار را بگیرد کار به آنها واگذار می‌شود. لذا بخش خصوصی در فشار کامل است. این بخش ۷۰ سال سابقه پیمانکاری در این مملکت دارد. لذا تجربه زیادی در حیطه پیمانکاری بخش خصوصی نهفته است که متاسفانه همه این تجربیات دارد از بین می‌رود و شرکتهای زیادی در حال اضمحلال هستند.

تفاوت اساسی بین ما و بخش شبه دولتی وجود دارد، بخش خصوصی بخشی است که تاوان ریسکش را خودش می‌پردازد. و همین مسئولیت در قبال تاوان ریسک باعث می‌شود دائم به فکر کار خود باشد و برای پاسخگویی به ریسک خود تلاش کند.

وضعیتی که امروزه در درجه‌بندی‌ها حاکم است این است که شرکت با هر قدمت و موقعیتی که دار د و علی‌رغم این که در مناقصات شرکت کرده باشد اگر ۳ سال برنده نشده باشد نمی‌تواند درجه خود را کسب کند. در حالی که ممکن است در این سه سال در ۵۰ مناقصه دیگر هم شرکت کرده باشد، برنده هم شده باشد ولی موفق به امضای قرارداد نشده باشد.

برای امتیاز دادن به شرکتها پنج مشخصه وجود دارد از جمله امتیاز مدیران، لیست بیمه، سوابق کاری مدیران و... بحث این است که اگر پیمانکاری سه یا چهار مورد از این امتیاز را می‌آورد بتواند از این امتیازها در جایی که امتیاز نمی‌آورد استفاده کند. مثلا اگر لیست بیمه ایراد داشت و نتوانست عدد را برساند در عوض با امتیاز مدیران

نگاهی که ما داریم فراهم کردن فضایی است تا چرخه اقتصاد بهتر بچرخد. ما زمینه را بازتر می‌کنیم تا پیمانکاران تجربه و توان خود را نشان دهند چرا که معتقدیم پیمانکاران سرمایه مملکت هستند و باید حفظ و حراست شوند.

بتواند این امر را جبران کند. در هر حال هسته مرکزی یک شرکت هیأت‌مدیره آن است. هیأت‌مدیره باید بتواند نقائص خود را در سایر موارد با امتیاز خودش برطرف کند چون هیات مدیره دیگر نمی‌تواند صوری باشد. هیأت‌مدیره شرکت‌ها معمولاً صددرصد واقعی است چون مسائل حقوقی دیگر دارد.

اگر شما سوابق کاری ۱۵ سال گذشته را در نظر می‌گیرید باید لیست بیمه ۱۵ سال گذشته را هم بخواهید، زمانی شما می‌توانید محور را ۳ سال اخیر بگذارید که کار به اندازه کافی برای شرکتهایی که درجه‌بندی کردید وجود داشته باشد. آمار می‌گوید کار به اندازه کافی وجود ندارد. نتیجه این می‌شود که شرکتهای دولتی درجه‌بندی خود را با ضوابط بسیار آسان می‌گیرند و شرکتهای بخش خصوصی سرخورده می‌شوند و می‌روند. ما شرکتهایی مثل شرکت بانه داریم که ۵۲ سال پیمانکاری کرد و همیشه رتبه یک بود ولی الان که می‌گویند سه سال مبنا است و این شرکت در این سه سال نتوانسته لیست بیمه را پاسخگو باشد نمی‌تواند رتبه قبلی را کسب کند.

یک سری شرکتها هستند که اگر درجه آنها تقلیل یابد ممکن است به طور کل بگذارد و برود. اگر هدف این نیست که بخش خصوصی تسویه شوند باید از رفتن آنها جلوگیری کرد، چون با وجود این همه تجربه کناره‌گیری بخش خصوصی خسران ملی است. در آخرین جلسه‌ای که خدمت آقای رحمتی بودیم به ما فرمودند که بروید با سایر انجمن‌هایی که این مشکل را دارند هماهنگ کنید ما هم جلسه گذاشتیم و تا ۱۶ مهر وقت تعیین کردیم که اعضا نقطه نظرات خود را بدهند و جمع‌بندی آن را به طور مستقیم یا از طریق شورای تعامل خدمت حضرتعالی و آقای رحمتی بدهیم. البته توجه داشته باشید این شورا فقط یک شورای کمکی است و جانشین انجمنها نیست.

مهندس خوانساری در مورد شاخص‌های تعدیل عنوان کردند: در جلسه چهارشنبه که خدمت شما بودیم شاخص‌هایی که همکاران دفتر فنی ما تهیه کرده بودند خدمتتان ارائه دادیم. انجمن تاسیساتی‌ها و برق و مکانیک هم چنین چیزی تهیه دیده بودند، جنابعالی فرمودید تهیه و تصویب آنها حداقل تا آخر آذر به طول می‌کشد. با توجه به این که بعضی ردیفهای قیمت‌های فهرست بها در این چند ماهه اخیر تغییرات بسیار بزرگی داشته، این ردیفهای فهرست بها با تغییر قیمتی که داشته خیلی مشکل‌آفرین خواهد بود. چنین تأخیری باعث می‌شود که ما نتوانیم تا آخر آذر امیدوار باشیم این مسئله به نتیجه برسد ضمن این که تامین اعتبار آن به سال جاری نخواهد کشید و همکاران ما صدمه زیادی می‌بینند. می‌خواهیم راهکاری لازم برای تسریع یا دادن برخی شاخصهای موقت برای برخی ردیفهای فهرست بها که جوابگو باشد صورت بگیرد. از شما تقاضا می‌کنم که راهکاری را در این مورد پیدا کنید که نتیجه‌بخش باشد.

بعد از سخنان مهندس خوانساری مهندس آزاد عنوان کردند: ما بعدالتفاوت قیمت قیر مشکلات عدیده‌ای را به وجود می‌آورد. در بخش‌نامه نوشته شده است که قیمت بورس یا قیمتهایی که از طرف سازمان اعلام می‌شود مبنا قرار گیرد هر چند قیمتهایی هم که از طرف سازمان اعلام می‌شود همان قیمتهای بورس هست. پیمانکاران به ناچار قیر را تهیه می‌کنند ولی بعد منتظر بخشنامه می‌شوند که ببینند قیمت قیر اعلام شده توسط شما با قیمت بورس چه تفاوتی دارد و کدام کمتر است که معمولا همه بستگی به قیمت روز بورس دارد. ما در نامه‌ای هم استدعا کرده بودیم که قیمت بورس ملاک باشد و منتظر صدور قیمت سازمان برنامه نباشیم. این کار میتواند برای پیمانکاران راهگشا باشد که بلافاصله بعد از خریدن قیر که امروزه همه آن را با ضمانت‌نامه و بهره بانکی اضافه می‌خرند بتوانند با مبنای همانها مابعدالتفاوت خود را دریافت کنند.

مهندس نوروزی مسئول رسته آب انجمن با عرض خیرمقدم ذکر کردند: بنده می‌خواهم مشکلی که پیمانکاران بخش آب و سدسازی کشور دارند مطرح کنم. این مطلب را احتمالاً چند روز قبل از قول آقای کاتوزیان شنیدید که درباره ورشکستگی شرکتهایی که در حوزه وزارت نیرو طرف قرارداد هستند اعلام خطر کردند. قطعا شما که به عنوان متولی بخش پیمانکاری هستید از مصداق چیزی که دکتر کاتوزیان گفتند مطلع هستید. وزارت نیرو الان بیش از ۱۴ هزار میلیارد تومان بدهکار است. حدود ۳۰ درصد این مطالبات متعلق به بخش خصوصی است. بخشی که ایشان با اشاره به وضعیت ناگوار موجود صحبت از ورشکستگی آن می‌کردند. فقط بهره این پول را حساب کنید. این بهره از کجا پرداخت می‌شود؟ پرداخت این بهره فقط از طرف پیمانکارها نیست و کارگری که چند ماه حقوق‌اش را نگرفته در پرداخت آن سهیم است. واقعا این یک فاجعه هست که تعهد و تعهدپذیری به چنین وضعیتی افتاده و عدم انجام تعهد قبح خود را از دست داده است. آنچه ایشان گفتند شاید ده‌درصد تبعات فاجعه‌ای باشد که دارد اتفاق می‌افتد. بسیاری از پروژه‌های سدسازی ما که نزدیک به اتمام هستند متاسفانه با وجود صرف سرمایه هنگفت هنوز به بهره‌برداری نرسیده‌اند و برخی در مخاطره هستند. پرو ژه ای هست که نزدیک ۲ هزار ملیارد تومان هزینه شده و الان در خطر است. ما به عنوان مهندسان کشور و به عنوان مصلحت ملی در هر جایی که هستیم باید به حل این مشکل کمک کنیم.

مهندس شریعت در ادامه عنوان کردند: درد اساسی همه

پیمانکاران را آقای مهندس نوروزی فرمودند. چون ما با همه پیمانکاران سر و کار داریم می‌دانیم آنها هم همین مشکلات را دارند. در بحث رتبه‌بندی مشکل ورود اطلاعات به سایت وجود دارد یعنی اغلب از ما گله می‌کنند و می‌گویند شما که در انجمن هستید چگونه به سایت دسترسی دارید؟ چرا اطلاعات افرادی که سالها اعضای هیات مدیره بودند وارد نمی‌شود؟ اعضا از ابتدای ورود با این مشکل مواجه می‌شوند، وقتی دستگاه اطلاعات را نمی‌گیرد هیچ راه حلی برای آن نیست. چند نفر از مشاورین به من مراجعه کردند که نمی‌دانند به کجا باید اعلام کنند.

در مورد شاخص‌های تعدیل، تعدیل قراردادهای قیمت ثابت باعث دردسر شده است و باید سریع در این مورد تصمیم‌گیری شود. این مورد واقعا دارد به مردم فشار می‌آورد. چرا که بحث حذف یارانه‌های سوخت و انرژی موردی نبوده که از قبل قابل پیش‌بینی باشد. شرایط بعد از هدفمندی قابل پیش‌بینی است ولی قبل از آن را باید چاره‌ای اندیشید. مورد دیگر در مورد فهارس بهای جدید است که گاهی نظرات ما را هم می‌گیرند. الان در شرایط فهارس بها یک سری شرایط را اضافه می‌کنند یا شرایطی که تسهیلاتی بین کارفرما و پیمانکار ایجاد می‌کرده حذف می‌کنند که شاید در آینده باعث شود در پروژه ها با معظاتی برخوردکنیم. خواهشمندم نمایندگانی از طرف سندیکا در این مجامع باشد تا بگویند تغییرات چه مشکلاتی می‌تواند ایجاد کند. بررسی‌ها درباره شرایط عمومی پیمان از نکات مثبت است. در مورد انتخاب پیمانکاران از طریق مناقصه ما هنوز این موضوع را اصلاح نکرده‌ایم و عملا کم‌ترین قیمت ملاک می‌شود و خود به خود به همه مسائل پیمانکارای و عمرانی صدمه می‌زند. خواهشمندیم هر چه سریع‌تر درباره نحوه انتخاب هم تجدید نظر شود و بخشنامه مورد نظر اصلاح و ابلاغ گردد.

مهندس ملیکانی‌فرد عنوان کرد لازم به ذکر است ما اظهار نظر درباره حداقل قیمت متناسب را به کمیسیون قوانین دادیم که کار کارشناسی خوبی هم روی آن صورت گرفته است.

مهندس امیرزاده در ادامه عنوان کردند: شکی نیست که سازمان برنامه همیشه حامی گروه سازنده و توسعه‌گرا بوده است. مهندس مصطفوی از قبل برای آیین نامه صدور خدمات فنی و مهندسی زحمتهایی کشیدند تا آن زمان تقریبا فعالیت برون‌مرزی از لحاظ ضمانت‌نامه‌ها ناممکن بود. برخی‌ها می‌پرسیدند چرا پیمانکار می‌شوید؟ و ما نمی‌توانستیم بگوییم به امید آب آمده بودیم و سراب بود. پیمانکارها مدت کمی دوام می‌آوردند در حالی که در کشورهای توسعه‌گرا این روند ادامه دارد و شرکتها عمر طولانی‌تری دارند. در ایران طی یک نسل چراغ آن خاموش می‌شود و انگیزه‌ای برای توسعه وجود ندارند. در مورد پیمانکاری مسائل زیادی وجود دارد. مرحوم مهندس مولوی حرف درستی زد وقتی گفت من کار بزرگی کردم و قبل از مرگ شرکتام را تسویه کردم. این کاری است که ما مدتهاست در خم آن مانده‌ایم. راجع به صدور خدمات فنی مهندسی برای صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی مشکلات زیادی وجود دارد که عمده‌ترین آنها مربوط به شرکت در مناقصه و گرفتن ضمانتنامه است. در مورد جوایز صادراتی سازمان برنامه مدتهاست به این امر بی‌توجه است که البته باید در موقع رقابت به خیلی چیزها توجه شود.

مهندس احسان مسئول کارگروه تعدیل انجمن عنوان کردند: مسائلی درباره تعدیل سالهای قبل داریم که فشار زیادی را به گروهی از پیمانکاران وارد میکند مخصوصا که در ۳ ماهه سوم سال ۸۷ قراردادها و قیمتها را اعلام کردند با توجه به عدم اعلام شاخصهای سه ماهه دوم و بعد اعلام شاخص‌های سه ماهه دوم و سوم و چهارم و منفی شدن سه ماهه سوم و چهارم نسبت به سه ماهه دوم، پیمانکارها بسیار شدید متضرر هستند و همه در شرف ورشکست شدن می‌باشند. استدعا دارم در این موارد تجدید نظر کنید. شاید برای شما مشکل باشد در ضرایب تجدیدنظر کنید پس خواهشی که داریم این است که حداقل وقتی که ما از یک صورت وضعیت تعدیل منتفع نیستیم هزینه‌های بالاسری منفی نداشته باشیم، اصلا هزینه‌های بالاسری که منفی نمی‌شود. هزینه بالاسری عبارت از پرسنل، گارگاه، هزینه‌های ضمانت‌نامه یا بیمه یا مالیاتی که در این مورد پیش‌بینی شده یا هزینه‌های مستمر کارگاه یا دفتر مرکزی است لذا زمانی که تعدیل منفی می‌شود دستور بفرمایید حداقل رقم بالاسری را لحاظ نکنند در عین حال ضریب منطقه یا ارتفاع یا طبقات همه به دستمزد موکول است و در فاصله زمانی سه ماهه دوم ۸۷ و سه ماهه سوم و چهارم سال ۸۷ دستمزدها حالت نزولی نداشتند و حالت صعودی داشتند لذا خواهش می‌کنیم که این را هم بررسی کنید. نامه‌هایی هم از طرف انجمن و شرکتهای متعدد نوشته شده و درخواست شده با این امر موافقت کنید. اگر لازم باشد در این مورد توضیحات بیشتری ارائه می‌دهیم.

مسئله دیگر مقایسه شاخص‌های تعدیل در پیوست ۲ و ۳ در فصول ۱۶ و ۲۲ است که گویا اتفاق خاصی افتاده که شاخص در این دو فصل با هم منطبق نیستند و اختلاف فاحش دارند و به طور مثال در پروژه‌ای که حدود ۶۰۰ میلیون تومان کار سنگ داشته که مربوط به فصل ۲۲ است اختلافی نزدیک به ۱۵۰ میلیون تومان برای آن شرکت ایجاد کرده و خسارتهای زیادی را متوجه شرکت نموده بود. در مورد تعدیل قراردادهای مقطوع و زیربنایی که قبل از ابلاغ قیمتهای جدید حاملهای انرژی منعقد شده اینها به شدت از تغییر حاملهای انرژی متاثر هستند و لیکن چون تعدیلی در قرارداد

یک سری شرکتها هستند که اگر درجه آنها تقلیل یابد ممکن است به طور کل بگذارد و برود. اگر هدف این نیست که بخش خصوصی تسویه شوند باید از رفتن آنها جلوگیری کرد، چون با وجود این همه تجربه کناره‌گیری بخش خصوصی خسران ملی است.

نبوده با ضرر و زیان زیادی مواجه هستند که استدعا دارم توجه ویژه‌ای به این امر شود.

مهندس مرادی بعد از شنیدن نظر اعضای هیات مدیره عنوان کردند: خوشحال و خوشبخت هستم که در جمعی حاضرم که سرشار از تجربه، توان، عزم و همت و غیرت برای پیشبرد اهدافی است که همه به ساخت کشور و زیرساختهایی که جز با توان و غیرت این جمع انجام شدنی نیست مربوط است. ما باید از این تجربه ارزنده استفاده کنیم اما از بد شرایط به جای اینکه بنشینیم و از تجربه‌ها استفاده کنیم باید جوابگوی مسائل و مشکلات موجود باشیم.

بنده در بحث درجه‌بندی و مسائل و مشکلات آن وارد نمی‌شویم ولی از زاویه و منظر دیگر می‌خواهم نگاه کنیم، تجربه قبلی من در سازمان برنامه و بودجه نشان داد در مجموعه طرحهای عمرانی همیشه با این دغدغه مواجه‌ایم که بودجه عمرانی و اعتبارات کم است، در یک مجموعه فنی قاعدتا باید فضا تغییر می‌کرد ولی باز هم مشکلات پیمانکاران در مورد منابع مالی و اعتبار، عدم تخصیص اعتبار و عدم انطباق اعتبارات عمرانی با کار انجام شده مواجه میشویم که به توان کشور مربوط است ولی در مورد بحث مسائل فنی جای کار زیادی وجود دارد و آن هم استفاده از توان مجموعه هایی است که می‌توانند در راستای پیشرفت خودشان به مجموعه‌هایی که در معاونت برنامه‌ریزی است کمک کنند. یکی از مسائل عمده‌ای که در بحث درجه‌بندی وجود دارد برمیگردد به این که مثلا یک آیین‌نامه زمانی نوشته شده که نواقصی دارد و سالهایی را با آن گذراندیم و الان به نقطه‌ای رسیده‌ایم که آیین‌نامه به روز نیست و درجه‌بندی که طبق آن صورت می گیرد ممکن است با واقعیت انطباق نداشته باشد و این درجه‌بندی بیانگر ظرفیت و توان شرکتها نباشد. این یکی از نکاتی است که باید به آن بپردازیم اما تعداد مشکلاتی که در حین کار به وجود آمده آنقدر زیاد بوده که مجموعه مشاوران و پیمانکاران ما فرصت نداشتند به این مسائل دقت کنند و به طور اساسی مسئله را حل کنند. قاعدتا پرداختن به این جزئیات در دامنه وسیعی از پیمانکاران هیچ وقت تمام نخواهد شد.

چرا باید ما در جلسه‌ای بنشینیم و جوامع مختلف به ما ایراد بگیرند که در سیستم رتبه بندی اطلاعات وارد نمی‌شود ؟ قاعدتا نباید چرخه به این شکل باشد. باید کار به گونه‌ای به خود شما محول شود تا ما بتوانیم به عنوان حاکمیت تکلیف خود را انجام دهیم که این مستلزم یک تعامل است. من فکر می‌کنم خیلی از این مسائل حل می‌شود. اصلا چرا باید پیمانکار و مشاور به جای مراجعه به انجمن و سندیکا به ما مراجعه کنند؟ به نظر من اعتبار این مجامع برمیگردد به این که اعضا چقدر به آنها وابسته اند. در حال حاضر این وابستگی نسبت به مجموعه ما برقرار شده در حالی که ما عملا کاری با پیمانکار و مشاور نداریم و این ارتباط باید از طریق مجامع و سندیکاها باشد.

در مورد جامعه مهندسین مشاور هم این بحث را مطرح کردیم که تا حد امکان ورودی کار را از معاونت برنامه‌ریزی جدا کنیم و به آنها وصل کنیم. اگر پیمانکاری اطلاعاتی را وارد سیستم می‌کند و همکاری می‌خواهد آن را مطالعه باید ریز شرکت را مطالعه کند تا ببیند شرکت چه شرایطی دارد در حالی که در خود انجمن با شناختی که از شرکتها وجود دارد می‌توان با بررسی یکی دو قرارداد وضعیت و جایگاه شرکت را به طور کامل مشخص کرد. ممکن است کسی که به ما مراجعه می‌کند با جرات از اصلاح حواشی کار خود طفره برود اما در این مجموعه قاعدتا این گونه نیست و چون شناخت وجود دارد ورود اطلاعات با رعایت چارچوب است.

مسائل و مشکلاتی به مرور زمان پیش می‌آید که اگر در مجموعه خود شما قرار بگیرد محسوس و قابل بررسی و چاره اندیشی است. مهم‌ترین مسئله برای من اعتبار و جایگاه انجمنها و صنف و سندیکاها هست که الان در جایگاه حقیقی خودشان نیستند. اگر صنفی در جایگاه خودش باشد اعضا به آن مراجعه مستمر می‌کنند. مثلا اعضای جامعه مهندسین مشاور با این که می‌دانند جامعه با ما تعامل دارد دوست دارند خودشان با ما مستقیم در ارتباط باشند. این شکل درستی نیست و باید به جایی برسیم که همه فکر کنند برقراری ارتباط از طریق تشکلها به نفع آنهاست.

من پیشنهاد میکنم مجموعه شما پیشنهادی تهیه و مطرح کنند که در کار درجه بندی از مجموعه شما کمک بگیریم. اگر کار پایش اطلاعات واگذار شود بحثهای آموزش و .. نیز در مجموعه خود شما اتفاق می افتد. در حال حاضر ۲۰ هزار شرکت در سیستم ساجت تکمیل اطلاعات کرده اند و ۴۸ هزار شرکت هم در حال ثبت نام هستند برای چنین کاری نیروی انسانی زیادی لازم است. باید از ظرفیتی که در این مجموعه هست بیشتر استفاده کنیم. در این صورت خیلی از مسائل فنی حل می شود. اعتبار هم به مجموعه برمی‌گردد و همه اعضا یک احساس وابستگی و یک احساس درستی از انجام کار از مجموعه دارند. اگر این امر در مجموعه شما شکل بگیرد این منابع درآمدی را می‌تواند به مجموعه وارد کند. کل مسائل درخصوص درجه‌بندی در یک تعامل نزدیک‌تر قابل حل است در این صورت شما صاحب کار هستید و ما هم بیشتر به کیفیت کار می پردازیم تا اجرای آن و درباره ارتقای سیستم پیمانکاری کشور اقدام می کنیم. برای تعامل نزدیک و سازنده باید با مجموعه مشاورین و پیمانکارها تعامل به وجود بیاید آنهم نه به صورت تک انجمن بلکه مجموعه‌ای از انجمنها با محوریت یک مجموعه که امکان ارزیابی و رقابت را به وجود آورد.

چرا باید پیمانکار و مشاور به جای مراجعه به انجمن و سندیکا به ما مراجعه کنند؟ به نظر من اعتبار این مجامع برمی‌گردد به این که اعضا چقدر به آنها وابسته‌اند. در حال حاضر این وابستگی نسبت به مجموعه ما برقرار شده در حالی که ما عملاً کاری با پیمانکار و مشاور نداریم و این ارتباط باید از طریق مجامع و سندیکاها باشد.

مهندس مرادی با مخاطب قرار دادن مهندس ملکیانی فرد ادامه داد: خواهشمندم در خصوص یک تعامل پررنگ و قوی برنامه ای ارائه دهید تا ارتباط جدیدی با مجموعه شما تعریف کنیم. این ارتباط تبدیل به تفاهم‌نامه شود و کار درجه‌بندی تا حدی که به پایش مربوط می‌شود به مجموعه شما واگذار گردد.

در ادامه این جلسه دکتر قانع فر گفتند: نگاهی که ما داریم

فراهم کردن فضایی اســت تا چرخه اقتصاد بهتر بچرخد. ما زمینه را بازتــر می‌کنیم تا پیمانکاران تجربه و توان خود را نشــان دهند چرا که معتقدیم پیمانکاران ســرمایه مملکت هستند و باید حفظ و حراســت شوند. درباره بحث ابلاغ شــاخص‌های موقت تعدیل از آذرماه نیز نامه‌ای با بحث هدفمندی به شورا فرستادیم تا با توجه به بحث هدفمندی ضریب موقت اعلام شود و آرامش خاطر پیمانکاران فراهم شــود که تا اواخر دی ماه ابلاغ می‌شود. ما سعی می‌کنیم از تصمیم شورا مطلع شده و نتیجه را به شما منعکس کنیم.

پیشنهاد می‌کنم اگر نظر خاصی درباره برخی فصول فهارس دارید با عدد و رقم اعلام کنید. بخصوص درباره فصلهایی که زیاد بوده تا ما هم نظرات شــما را درباره فصلهایی که علاقه دارید شاخص‌های موقت اعلام شود بدانیم. در مورد بحث پرداخت قیمت قیر بر اساس بورس، ما ســعی می‌کنیم با مطالعه درباره تغییر قیمت و نوســان قیمت روزانه تا ماهانه قیر این مســئله را حل کنیم. در واقع بسیار علاقمندیم ســاز و کارهای تعدیل را خــودکار کنیم ولی به دلیل موانعی برخلاف میل باطنی خودمان عهده‌دار امر شدیم.

درباره هدفمندی هم نامه‌ای به شورا فرستادیم. چون بعد از نامه ما بحث فهرســت مطرح شد و بعد هم بحث دیگری مطرح شد امکان این که به این بحث بپردازیم فراهم نشــد ان‌شــاءا... فردا این موضوع بررسی و بخشنامه ای همه شمول تدوین می‌شــود. حضور دوستان در تدوین فهارس مطرح شد. به دلیل چالشهایی این حضور کم رنگ شد وگرنه ما هر هفته جلسه‌ای برای تبادل نظر داشتیم. فکر نمی‌کنم این دفعه برای فهرست ۹۰ که ۶ و ۷ هفته هم از زمان ابلاغ آن گذشته فرصتی باشد ولی برای فهرستهای بعدی حتما این ساز و کار را فراهم می‌کنیم. در موردبخشنامه کمترین قیمت متناسب هم چنانچه مهندس ملکیانی فرد فرمودند ما دو هفته در سازمان بازرسی کشور جلسه داریم و دوستان مشــتاق‌اند به لازم الاجرا شــدن این مسئله کمک کنند. اگر سازمان بازرسی هم از این بحث حمایت کند خوب پیش می‌رود.

در مورد شــاخص‌های ســه ماهه دوم ۸۷ و ضریب بالاسری و ... دو نکته وجود دارد. ما درباره تعدیل یک شــرط قراردادی داریم. به هر حال شــرط مناقصه و قرارداد شرط حقوقی است و نمی‌تواند لزوما منطقی باشــد. تهیه و تصویب شــرایط عمومی پیمانی که امروزه مورد استفاده است بالغ بر ۱۰ سال زمان برده است. در مورد بررسی شرایط عمومی پیمان آتی نیز در حال حاضر ۸۲ جلسه از بررسی آن گذشته است یعنی یک سال و نیم که با توجه به حساسیتهایی این پیمان زمان زیادی نیســت. ما با تمــام توان خود و با کمک از دوستان دنبال این هستیم که چیزی بهتر از فیدیک ایجاد کنیم که صدور خدمات فنی مهندسی و حضور در خارج از کشور را تسهیل کند. پیشــنهاد دارم علارغم شرایط سخت در قالب نهاد تعامل به توســعه بلند مدت و بین نسلی شدن شرکتها در کنار حل مسائل روزمره توجه کنیم..

مهندس مصطفوی در ادامه عنوان کرد: در جمعی نشسته ایم که در مقابل ما افراد بزرگی با تجربه‌های بزرگ و عملکرد درخشان در پروژه های عمرانی کشور حضور دارند. در نظام فنی و مهندسی و اجرایی همیشــه گل زن آخر نظام فنی، پیمانکاران هســتند. اگر پیمانکاران نباشند معلوم نیست جاده یا سد چگونه ساخته می‌شوند. امروز فرصت طلایی برای تشکلهای حرفه‌ای به وجود آمده است. ما در نهاد تعامل بحــث و پیگیری کردیم تا ظرف یک ماه طرحی به مجلس برود که جایگاه تشکلهای حرفه‌ای مهندسی کشور را تعریف و قانونمند کند. شــورای هماهنگی تشــکلها برای در کنار هم قرار دادن تشکل حرفه ای کشور بهترین جایگاه است. البته در تمام دنیا دولت حافظ منافع عمومی است و باید سیاستهای خود را در جایگاه حکومتی اعمال کند اما همه باید به منظور تحقق پروژه‌های عمرانی دل بســوزانند و اظهار نظر کنند. امروز آغاز یک ســری ارتباطات جدید بین ما و شماســت. امیدوارم حافظ منافع همدیگر باشیم و بدانیم با وجود این که شرکتهای بخش خصوصی روزهای سختی را می‌گذرانند آینده بهتر از امروز خواهد بود.

مهندس جمالی خاطرنشــان کرد: ما واقعا از سازمان برنامه توقع داریم پیمانکاران خصوصی را حمایت کنند. وقتی سازمان این همه در قبال پیمانکاران ما سختگیری میکند باید حمایت لازم را هم داشته باشید. سازمان باید ما را به عنوان عنصری مثبت ببیند چون بخش خصوصی کمک کننده به سیستم مدیریت دولت و اشتغالزا است.

در ادامه مهندس مسعودی گفت: باید از فضایی که به وجود آمده یعنی فضای حل مشکلات پیمانکاران یکی در فضای تغییر مصوبه و آیین نامه‌ها و دیگری واگذاری رتبه‌بندی به انجمنها استفاده شود.

مهندس پورشــیرازی نیز خاطرنشان کرد: وجود هیات مدیره گردش کار شرکتها است. می‌توان شرکتهایی را که در گذشته درجه بندی داشتند و هیات مدیره آنها تغییر نکرده است بر اساس گذشته درجه‌بنــدی کرد و در مورد شــرکتهای جدید نیز تصمیم دیگری گرفت تا لااقل در مورد مناقصات مشکل حل حل شود.

مهندس عصر آزاد هم پیشنهاد دادند به شرکتهایی که در سایت ثبت شــده‌اند و مدارک خود را ارائه داده‌اند تا بررســی شود فرصت موقت ۶ ماهه یا یک ساله بدهند تا در آن فرصت مشکلات حل شود.

مهنــدس عطاردیــان، دبیر انجمن شــرکتهای ســاختمانی آخرین ســخنگوی این جمع بودند که عنوان کردند: مسئله رتبه بندی مســئله عمومی است. مثلا شرکت شالوده درجه بندی ندارد و یا شرکتهایی که سالیان دراز رتبه یک داشتند و نتوانستند در مناقصات برنده شوند با این که مدیر عامل و اعضای هیات مدیره ســابق را داشــتند تقلیل درجه یافتند. باید هر چه سریع تر برای این مســئله تدبیری اندیشیده شود تا شرکتهای بزرگ و قدیمی از فعالیت خود در راستای سازندگی کشور دلسرد نشوند.

خسارت تاخیر در پرداخت

مهندس بهمن دادمان / رئیس کمیسیون امور اقتصادی و بانکها

در سالهای اخیر عدم پرداخت مطالبات پیمانکاران از محل صورت‌وضعیت‌های کارکرد و یا پرداخت در فواصل زمانی طولانی مدت علاوه بر انباشت بدهی‌های دولت به شرکتهای پیمانکار مشکلات عمده‌ای را برای این صنعت ایجاد نموده، و تداوم حیات شرکت‌های پیمانکاری بخش خصوصی با تهدید جدی روبرو شده است. با عدم پرداخت به موقع بدهی توسط کارفرمایان، شرکتهای پیمانکار متحمل خسارت تاخیر می‌گردند، جبران این خسارت حقی است که تاکنون مورد مطالبه عامه پیمانکاران قرار نگرفته، در این مقاله با تقسیم موضوع به سه بخش ذیل بحث را پی می‌گیریم:

الف: مستندات قانونی

ب: استفاده صاحبان حق از این موضوع

ج: آثار وتبعات مترتب از دیرکرد در پرداخت‌ها

الف:مستندات قانونی:

مطابق ماده ۲۲۸ قانون مدنی «در صورتی که موضوع تعهد تأدیه وجه نقدی باشد حاکم می‌تواند با رعایت ماده ۲۲۱ مدیون را به جبران خسارت حاصله از تأخیر در تأدیه دین محکوم نماید.»

در قانون آئین دادرسی مدنی در چگونگی مطالبه خسارات و اجبار به انجام تعهد در باب نهم ماده ۵۲۲ آمده است: «در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده با مطالبه داین و تمکن مدیون امتناع از پرداخت نموده در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد و محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد مگر اینکه طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند.»

نگرش نظام‌های مترقی بر این استوار است که هیچ ضرری نباید جبران ناشده باقی بماند از منظر اصول کلی با عنایت به بینش دینی اصل چهارم قانون اساسی باید به اصل عملی و فقهی قاعده لاضرر توجه داشت که نظام حقوقی ما تحت هیچ شرایطی ضرر را جبران ناشده نمی پذیرد و گذشته از منظر شرع از نگرش حقوقی عرفی ماده «یک» قانون مسئولیت مدنی اعلام داشته هر کس عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان و سلامتی و یا هر حق دیگری خسارت وارد سازد مکلف به جبران است.

در قانون مناقصات بند «ب» ماده ۱۰ آورده شده: «موضوع پیش‌بینی منابع مالی و نحوه ضمان تأخیر تعهدات برای انجام معامله باید به صراحت در شرایط اسناد مناقصه از سوی دستگاه مناقصه‌گزار قید و تعهد شود.»

در شرایط عمومی فیدیک وشرایط عمومی طرح و ساخت نیز در بند ۸۱۴ به جبران خسارت تاخیرات ناشی از عدم پرداخت به موقع مطالبات ازسوی کارفرما اشاره شده است.

با مستندات قانونی فوق به این نکته می‌رسیم که موضوع در قانون پیش‌بینی شده و حق مسلمی بوده که تاکنون مورد مطالبه اعضا نبوده که ناشی از عدم توجه صنف به پی‌گیری حق خود (شاید هم عدم آگاهی) و یکسویه عمل کردن دستگاه‌های اجرایی بوده است و این در حالتی است که دستگاه‌های اجرائی دولت نسبت به دریافت جریمه تأخیر

در قانون آئین دادرسی مدنی در چگونگی مطالبه خسارات و اجبار به انجام تعهد در باب نهم ماده ۵۲۲ آمده است: «در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده با مطالبه داین و تمکن مدیون امتناع از پرداخت نموده در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد و محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد مگر اینکه طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند.»

از متعهدانشان چنانچه تعهدات آنان با تاخیر مواجه شد و اقدامات عاجل معمول و با استفاده از اقتدار خود در تمامی موارد موفق به وصول آن می‌شوند.

ب: استفاده صاحبان حق

سازمان امور مالیاتی، سازمان تأمین اجتماعی، بانکها، گمرکات و... از عدم دریافت به موقع مطالبات خود از طرف مقابل خسارت‌هایی رادر قالب جرائم دریافت می‌کنند اگر این موضوع فی‌النفسه محق بودن در صورت عدم پرداخت مطالبات می‌باشد که می‌توانند خسارت تاخیر خود را تادیه نمایند حال چگونه پیمانکاران که در بازپرداخت بدهی‌های خود بایستی جریمه تاخیر بپردازند آن هم در شرایطی که مطالبات خود را با تاخیر دریافت می‌نمایند، از عدم دریافت به موقع مطالبات خود که اگر محقق می‌شد ملزم به پرداخت جریمه نبودند خسارت دریافت نمی‌نمایند

ج:آثار وتبعات مترتب از دیرکرد در پرداختها

عدم پرداخت مطالبات پیمانکاران از محل کارکرد که طی صورت‌وضعیت ارسال و در فواصل زمانی طولانی‌مدت پرداخت می‌شود باعث تبعاتی است از جمله مشکلات پیش‌آمده می‌توان به عدم پرداخت مالیات بر ارزش افزوده توسط کارفرما و جریمه ماهیانه ۲/۵ درصدی آن اشاره کرد براساس قانون ارزش افزوده بایستی چهاردرصد ارزش کالاهای فروخته شده (یا خدمات انجام شده) توسط مصرف‌کننده کالا و یا خدمات به سازمان امور مالیاتی پرداخت شود. از آنجا که کارفرمایان و دستگاه‌های اجرایی بهای صورت‌وضعیت خدمت انجام شده را نپرداخته‌اند، شرکتهای پیمانکاری نیز نمی‌توانند مالیات بر ارزش افزوده خود را پرداخت کنند؛ سازمان امور مالیاتی نیز بدون توجه به این مشکل، شرکتهای عضو سندیکا را به پرداخت ۲/۵ درصد جریمه در ماه محکوم کرده است (البته این فقط یک مورد از محرومیت و تبعات است).

مشکلات ناشی از بانکها: شرکتهای عضو دیگر قادر به پرداخت اقساط خود نمی‌باشند چرا که کارفرمایان و دستگاه‌های اجرایی ذیربط بدهی خود به شرکتها را نپرداخته‌اند بانکها نیز پیمانکاران را علاوه بر سود اولیه تسهیلات به پرداخت ۶درصد جریمه دیرکرد اضافی محکوم کرده است که مسأله بانکها به اینجا ختم نمی‌شود؛ آنها به دلیل معوق ماندن تسهیلات، خط اعتباری شرکتها را متوقف کرده و تسهیلات جدید اعم از وام، ضمانتنامه و... را نمی‌دهند که در پاره‌ای مواقع شرکتها ناچار به استفاده از وام‌هایی از بازار آزاد بابیش از ۳۰درصد بهره شده‌اند در حالیکه اگر دولت به موقع نسبت به پرداخت مطالبات اقدام می‌کرد شرکتها مجبور به پرداخت خسارات فوق نبودند.

پرداخت به موقع یکی از اصلی‌ترین محورهای پیشبرد اجرای طرح‌های عمرانی است، بایستی کارفرما در تعهدات مالی خود این حق را برای پیمانکاران که قشر زحمتکش جامعه هستند، قائل باشد که جبران خسارتهای مترتب از دیرکرد در پرداخت فقط با پرداخت خسارت تاخیر قابل هم‌پوشانی است...

سازمان تأمین اجتماعی هم همچون سازمان امور مالیاتی، شرکتهای عضو را به پرداخت ۲/۵ درصد جریمه در ماه محکوم کرده است که این شرکتها به علت عدم دریافت مطالبات خود قادر نیستند سهم تأمین اجتماعی را پرداخت کنند و تبعات بعدی که در بحث نمی‌گنجد. عدم پرداخت مطالبات و خسارات مترتبه از تأخیر در پرداخت‌ها از سوی کارفرمایان دارای تبعاتی است که علاوه بر توقف پروژه و تضعیف بنیه مالی پیمانکار، تأثیر بسزایی در پروژه‌های آتی و بحث پرداخت‌های پیمانکاران به پرسنل، سازمانهای مالیاتی، بیمه و بانکها و... دارد؛ به طوری که تاخیر در بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری‌ها در پروژه‌های عمرانی علاوه بر افزایش قیمت تمام شده ناشی از تورم سالیانه باعث ضرر وزیان ملی از بابت عدم‌النفع نیز می شود بنابراین پرداخت به موقع یکی از اصلی‌ترین محورهای پیشبرد اجرای طرح‌های عمرانی است، بایستی کارفرما در تعهدات مالی خود این حق را برای پیمانکاران که قشر زحمتکش جامعه هستند، قائل باشد که جبران خسارتهای مترتب از دیرکرد در پرداخت فقط با پرداخت خسارت تاخیر قابل هم‌پوشانی است... در کنار این موضوع می‌بایست حفظ حیات سازمانهای کار شرکت‌های پیمانکاری را نیز به عنوان یک سرمایه ملی در نظر گرفت و در شرایطی که پرداخت‌ها به آنان با تاخیر صورت گیرد برای احقاق حق و جلوگیری از استهلاک و اضمحلال آنها با پرداخت خسارات تاخیر نسبت به ماندگاری این شرکتها اقدام نمود.

ضرورت تشکیل مراجع اختصاصی برای حل و فصل اختلافات قراردادهای ساخت

دکتر علی اکبر نجفی/ معاون مهندسی شرکت بلندپایه / کارشناس رسمی دادگستری

مقدمه

صنعت ساختمان (Construction Industry) دراکثر کشورهای جهان اساسی‌ترین بخش صنعت و اقتصاد آن کشورها را تشکیل می‌دهد. این صنعت بطور مستقیم و غیرمستقیم چرخ بسیاری از صنایع دیگر را به گردش در می‌آورد و میزان اشتغال مستقیم و غیرمستقیمی که ایجاد می‌نماید بیش از سایر صنایع می‌باشد. به عنوان مثال صنعت ساختمان در ایالات متحده امریکا ۱۳درصد تولید ناخالص ملی یعنی ۵۰۰ میلیارد دلار در سال‌های آخر قرن بیستم را به خود اختصاص داده است. در عین حال نه تنها در کشور ما بلکه در بسیاری از کشورها نیز قوانین و خط‌مشی جامعی در زمینه تنظیم قراردادها و بخصوص رسیدگی به دعاوی مربوط به کارهای ساختمانی وجود ندارد. آنجا هم که قواعدی برای عقد قراردادها وجود دارد، دو موضوع به روشنی تبیین نگردیده است:

الف) رعایت توازن و تعادل بین قدرت طرف‌های ذیمدخل در قرارداد،

ب) روش رسیدگی به دعاوی و رفع اختلاف ناشی از اجرای این قراردادها در زمان مقتضی.

تجربه گذشته نشان داده است که در صورتی که پس از بروز اختلاف امکان صلح و سازش بین طرفین اختلاف وجود داشته باشد، بهترین و کوتاهترین راه برای رسیدن به توافق انجام مذاکره است. در صورتی که اختلاف عمیق‌تر باشد، رجوع اختلاف به مرجعی به عنوان حکم ویا هیأتی به عنوان هیأت داوری که متشکل از یک داور از هر یک از طرفین و یک داور مرضی‌الطرفین است راه مناسبی می‌باشد. چنانچه یک یا هردو طرف از رجوع به حکمیت یا داوری استنکاف نمایند، یا اختلاف از طرق فوق‌الذکر حل و فصل نگردد، یا یک طرف به نظر حکم یا داوری تمکین ننماید، راهی جز رجوع به محاکم قضائی برای اخذ رای دادگاه یا دستور اجرای داوری باقی نمی‌ماند. اما تجربه ثابت کرده است که رجوع به دادگاه مستلزم طولانی شدن زمان و افزایش هزینه بوده و احیاناً رأی صادره به دلیل پیچیدگی‌های موضوع و تخصصی نبودن محاکم واثق نمی‌باشد. خاصه آنکه قاضی در موارد تخصصی لزوما از نظریه کارشناس استفاده می‌نماید و در صورت وجود اعتراض به نظر کارشناسی، تشکیل هیأت سه نفره و سپس پنج نفره و... لازم می‌شود که هریک دوره نسبتاً طولانی را به خود اختصاص می‌دهد. کارشناسان مربوطه نیز گاهی فاقد اطلاعات جامع و کافی نسبت به موضوعات مطروحه می‌باشند لذا این روند علاوه بر طولانی شدن مدت رسیدگی ممکن است از جامعیت و صحت لازم برخوردار نباشد.

مقاله حاضر به ضرورت تشکیل مراجع اختصاصی حل و فصل اختلافات ناشی از اجرای قراردادهای ساخت و تدوین قوانین مناسب مورد نیاز صنعت ساختمان در ارتباط با روش‌های رفع

اختــلاف می‌پردازد. لزوم تعیین مراجعــی برای حکمیت یا داوری در هنگام بروز اختلافات و تنظیم قواعد مربوطه تشــریح می‌شود. نیاز به وجود دادگاه‌های ویژه رسیدگی به دعاوی قراردادی مطرح و همچنیــن ضرورت تدوین قانون دادرســی دادگاه‌های ویژه بیان می‌گردد.

بدیهی اســت اطــلاع طرف‌های درگیــر در اینگونــه قراردادها از مباحث حقوقی و اشراف ایشان به مسایل قراردادی کمک شایانی به پیشــگیری از بروز اختلاف می‌نمایــد و در صورت بروز اختلاف نیز مســیر رفع اختلاف را هموار می‌کند. براین اســاس تأســیس مراجع اختصاصی داوری و قضائی و همچنین تدوین قوانین خاص رســیدگی به اختلافــات در این مراجع اقتضا می‌نماید نســبت به آموزش دست‌اندرکاران عقد و اجرای قراردادهای ساختمانی اقدام گردد. ضرورت آموزش حقوقی قراردادهای ساخت موضوع اساسی دیگری است که شــرح آن در این مقاله نمی‌گنجد و امید است با چاپ مقاله‌ای دیگر به قلم نگارنده به این مهم نیز پرداخته شود.

اشاره‌ای به سابقه حل اختلاف در شرایط عمومی پیمان

در شرایط عمومی قراردادهای رایج منجمله در قراردادهای ساخت، معمــولاً موضوع مذاکــره و مصالحه منظور گردیــده و در صورت عــدم حصول نتیجه از ایــن طریق، ارجاع موضــوع مورد اختلاف بــه کارشناســی و یا داوری پیش‌بینی گردیده اســت. در ماده ۵۳ شــرایط عمومی قدیمی قراردادهای اجرا (Construction) که توســط ســازمان برنامه و بودجه وقت برای انضمام به موافقتنامه اینگونه قراردادها ابلاغ گردیده بود، در صورتیکه از طریق مذاکرات اصلاحی نتیجه مطلوب حاصل نمی‌گردید، برای حل‌اختلاف رجوع به محاکــم قضائی پیش‌بینی شده بود. متن ماده ۵۳ قدیم به این شــرح بوده است: "در صورتیکــه اختلافاتــی بیــن کارفرمــا و پیمانکارپیش آمد کنــد اعــم از اینکــه مربوط به اجــرای عملیــات موضوع پیمان و یا مربوط به تفسیر و تعبیر هریک از مواد پیمان و شرایط عمومی و سایر اسناد و مــدارک پیوســت پیمــان باشد چنانچه طرفین نتوانند موضوع اختلاف را از راه توافق رفع نمایند از طریق مراجعه به محاکم و مراجع صالحه دادگستری حل و فصل خواهد شد."

احتمالاً به علت بروز مشــکلات ناشــی از روند دادرسی در محاکم قضائی به دلایلی که در بالا اشاره گردید، هیأت‌وزیران تصویب‌نامه شــماره ت۱۷۸۶۵هـ مورخ ۱۳۷۷/۸/۲۱را صادر و به دستگاه‌های اجرائــی ابلاغ نمود. از مضمون این مصوبه اســتنباط می‌شــود که متصدیان امر به اشکالاتی که بر طرح دعاوی قراردادهای پیمانکاری و مشاوره به محاکم دادگستری مترتب است (به دلایلی که توضیح داده شــد) وقوف حاصل کرده و راه حل داوری را مرجح تشخیص داده‌انــد. لیکن چون ارجاع به داوری براســاس اصــل ۱۴۹ قانون اساسی نیاز به تصویب هیأت وزیران دارد، با صدور این مصوبه مانع قانونی مذکور را از میان برداشــته و موافقت رئیس سازمان برنامه و بودجه را جایگزین آن نمودند و بدین ترتیب شــورای عالی فنی به عنوان یک نهاد داوری مامور رســیدگی به اختلاف پیمانکاران و مشاوران با دستگاه‌های اجرائی گردید.

در این مصوبه رئیس ســازمان برنامه و بودجــه به عنوان نماینده ویژه رئیس جمهور برای ارجاع اختلاف‌های ناشی از اجرا یا تفسیر قراردادهای مربوط به طرح‌های عمرانی (اعم از مدیریت، مشــاوره، ســاخت و اجرا) به شــورای عالی فنی ســازمان تعیین گردیده و تصمیمــات مقام مذکور لازم‌الاتبــاع و با رعایت ماده ۱۹ آیین‌نامه داخلــی هیأت دولت قابل صدور می‌باشــد. طبق مــاده ۴ مصوبه مذکور، ســازمان برنامــه و بودجه ملزم گردید ایــن موضوع را در شــرایط عمومی اســتاندارد قراردادهای طرح‌های عمرانی منظور نمایــد. متعاقبــاً در ســال ۱۳۷۸ماده ۵۳ شــرایط عمومی پیمان قراردادهــای اجرا اصــلاح و روش های زیر بــرای حل اختلاف در نظر گرفته شد:

۱ در مورد اختلاف‌های ناشــی از برداشــت متفــاوت دو طرف از بخشنامه‌ها، هریک چگونگی اجرای بخشنامه را از سازمان برنامه و بودجه استعلام نماید.

۲ در مورد سایر اختلاف‌ها، بدواً رسیدگی به اختلافات به کارشناس یا هیأت کارشناسی منتخب دو طرف واگذار شود.

۳ در صورتی که دو طرف در انتخاب کارشناس یا هیأت کارشناسی به توافق نرســند یا نظر اعلام شده طبق بندهای ۱ و ۲ فوق مورد قبول هریک از دو طرف نباشد، هریک می‌توانند درخواست ارجاع موضوع مورد اختلاف به داوری را به رئیس سازمان برنامه و بودجه ارائه نماید و در صورت موافقت رئیس سازمان، مرجع حل اختلاف شورای عالی فنی خواهد بود.

در شــرایط عمومی قراردادهای رایج منجمله در قراردادهای ســاخت، معمولاً موضوع مذاکره و مصالحه منظور گردیده و در صورت عدم حصول نتیجه از این طریق، ارجاع موضوع مورد اختلاف به کارشناسی و یا داوری پیش‌بینی گردیده است. در ماده ۵۳ شرایط عمومی قدیمی قراردادهای اجرا (Construction) که توسط سازمان برنامه و بودجه وقت برای انضمام به موافقتنامه اینگونه قراردادها ابلاغ گردیده بود، در صورتیکه از طریق مذاکــرات اصلاحی نتیجه مطلوب حاصل نمی‌گردید، برای حل‌اختلاف رجوع به محاکم قضائی پیش‌بینی شده بود.

در سال ۱۳۸۴ و با بهره‌گیری از تجارب قبلی در قراردادهای اجرا، ضوابط اجرائی روش طرح وســاخت (Design and Build) که طی ســال‌های قبل از آن در دســت تدوین بود ابــلاغ گردید. در فصل ۲۰ شــرایط عمومی قراردادهای طرح و ســاخت پیش‌بینی شــده که اختلافات به هیــأت رفع اختلاف که دارای یک یا ســه عضو اســت ارجاع گردد و در صورت عدم رضایت یک یا دو طرف از تصمیم هیأت، حل و فصل دوســتانه پیش‌بینی شده است. اگر اختلاف دوستانه حل نشود، هریک از دو طرف می‌تواند در ارتباط با تصمیم هیأت حل اختلاف که نهائی و الزام‌آور نشده باشد، موضوع یا موضوعات مورد اختلاف را برای داوری به وســیله شورای عالی

فنی، به رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارجاع دهد. اگر رئیس سازمان با درخواست یاد شده موافقت کند داوری به وسیله شورای عالی فنی انجام می‌شود. همچنین در صورتی که هیچ یک از دوطرف در مدت معین عدم رضایت خود را از تصمیم هیأت حل‌اختلاف اعلام نکرده باشد و این تصمیم قطعی و الزام‌آور شده باشد و یک طرف در تبعیت از این تصمیم قصور کند، آنگاه طرف دیگر می‌تواند این قصور را به داوری ببرد و حل و فصل دوستانه برای این امر کاربرد ندارد.

اصلاح شرایط عمومی پیمان قراردادهای اجرا و نیز گنجاندن ارجاع به شورای عالی فنی در شرایط عمومی قراردادهای طرح و ساخت در ابتدا راهگشای حل و فصل بسیاری از اختلافات فیمابین کارفرمایان و پیمانکاران گردید و ترکیب اعضای شورای عالی فنی نیز در مقاطعی در وصول به این امر کمک نمود. لکن با گذشت زمان و در قیاس با روش‌های داوری مورد استفاده در کشورهای دیگر، از آنجا که یک طرف اختلاف دستگاه‌های اجرائی دولتی و داوران نیز منصوب دولت بودند، رفته‌رفته نارضایتی پیمانکاران از برخی داوری‌ها بروز یافت و ارجاع اختلافات به مراجع غیردولتی از قبیل اتاق های بازرگانی و جامعه مشاوران مورد توجه قرار گرفت.

شایان ذکر است که مراجع دیگری نیز به ابتکار مدیران وقت وزارتخانه‌های راه وترابری، مسکن و شهرسازی، نفت و نیرو تشکیل شدند ولی چندان مورد رجوع قرار نگرفتند کمیسیون‌های حل اختلاف بودند که قرار بود به صورت خاص به اختلافات حادث در روابط ذینفعان مرتبط با این وزارتخانه‌ها رسیدگی نمایند. پایدارسازی این کمیسیون‌ها و تقویت آنها با حضور نمایندگان ذینفعان، از آنجا که به صورت داخلی به حل اختلافات می‌پردازند، خواسته مشاوران و پیمانکاران بوده و ارزیابی عملکرد گذشته این کمیسیون‌ها می‌تواند در اتخاذ تصمیم نسبت به تقویت و بهره‌برداری از آنها مفید باشد.

ارجاع داوری به اتاق های بازرگانی

در قراردادهای بین‌المللی غالبا ارجاع به اتاق بازرگانی بین‌المللی(International Chamber of Commerce) پیش‌بینی می‌گردد و برای داوری قراردادهای تجاری بین‌المللی نهاد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی مستقر در کشور فرانسه به عنوان مرجع در نظر گرفته می‌شود. به نظر می‌رسد داوری‌های این نهاد در مجموع در حل اختلافات مفید و مؤثر بوده‌اند.

برای داوری قراردادهای داخلی نیز ارجاع به داوری اتاق بازرگانی داخلی کشورها از گذشته‌های دور در قراردادهای رایج بسیاری از کشورها وجود داشت و در ایران نیز این امکان در ساختار اتاق بازرگانی و صنایع و معادن پیش‌بینی گردیده بود. تجربه سایر کشورها حاکی از موفقیت اتاق‌های بازرگانی در امر داوری بین طرف‌های اختلاف در قراردادهای تجاری و نیز قراردادهای خاص صنعت ساخت است.

علل توفیق اتاق‌های بازرگانی در داوری‌ها را می‌توان ناشی از عوامل زیر دانست:

۱ غیر دولتی بودن و آشنائی با مسایل بخش خصوصی

۲ سابقه طولانی در رسیدگی به اختلافات

۳ تجربه و تسلط داوران منتخب به مسایل خاص موضوع اختلاف

۴ بی‌طرفی داوران با توجه به نحوه انتخاب ایشان

بنا به دلایل فوق اخیراً پیمانکاران کشور توسط تشکل اصلی خود (انجمن

اصلاح شرایط عمومی پیمان قراردادهای اجرا و نیز گنجاندن ارجاع به شورای عالی فنی در شرایط عمومی قراردادهای طرح و ساخت در ابتدا راهگشای حل و فصل بسیاری از اختلافات فیمابین کارفرمایان و پیمانکاران گردید و ترکیب اعضای شورای عالی فنی نیز در مقاطعی در وصول به این امر کمک نمود. لکن با گذشت زمان و در قیاس با روش‌های داوری مورد استفاده در کشورهای دیگر، از آنجا که یک طرف اختلاف دستگاه‌های اجرائی دولتی و داوران نیز منصوب دولت بودند، رفته‌رفته نارضایتی پیمانکاران از برخی داوری‌ها بروز یافت و ارجاع اختلافات به مراجع غیردولتی از قبیل اتاق های بازرگانی و جامعه مشاوران مورد توجه قرار گرفت.

شرکت‌های ساختمانی) گنجاندن موضوع رجوع به داوری اتاق بازرگانی در شرایط عمومی پیمان‌ها را در جلسات مشترک با نمایندگان بخش دولتی و مشاوران که توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهور برگزار می‌گردد پیشنهاد و پیگیری نموده‌اند.

یادآور می‌شود به طور کلی استفاده از شرایط عمومی پیمان‌های فیدیک (جامعه بین‌المللی مشاوران) مورد نظر انجمن شرکت‌های ساختمانی بوده که در آن سه مرحله سازش (amicable dispute resolution)، وساطت (mediation) و داوری (arbitration) پیش‌بینی گردیده است. فیدیک داوری را به اتاق بازرگانی بین‌المللی و تحت قوانین این اتاق رجوع می‌دهد. لازم به ذکر است که اتاق بازرگانی بین‌المللی با مشارکت فیدیک اقدام به برگزاری کنفرانس‌ها و دوره‌هائی با موضوع حل و فصل اختلافات قراردادهای صنعت ساختمان می‌نماید که کنفرانس اخیر (۱۶ و ۱۷ ژوئن ۲۰۱۱ در برزیل) از این دست می‌باشد که در آن رویه‌های طرح دعاوی، نقش متخصصان در حل و فصل اختلافات، مسایل اجرای آرای داوری و همچنین تاثیر بحران مالی اخیر بر بروز اختلافات در صنعت ساختمان مورد بررسی قرار گرفت.

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران که سال‌ها در اختلافات بازرگانی داوری نموده و اخیرا نیز دفتر خدمات مشورتی کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی را با هدف ارائه راهنمائی و مشورت به اعضا ایجاد نموده است قابلیت ارائه خدمات زیر را می‌تواند داشته باشد:

الف) ارائه خدمات مشورتی قراردادی به کارفرمایان، پیمانکاران و مشاوران

ب) ارائه خدمات داوری در قراردادهای پیمانکاران و مشاوران

در صورتی که انجام داوری مربوط به اختلافات قراردادی به وسیله اتاق‌های بازرگانی در شرایط عمومی پیمان‌ها توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی لحاظ گردد، با فراهم نمودن تمهیدات لازم در اتاق، می‌توان امید داشت که حل و فصل اختلافات روان‌تر، تخصصی‌تر و عادلانه‌تر صورت پذیرد.

در صورتی که انجام داوری مربوط به اختلافات قراردادی به وسیله اتاق‌های بازرگانی در شرایط عمومی پیمان‌ها توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی لحاظ گردد، با فراهم نمودن تمهیدات لازم در اتاق، می‌توان امید داشت که حل و فصل اختلافات روان‌تر، تخصصی‌تر و عادلانه‌تر صورت پذیرد.

ارجاع داوری به جامعه مشاوران

در گذشته حل مواردی از اختلافات به مهندسان مشاور رجوع داده شده است. این مشاور در غالب موارد مشاور امین کارفرما در پروژه و موضوع اختلاف در حدی بوده که نظر مشاور برای طرفین کفایت می‌نموده، در موارد معدودی مشاور دیگری که مورد توافق طرفین بوده برای حکمیت یا داوری انتخاب شده است. به طور کلی ندرتاً وجود یک مشاور به عنوان حکم یا داور در قراردادهای پیمانکاری ذکر گردیده است.

در شرایط عمومی پیمان مشاوره (Client/Consultant) فیدیک امر وساطت یا میانجی‌گری به توافق طرفین اختلاف روی یک میانجی بی‌طرف که در شرایط خصوصی ذکر می‌گردد محول شده و در صورت عدم توافق ظرف مدت معین، هر یک از طرفین می‌توانند از رئیس فیدیک تقاضای منصوب نمودن یک میانجی را بنمایند. از آنجا که این موضوع در قرارداد به امضای طرفین رسیده است، تصمیم رئیس فیدیک نافذ بوده و نظر میانجی در وهله اول توصیه محسوب و در صورت قبول طرفین مکتوب می شود و برای طرفین لازم‌الاتباع خواهد بود.

در شرایط عمومی پیمان‌های اجرا (Construction)، طرح و ساخت (DesignBuild) و کلید در دست (EPC/Turnkey) فیدیک رجوع به جامعه مشاوران در نظر گرفته نشده و در صورت عدم سازش، امر به داوری یک یا سه نفره محول گردیده است. نحوه انتخاب شخص داور یا هیأت داوری، روش رسیدن به تصمیم داوری و تقاضای تجدید نظر در رای داوری در شرایط عمومی این پیمان‌ها ذکر شده‌اند. چنانچه داوری نهائی و لازم‌الاجرا نشود، ارجاع موضوع اختلاف به اتاق بازرگانی بین‌المللی پیش‌بینی شده است. بنابراین فیدیک جامعه مشاوران را مرجع مناسبی برای حل اختلافات کارفرما و پیمانکار ندانسته هرچند منعی برای انتخاب مشاور به عنوان داور در نظر نگرفته است.

در شـرایط فعلی روابط حاکم بر کارفرمامشـاورپیمانکار در ایران، شاید انتخاب مشاور پروژه به عنوان داور منتهی به یک نتیجه قابل قبول نگردد، زیرا احتمالاً مشـاور تحت تاثیر خواسته‌های کارفرما قـرار گرفته و توقع رأی عادلانه چنـدان بجا نخواهد بود. چنانچه مهندس مشـاوری غیر از مشاور پروژه انتخاب گردد، این احتمال ضعیف‌تر شـده لکن منتفی نخواهد بود چون بسیار محتمل است که مشـاوران آشـنا با نوع پروژه در پروژه‌ای دیگر توسط کارفرما استخدام شده و لذا ملاحظات مربوط به آینده‌نگری اقتضا می‌نماید در اظهارنظر جانب احتیاط را رعایت نمایند.

برای تقلیل مسایل پیش گفته رجوع به جامعه مهندسان مشاور به جای رجوع به یک شـرکت مهندسی مشاور پیشنهاد می‌گردد. از آنجا که جامعه مهندسان مشاور ایران فعالیت‌های مهندسی را به چند رشته تقسیم نموده و این امر امکان بررسی مسایل تخصصی قراردادی را فراهم می‌نماید، با توجه به جایگاه جامعه مهندسـان مشاور، چنانچه سازوکار ارجاع، رسیدگی و اظهارنظر در اختلافات قراردادی (خصوصاً در مواردی که جنبه فنی تخصصی نیز دارند) تدویـن گردد، می‌توان از ایـن جایگاه برای حل و فصل اختلافات بهـره برد. به این ترتیب اخذ نظریه کارشناسـی کـه می‌تواند به مراتب سـریع‌تر از صدور رأی داوری و حکم دادگاه باشد راهگشا خواهد بود. لازمه این امر تعیین هیأت‌های حل‌اختلاف در جامعه مهندسان مشاور و وجود آئین‌نامه‌ای برای گردش کار این هیأت‌ها می‌باشد.

ضرورت رسیدگی به اختلافات قراردادی ساختمانی به صورت خاص

در کشـور ما حل و فصل اختلافات ناشـی از اجـرای قراردادهای ساختمانی به روش‌های مختلف زیرصورت پذیرفته است:

۱) انجام مذاکره و حصول توافق

۲) توافق بر انجام حکمیت، تعیین حکم مرضی‌الطرفین و اخذ نظر حکـم یا توافق بر انجام داوری، تعیین داوران (شـامل یک داور از هرطرف و یک داور مرضی‌الطرفین) و صدور رأی داوری

۳) رجـوع به دسـتگاه قضائی، طـرح دعـوی در محاکم عمومی (حقوقی) با تقدیم دادخواست و پیگیری تا صدور حکم

چنانچه اشـاره شـد رسـیدگی به دعاوی مربوط به قراردادهای سـاختمانی در محاکم عمومی (حقوقـی) و در چارچوب قوانین مدنـی موجود که بخشـی دارای قدمت نزدیک به یک سـده‌اند به دلیـل تعداد و حجم روزافزون پرونده‌هـا همانند غالب دعاوی عمومـی دیگر دچـار اطاله بوده و گاهی بـه علت پیچیدگی‌های فزاینده اینگونه دعاوی و عدم اشـراف کامل قاضی به ویژگی‌های آنهـا، آرای صادره جامع و مانع نبـوده، فرجام‌خواهی‌های مکرر را موجب شـده‌اند. البته در صورت تشخیص قاضی، امر متنازع فیه به کارشناسی رسمی ارجاع می‌گردیده و نظریه کارشناسی همواره مورد توجه قرار گرفته است.

باید توجه داشـت که اطاله دادرسی در اختلافات ناشی از اجرای پروژه‌ها به علت عدم حل به موقع اختلاف و ایجاد اختلال در روند اجرا، از یک سـو منافع ملی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و از سـوی دیگر موجب ضرر و زیان شخصیت‌های حقیقی و حقوقی می‌گردد. آرای صادره نیز در صورتی که مناسـب حل مشکل نباشند، باعث سلب اعتماد به دستگاه قضائی شده، علاوه بر تطویل زمان وصول به یک راه حل عادلانه، صرف انرژی و توان طرفین دعوی و نهایتا دلسـردی ایشان را نسبت به کار شـرافتمندانه و پیگیری حقوق خود بدنبال دارد.

وجـود انواع مختلـف قراردادها و پیچیدگی‌هـای روابط فیمابین طرف‌های قراردادها اقتضا می‌نمایند که از یک سو قضات دادگاه‌های رسـیدگی‌کننده از امور مهندسی و قراردادی ساخت اطلاع نسبی داشته و از سوی دیگر مسئولان عقد و اجـرای قراردادها اعم از کارفرما، مشاور و پیمانکار ملزم به اطـلاع از مباحـث حقوقی قـراردادی گردنـد. از آنجا که روز به روز تعداد و حجم ریالی قراردادهـا افزایـش می‌یابند و قراردادها تخصصی‌تر می‌شوند، لزوم رسیدگی به دعاوی ناشی از اجـرای ایـن قراردادهـا به صورت تخصصی بیش از پیش احساس می‌گردد. همانگونه که رسـیدگی به دعاوی خانواده یا مطبوعات به صورت ویژه انجام می‌شـود، ضـروری اسـت که رسیدگی به اختلافات و دعاوی

روز بـه روز تعـداد و حجم ریالـی قراردادها افزایـش می‌یابند و قراردادها تخصصی‌تر می‌شوند، لزوم رسیدگی به دعاوی ناشی از اجـرای این قراردادها به صورت تخصصی بیش از پیش احسـاس می‌گردد. همانگونه که رسـیدگی به دعـاوی خانواده یا مطبوعات به صـورت ویژه انجام می‌شـود، ضروری اسـت که رسـیدگی به اختلافـات و دعـاوی قراردادهای سـاختمانی نیـز از این پس در نهادهـای داوری خاص ویا دادگاه‌های خاص صورت پذیرد. بدیهی است در صورت رجوع به نهاد داوری خاص، به علت وجود داوران مسلط به مسایل تخصصی اینگونه قراردادها، وصول به یک راه‌حل عادلانـه و صدور یک رای صائب به مراتب عملی‌تر خواهد بود. در صورت رجوع به دادگاه‌های خاص تقدیم دادخواسـت‌ها سهل‌تر، دوره رسـیدگی در محاکـم خـاص کوتاه‌تر، رسـیدگی به دعاوی تخصصی‌تر و احکام صادره به صواب و صلاح نزدیک‌تر خواهد بود.

قراردادهای ساختمانی نیز از این پس در نهادهای داوری خاص ویا دادگاه‌های خاص صورت پذیرد. بدیهی است در صورت رجوع به نهاد داوری خاص، به علت وجود داوران مسلط به مسایل تخصصی اینگونه قراردادها، وصول به یک راه‌حل عادلانه و صدور یک رای صائب به مراتب عملی‌تر خواهد بود.

در شرایط عمومی پیمان‌های اجرا (Construction)، طرح و ساخت (DesignBuild) و کلید در دست (EPC/Turnkey) فیدیک رجوع به جامعه مشاوران در نظر گرفته نشده و در صورت عدم سازش، امر به داوری یک یا سه نفره محول گردیده است. نحوه انتخاب شخص داور یا هیأت داوری، روش رسیدن به تصمیم داوری و تقاضای تجدید نظر در رای داوری در شرایط عمومی این پیمان‌ها ذکر شده‌اند. چنانچه داوری نهائی و لازم‌الاجرا نشود، ارجاع موضوع اختلاف به اتاق بازرگانی بین‌المللی پیش‌بینی شده است.

در صورت رجوع به دادگاه‌های خاص تقدیم دادخواست‌ها سهل‌تر، دوره رسیدگی در محاکم خاص کوتاه‌تر، رسیدگی به دعاوی تخصصی‌تر و احکام صادره به صواب و صلاح نزدیک‌تر خواهد بود. به طورکلی طرفین قراردادها از رجوع به دادگاه‌ها اکراه داشته و چنانچه امکان حصول به نتیجه از طرق دیگر امکان‌پذیر باشد ترجیح می‌دهند با استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیزتر به حل و فصل اختلافات فیمابین بپردازند. روش‌های پیش‌بینی شده در شرایط عمومی پیمان‌های اجرا، یعنی دو روش رجوع به کارشناسی و رجوع به داوری، که در واقع دو مرجع تخصصی در امر اختلافات ساختمانی تلقی می‌شوند، قابل تعمیم به انواع پیمان‌های رایج در طراحی و ساخت پروژه‌ها می‌باشند.

کانون کارشناسان رسمی با تعیین هیأت‌های کارشناسی متشکل از اعضای خبره و با تجربه در امر قراردادهای مشاوره و پیمانکاری و ارائه نظریه کارشناسی در موضوعات مورد اختلاف می‌تواند کمک شایانی به رفع اختلافات بدون نیاز به ورود به مسیر داوری بنماید. روش داوری نیز کارآمدی و نتیجه بخش بودن خود را به کرات نشان داده و رجوع به نهاد داوری تخصصی می‌تواند به عنوان یک راه حل مطلوب در بسیاری از اختلافات قراردادی مورد استفاده قرار گیرد. اصلاح شرایط عمومی پیمان انواع قراردادهای رایج که در آن شرایط رجوع به داوری، نحوه انتخاب داوران، نحوه صدور رأی، نحوه اعتراض به رأی صادره و بالاخره نحوه اجرای رأی داوری پیش‌بینی شده باشد راه کوتاهی در قانونی نمودن رجوع به داوری است زیرا می‌تواند با ارائه معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی و تصویب هیأت وزیران اجرائی گردد. تاسیس مراجع قانونی مستقل داوری نیازمند تدوین و تصویب قوانین مربوط به ایجاد این نهادها و قوانین داوری بوده و مستلزم اصلاح یا جایگزینی قوانین موجود از طریق مسیر طولانی عبور از سه قوه قضائیه، مجریه و مقننه خواهد بود که در بخش بعدی توضیح داده خواهد شد.

اتاق بازرگانی ایران و اتاق‌های استان‌ها، به دلیل حضور با سابقه در صحنه کسب و کار کشور، با تدوین آئین‌نامه خاص رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای قراردادهای ساخت و با بکارگیری افراد مسلط به مسایل صنعت ساخت و صاحب نظر در موضوع مورد اختلاف می‌توانند به عنوان مرجع تخصصی مهیا و مناسبی برای داوری به منظور حل و فصل اختلافات قراردادی در شرایط عمومی پیمان‌ها نام برده شده و مورد رجوع واقع گردند. این امر نافی تاسیس مراجع داوری مستقل دیگر که تحت قوانین موجود یا موضوعه آتی کشور فعالیت نمایند نمی‌باشد.

ضرورت تدوین قوانین مورد نیاز صنعت ساخت

در بررسی مشکلات رایج بین طرف‌های قراردادها و سوابق دعاوی گذشته ملاحظه می‌شود که یکی از علل بروز این مشکلات ناکافی و نارسا بودن قوانین موجود است. این قوانین که غالباً به دهه‌های دور باز می‌گردند فاقد جامع‌نگری لازم برای پوشش همه روش‌های قراردادی ساخت و پیچیدگی‌های روزافزون این صنعت می‌باشد. خصوصاً به دلیل رشد تکنولوژی‌های ساخت و نیز بروز روابط گوناگون بین ذینفعان مختلف پروژه‌ها، اعم از کارفرما، مشاور، مدیر طرح، تامین‌کننده مالی، پیمانکار اصلی، پیمانکار جزء، تامین‌کننده مصالح، تامین‌کننده تجهیزات، سازنده، نصب‌کننده، بازرس، بهره‌بردار و ...، عدم کفایت این قوانین کاملا احساس می‌گردد. ناگفته نماند که تجربه نشان داده توجه به قوانین موجود با قبول کاستی‌های آنها به مراتب مفیدتر از بی‌توجهی به رعایت آنهاست.

یکی از مثال‌های کمبود در قوانین موجود، عدم پرداختن به مشارکت شخصیت‌های حقوقی در قانون تجارت فعلی است. بزرگی پروژه‌ها، ضرورت همراهی طراحی و اجرا، چند رشته‌ای بودن نوع کارها در پروژه‌ها، ضرورت تأمین مالی پروژه‌ها توسط پیمانکار و وجود ریسک بالای اینگونه پروژه ها اقتضا می‌نماید که چند شخصیت حقوقی روی قالب مشارکت با یکدیگر تفاهم نموده و بر روش اجرای مشارکت با یکدیگر توافق کنند و حاصل این تفاهمات و توافقات را به صورت یک قرارداد مشارکت تنظیم و امضا نمایند. گاهی وضعیت کار حکم می‌کند که یک کنسرسیوم

متشـــکل از شرکت‌هائی که هریک تخصص و توان انجام بخشی از پروژه را دارند تشکیل شود و لذا در اینگونه مشارکت‌ها غالباً سهم کاری اعضا با ســـهم مشارکت آنها منطبق است. گاهی روابط بین اعضا به گونه‌ای است که بر تشکیل یک مشارکت برای انجام یک یـــا چند پروژه برای مدت محدود یا نامحدود به صورت مشـــترک توافق دارند و لذا اقدام به هم‌افزائی قابلیت‌های خود در قالب یک ســـرمایه‌گذاری مشـــترک (Joint Venture) می‌نمایند. گاهی وضعیت اداره پروژه اقتضا می‌کند که شـــرکت پروژه‌ای به منظور انجام یک پروژه مشخص تاسیس و طبعا با تکمیل آن پروژه تصفیه و منحل گردد. قانون تجارت فعلی در باره وضعیت حقوقی و روابط قانونی بین اعضای این نوع مشارکت‌ها ساکت است.

زمانی به پیچیدگی این روابط افزوده می‌شود که یک یا چند عضو مشـــارکت، شرکت غیرایرانی باشند که در آن صورت به علت خلا موجـــود در قوانین ایـــران، با وجود اجرای پـــروژه در داخل، ناچار بایستی به قانون حاکم دیگری تن داد و اصولاً تعیین قانون حاکم و توافـــق روی آن به صورت یکی از مشـــکلات اصلی عقد قرارداد مشارکت در می‌آید.

بدین ترتیب بازنگری قوانین موجود و تدوین قوانین جامع‌تری که پاسخگوی نیازهای امروز صنعت ساخت باشد ضرورت می‌یابد. به علاوه همانطور که گفته شد لازمه رفع مطلوب اختلافات قراردادی ایجاد نهادهای اختصاصی رســـیدگی به دعاوی خاص قراردادهای ساخت می‌باشد که بایستی قوانین مربوط به آنها نیز تهیه و اجرائی گردند.

تأســـیس نهادهـــای داوری تخصصی و تشـــکیل دادگاه‌های ویژه نیازمنـــد طـــی مراحل قانونی تنظیم لایحه توســـط قـــوه قضائیه، طرح در هیأت دولت توســـط وزیر دادگســـتری، تصویب لایحه در هیأت دولت، تقدیم لایحه به مجلس شـــورای اســـلامی، پیگیری امر در کمیسیون حقوقی مجلس، طرح در صحن مجلس، تصویب نمایندگان، ارسال مصوبه مجلس به شورای نگهبان، تأیید شورای نگهبان، عودت مصوبه به مجلس و نهایتاً ابلاغ آن به دولت خواهد بود. در صورتی که شورای نگهبان به مصوبه مجلس ایرادی را وارد بداند، آن را برای اصلاح به مجلس عودت می‌دهد و اگر مجلس و شـــورای نگهبان به توافق نرسند، مصوبه مجلس و ایرادات شورای نگهبان به مجمع تشـــخیص مصلحت ارســـال می‌گردد تا مصوبه نهائی توســـط مجمع ابلاغ گردد. سیر قانونی پیش گفته مستلزم سال‌ها صرف وقت از زمان مطالعه و تنظیم تا اجرائی شدن قانون است. همانطور که گفته شد ضرورت ایجاب می‌نماید که این سیر هرچه زودتر آغاز گردد.

بدیهی است برای تدوین این قوانین بایستی از کارگروه‌هائی بهره گرفت که متشـــکل از نمایندگان سه قوه و مشاوران و پیمانکاران باشـــند تا علم و تجربه همه دست‌اندرکاران امر مورد استفاده قرار گرفته راه برای تصویب، ابلاغ و اجرای آنها هموار گردد.

نقش تشکل های صنعت ساخت

در حال حاضر تشکل‌هائی در زمینه‌های مختلف صنعت ساخت در کشـــور ما وجود دارند که قدمت برخی از آنها به بیش از نیم قرن می‌رســـد. احتمالاً قدیمی‌ترین آنها سندیکای (انجمن) شرکتهای ساختمانی و مؤثرترین آنها شاید پنج انجمن صنفی موجد مؤسسه تحقیق و توسعه صنعت احداث به شرح زیر باشند:

۱ انجمن شرکتهای ساختمانی
۲ انجمـــن صنفی شـــرکتهای پیمانکار تاسیسات و تجهیزات صنعتی ایران
۳ جامعه مهندسان مشاور ایران
۴ انجمـــن صـــادر کننـــدگان خدمات فنی و مهندسی ایران
۵ انـــجمـــن شـــرکـــتهـــای مهندسی و پیمانکاری نفت ،

یکـــی از مثال‌های کمبـــود در قوانیـــن موجود، عـــدم پرداختن به مشارکت شخصیت‌های حقوقی در قانون تجارت فعلی است. بزرگی پروژه‌ها، ضرورت همراهی طراحی و اجرا، چند رشته‌ای بودن نوع کارهـــا در پروژه‌ها، ضرورت تأمین مالی پروژه‌ها توســـط پیمانکار و وجود ریســـک بـــالای اینگونه پروژه ها اقتضـــا می‌نماید که چند شخصیت حقوقی روی قالب مشارکت با یکدیگر تفاهم نموده و بر روش اجرای مشارکت با یکدیگر توافق کنند و حاصل این تفاهمات و توافقات را به صورت یک قرارداد مشارکت تنظیم و امضا نمایند.

گاز و پتروشیمی.
علاوه بر اینها دهها تشکل دولتی و غیردولتی در صنعت ساختمان تاسیس شده‌اند که هر یک در ارتقای این صنعت و بهبود روابط بین طرف‌های درگیر و دفاع از حقوق صنفی اعضای خود مؤثر بوده‌اند. زمانی تشکل‌های صنعت ساخت نقش واقعی خود را ایفا می نمایند که دارای اهداف روشن و انگیزه های کافی باشند و نظام حکومتی نیز جایگاه تعریف شده‌ای برای ایشان قائل بوده، از توانمندیهای بالقوه تشکل‌ها در راستای تحقق اهداف اسناد بالادستی نظام بهره جوید.

تشکل‌های صنعت ساخت می‌توانند در ارتباط با تدوین قوانین مورد نیاز صنعت ساخت، تنظیم نمونه قراردادهای این صنعت و روش‌های رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای این قراردادها، نقش‌آفرین باشند. در واقع متولیان این صنعت اعم از جایگاه کارفرمائی، مشاوره و پیمانکاری دهه‌هاست که با مسایل مختلف اجرای پروژه‌های ساخت درگیر بوده، مستندات و تجربیات فراوانی در این راستا اندوخته‌اند. این سرمایه گرانقدر می‌تواند در اختیار متولیان امر قضا قرار گیرد و در تدوین قوانین مربوطه توسط قوه قضائیه به کار رود. از آنجا که قوانین رسیدگی به دعاوی قراردادهای ساخت در محاکم خاص بایستی توسط قوه قضائیه تنظیم و در هیأت دولت بررسی و تصویب و نهایتاً به صورت لایحه تقدیم مجلس شورای اسلامی شود، حضور نمایندگان این تشکل‌ها در کنار قوای قضائیه، مجریه و مقننه در مسیر تصویب، ابلاغ و اجرای این قوانین ضروری بوده و فواید زیر را در بر خواهد داشت:

۱ تاثیرگذاری بر تنظیم قوانین با نگرش چند جانبه
۲ کمک به توجیه عوامل مؤثر در تصویب، ابلاغ و اجرای قوانین
۳ کمک به توجیه عوامل دخیل در اجرای قراردادهای ساختمانی (کارفرما مشاور پیمانکار)
۴ تاثیرگذاری بر روند صحیح و روان اجرای این قوانین در مراحل عقد قراردادها، اجرای کار و حل اختلافات احتمالی

مؤسسه تحقیق و توسعه صنعت احداث به عنوان تشکلی نسبتاً فراگیر با اهداف تعریف شده می‌تواند بخش بزرگی از دست‌اندرکاران صنعت ساخت در حیطه مشاوره و پیمانکاری را در فرایند تقنین نمایندگی نموده در آسیب‌شناسی اختلافات حقوقی قراردادی و در تنظیم، اطلاع‌رسانی و اصلاح قوانین آتی نقش ارزنده‌ای ایفا نماید.

گاهی وضعیت کار حکم می‌کند که یک کنسرسیوم متشکل از شرکت‌هائی که هریک تخصص و توان انجام بخشی از پروژه را دارند تشکیل شود و لذا در اینگونه مشارکت‌ها غالباً سهم کاری اعضا با سهم مشارکت آنها منطبق است. گاهی روابط بین اعضا به گونه‌ای است که بر تشکیل یک مشارکت برای انجام یک یا چند پروژه برای مدت محدود یا نامحدود به صورت مشترک توافق دارند و لذا اقدام به هم‌افزائی قابلیت‌های خود در قالب یک سرمایه‌گذار مشترک (Joint Venture) می‌نمایند.

انجمن شرکت‌های ساختمانی در صورت بهره‌مندی از مشاوران حقوقی و ایجاد کمیته‌ای حقوقی علاوه بر مشارکت مؤثر در تدوین قوانین و اصلاح شرایط عمومی پیمان‌ها، می‌تواند به ایجاد و پایداری کمیسیون های حل‌اختلاف در وزارتخانه‌ها خصوصاً راه و شهرسازی، صنایع و معادن، نفت و نیرو کمک نماید. به علاوه انجمن با بکارگیری کارشناسان خبره و مسلط به مسایل حقوقی قراردادی می‌تواند در صورت درخواست شرکت‌های عضو نمایندگی ایشان را در هیأت‌های داوری بنماید. این کارشناسان به لحاظ داشتن تجربه و آشنائی به نکات خاص پیمانکاری قادر خواهند بود در هنگام بروز اختلاف از حقوق اعضا دفاع و این حقوق را استیفا نمایند. البته چنانچه ارائه خدمات مزبور به خوبی انجام شود دریافت ما به ازای این خدمات از اعضا برای انجمن نیز مفید خواهد بود. نقش مهم دیگری که برای انجمن شرکت‌های ساختمانی متصور است حل و فصل اختلافات احتمالی بین اعضا می‌باشد. به عنوان مثال می‌توان به اختلاف بین اعضای مشارکت‌های پیمانکاری و اختلاف بین دو یا چند پیمانکار فعال در یک طرح یا پروژه اشاره نمود. ایجاد کمیسیون‌های موردی حل اختلاف در این رابطه مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

قدردانی: نگارنده از جناب آقای محمد کریم مشرف مشاور حقوقی قراردادی و مدیر اسبق دفتر حقوقی سازمان آب تهران به خاطر راهنمائی‌های ارزنده و بازخوانی متن مقاله تشکر می‌نماید.

پاگرد

پاگرد در راه‌پله‌ها، زمینه‌ساز فراغتی کوتاه برای انسان از فشار ناشی از بالا رفتن از پله‌ها است و این پاگرد در مجله.....

کمیسیون انتشارات

روزی جوان جویای علم، نزد اســتاد دانشمند و با کمالاتی رفت و از او پرسید: من خیلی از مرگ می‌ترسم، این ترس همیشه و از بچگی با من بوده، نمی دانم چه کنم. شما می توانید به من بگویید چرا، من که زندگی خوبی دارم، کاری به کسی ندارم و دارم زندگی خودم را می کنم، چرا باید از این افکار رنج ببرم؟

استاد در جواب گفت : چه کسی به تو گفته که توداری زندگی می کنی؟

جوان مدتی فکر کرد و گفت:چون زنده‌ام؛ نفس می‌کشم؛ حرف می‌زنم؛ راه می‌روم و تصمیم می‌گیرم.

استاد ادامه داد: دقیقاً به همین دلایلی که می‌گویی زندگی نمی‌کنی، بلکه فقط زنده هستی. علایمی که تو از آن یاد می‌کنی، دلیل بر زنده بودن است؛ اما زنده بودن دلیل بر زندگی کردن نیست.

جوان پرسید: پس چگونه باید زندگی کنم؟

از کجا بدانم که دارم زندگی می‌کنم یا فقط زنده‌ام؟

استاد در پاسخ گفت: نعمت زندگی همانند چشمه نوری است که از درون، وجود تو را نورانی می‌کند، زمانی که تو از این منبع نورانی، زندگی دیگران را هم نورانی کردی و در ظلمت و تاریکی آنها، شــمع امیدی در دلشان روشن نمودی، آن زمان است که با تقسیم نور دلت، به راستی زندگی می‌کنی. از علایم این کرامت تو، آن است که لبخند شادی را بر لبان انسان‌های محتاج بنشانی، خوشبختی آنها را شاهد باشی، آنها را از بند برهانی و حس کنی که در شادی آنها شریک هستی، اما.....

اما کسی که تمام خوبی‌ها، شادی‌ها، ثروت‌ها و خوشبختی‌ها را برای خودش بخواهد و کسی را در آنها سهیم نسازد، در واقع مرده است.

جوان به سخنان استادش گوش داد، اما هنوز جواب یک سؤال برایش مبهم بود.

پس پرسید: چه کسی مرا در شادی‌ها، خوبی‌ها و ثروتش با خود شریک می‌سازد؟

استاد از این سؤال لبخندی زد و ادامه داد: تا زمانی که آن چشمه نورانی در دل تو روشن است، تو احساس شادی و خوشبختی خواهی نمود و در واقع روشن شدن آن نور به معنی این است که تو مورد نظر و توجه واقع شده‌ای. وقتی دل تو نورانی و روشن است، تو دیگر احساس نیازی به نور نخواهی کرد؛ چرا که تو خود منبع نوری،پس آن زمان از مرگ بیمی نداشته باش؛ چرا که تو همیشه زنده‌ای و زندگی خواهی کرد.

- **هیچ چیز ویرانگرتر از این نیست که متوجه شویم کسی که به آن اعتماد داشته‌ایم عمری فریبمان داده است...**

- **در جهان تنها یک فضیلت وجود دارد و آن آگاهی است. و تنها یک گناه، و آن جهل است.**

- محبت همه چیز را شکست می دهد و خود شکست نمی‌خورد. (تولستوی)
- ما ندرتاً دربارهٔ آنچه که داریم فکر می‌کنیم، درحالیکه پیوسته در اندیشهٔ چیزهایی هستیم که نداریم (شوپنهاور)
- لحظه‌ها را گذراندیم که به خوشبختی برسیم؛ غافل از آنکه لحظه‌ها همان خوشبختی بودند (علی‌شریعتی)
- تمدن، تنها زاییده اقتصاد برتر نیست، در هنر و ادب و اخلاق هم باید متمدن بود و برتری داشت. (لویی پاستور)
- باید دنبال شادی‌ها گشت چون غم‌ها خودشان ما را پیدا می‌کنند. (فردریش نیچه)
- کمربند سلطنت، نشان نوکری برای سرزمینم است نادرها بسیار آمده‌اند و باز خواهند آمد اما ایران و ایرانی باید همیشه در بزرگی و سروری باشد این آرزوی همه عمرم بوده است. (نادر شاه افشار)
- اگر در اولین قدم، موفقیت نصیب ما می‌شد، سعی و عمل دیگر معنی نداشت. (موریس مترلینگ)
- بهترین چیزها زمانی رخ می‌دهد که انتظارش را نداری. (گابریل گارسیا مارکز)
- لازم نیست گوش کنید، فقط منتظر شوید. حتی لازم نیست منتظر شوید، فقط بیاموزید آرام و ساکن و تنها باشید. جهان آزادانه خود را به شما پیشکش خواهد کرد تا نقاب از چهره‌اش بردارید انتخاب دیگری ندارد؛ مسرور به پای شما در خواهد غلطید. (فرانتس کافکا)
- گنجی که در اعماق نامحدود شما حبس شده است، در لحظه‌ای که خود نمی‌دانید، کشف خواهد شد. (جبران خلیل جبران)
- اگر جانت در خطر بود به جای پنهان شدن بکوش همگان را از گرفتاری خویش آگاه سازی. (ارد بزرگ)
- کسی که دارای عزمی راسخ است، جهان را مطابق میل خویش عوض می‌کند. (گوته)
- پیروزی آن نیست که هرگز زمین نخوری، آنست که بعد از هر زمین خوردنی برخیزی. (مهاتما گاندی)
- بیشترین تأثیر افراد خوب زمانی احساس می‌شود که از میان ما رفته باشند. (امرسون)
- از دیروز بیاموز. برای امروز زندگی کن و امید به فردا داشته باش. (آلبرت انیشتن)
- انسان باید از هر حیث چه ظاهر و چه باطن، زیبا و آراسته باشد. (چخوف)
- تمام افکار خود را روی کاری که دارید انجام می‌دهید متمرکز کنید. پرتوهای خورشید تا متمرکز نشوند نمی‌سوزانند. (گراهام بل)

مادری برای بیدار کردن پسرش به بالین او رفت.
مادر: پسرم بلند شو. وقت رفتن به مدرسه است.
پسر: مامان؟ من نمی‌خوام برم مدرسه.
مادر: دو دلیل به من بگو که نمی‌خوای بری مدرسه.
پسر: اول اینکه همه بچه‌ها از من بدشان می‌آید. دوم، همه معلم‌ها نیز نسبت به من احساسی شبیه به دانش‌آموزان دارند.
مادر: آه خدای من! این که دلیل نمی‌شود. زود باش تو باید به مدرسه بروی.
پسر: مامان دو دلیل برایم بیاور که من باید به مدرسه بروم؟
مادر: اول، تو الآن پنجاه و دو ساله هستی. دوم اینکه تو مدیر مدرسه هستی.

نگاهی به وضعیت شهری در کشـــورهای جنوب

مهندس مجتبی ضرابی / عضو کمیسیون انتشارات

در اغلب کشـــورهای جهان ســـوم، یک شـــهر یا یـــک پایتخت یا یـــک بندر بزرگ، تمام امکانات اقتصادی و اجتماعی کشـــور را به خـــود اختصاص داده و تقریباً دیگر شـــهرهای بزرگ و کوچک آن کشـــور را از توســـعه باز می‌دارد. یعنی توسعه یک شهر به قیمت توســـعه نیافتگی و عقب‌ماندگی سایر مناطق کشور تمام می‌شود. به طوریکه سایر شهرهای درجه اول کشور در مقایسه با کلانشهر، کوچـــک و کم‌اهمیت جلـــوه می‌کند. معمولاً شـــهرهای بزرگ در کشورهای جهان سوم از خصوصیات زیر بهره‌مند است.

۱ـ بیشترین سهم از سرمایه‌های یک کشور را به خود اختصاص می‌دهـــد.۲ـ مســـیرهای بزرگ مهاجرتی را به ســـوی خود هدایت می‌کنـــد.۳ـ نفوذ عمیق در الگوهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشـــور دارد.۴ـ میزان مصرف آن در مقایسه با سایر شهرها، بسیار بالاســـت. ۵ـ هرنوع الگوهای روش ســـنتی و فرهنـــگ وارداتی از دروازه‌های آن وارد کشورها می‌شود. ۶ـ در توسعه و پیشرفت سایر شهرهای بزرگ تأثیرات منفی دارد و چه بسا که آنها را در حالت توقف و رکـــود نگه می‌دارد. ۷ـ فـــرودگاه، هتل‌ها، خیابان‌ها و مغازه‌هایش نظیر معروفترین و ثروتمندترین شـــهرهای جهان پیشرفته به نظر می‌رسد. اغلب کشورهای آسیایی، در نخستین مرحله توسعه، همه تلاش خود رابه اداره و توسعه یک شهر به کار می‌گیرند و یا از نظر اداری و سیاسی همه امکانات را در یک شهر بزرگ جمع می‌کنند تا از عهده اداره سازمانهای تولیدی و اداری برآیند. البته ممکن است که کشورهای پرجمعیت آسیا مثل چین و هند به جای یک شهر بزرگ دارای چند شهر پرجمعیت باشند اما باز برتری اقتصادی و فرهنگی یک شهر بر سایر شهرها سایه‌افکن می‌باشد.

بررسی ها نشان می‌دهد که برخی از کلانشهرها نقش انگلی دارند و برخی دارای نقش توســـعه‌دهنده می‌باشند. شهر انگلی، شهری اســـت که بیشتر مصرف‌کننده باشـــد. هر چند در مقیاس محدود به تولید نیز دســـت بزند. اما شـــهری می‌تواند نقش توسعه‌دهنده را داشته باشـــد که برخورد آن بامسائل اقتصادی زمان، منطقی و به نفع جامعه شهری تمام شود. چنین شهری با تشکیلات منظم اجتماعی و اقتصادی قادر اســـت شهرکها و روستاهای دیگر کشور را نیز توسعه بخشد.

همانطوری که اشاره شد بزرگترین شهر در کشورهای آسیایی، همه امکانات را در خود جای می‌دهد. دارای خیابان‌های وسیع، پارکها، اگوی شهری، برق کافی، آب سالم و مدارس و دانشگاه‌هاست اما این یک هشدار است در برابر این بخش پررونق و زیبا در بخش مقابل آن، در خیابان‌هـــا و کوچه‌های تنگ و باریک به کودکان بی‌کس و آواره برخورد می‌کنیم که مســـئولیت نگهـــداری خواهر یا برادر کوچکتر از خود را نیز دارند. این کودکان که خود و خانواده‌شـــان اغلب مهاجران روستایی می‌باشـــند از والدینشان فرمان نمی‌برند امـــا از جامعه شـــهری و قوانین آن می‌ترســـند. در این بزرگترین شـــهرها، جوانان مهاجر خســـته و درمانده به نظر می‌رسند پس از مدتها در جستجوی کار مداوم و عدم دستیابی به آن. بیکاری‌های فصلی آزارشان می‌دهد. گاهی ناهارشان را در همان گوشه خیابان می‌خورند. از رفتن به خانه خود گریزانند و در شـــهر به این ســـو و آن سو کشیده می‌شـــوند و چه بسا که به کارهای مجرمانه دست می‌زنند. کم‌غذایی و ســـوء تغذیه این جوانـــان را همواره رنجور و خواب‌آلود نشـــان می‌دهد هرچند که جوانان مهاجر در بزرگترین و ثروتمندترین شـــهر یک کشور زندگی می‌کنند اما برای سالیان دراز نمی‌توانند خود را با شـــهر هماهنگ کنند و همواره احساس بیگانگی می‌کنند.

براساس نظر برخی از نظریه‌پردازان اجتماعی، کشورهایی که دارای یک کلانشـــهر و یا یک شهر بســـیار بزرگ می‌باشند معمولاً جزو کشورهایی هستند که تا این اواخر از جهات سیاسی و اقتصادی به کشورهای دیگر وابسته بوده‌اند.

شهرهای بزرگ جهان سوم، با شتاب فزاینده‌تر از شهرهای ممالکت صنعتی، توســـعه می‌یابند. چنانکه در ســـال ۱۹۵۰، در کشورهای جهان سوم تنها یک شهر یعنی بوئنوس آیرس بیش از ۴ میلیون نفر جمعیت داشـــت. این رقم در ســـال ۱۹۶۰ به ۸ شهر رسید در همان زمان کشـــورهای صنعتی دارای ۱۰ شهر بیش از ۴ میلیون نفر جمعیت بودند. ســـال ۱۹۸۰، در کشـــورهای جهان سوم، ۲۲ شهر بیش از ۴ میلیون نفر جمعیت داشت در حالی که این نسبت در کشورهای صنعتی و پیشرفته به ۱۶شهر بالغ گشت.

جهت آشنایی با حقایقی که تاکنون در تاریخ بشر دیده نشده است نسبت جمعیت حاشیه‌نشین و زاغه‌نشین شهرهای جهان سوم را نسبت به جمعیت شهری، در پاره‌ای از شهرها ذکر می‌کنیم:

شـــهرهای: کلکته ۶۷درصد، بوگوتا ۶۰درصـــد، بمبئی ۴۵درصد، کاراکاس ۴۲درصد، لیمـــا ۴۰درصد، مانیل ۳۵درصد، ریودوژانیرو ۳۰درصـــد، جاکارتا ۲۶درصـــد، و در کراچـــی ۲۳درصد جمعیت شهری در زاغه‌ها و بخش حاشیه‌نشین زندگی می‌کنند. چنین به نظر می‌رسد که در آینده نزدیک نصف جمعیت شهری دنیا، ساکن حلبی‌آبادها و گتوها خواهند بود.

به مرور در کشـــورهای جهان سوم، زیستگاه انسان توانایی خود را از دســـت می‌دهد. محیط زیست آلوده می‌شود، خاکها بازده خود را از دســـت می‌دهند، جنگل‌ها و فضاهای ســـبز نابود می‌گردد و بیابانها وســـعت می‌یابد. بدینســـال پیش‌بینی می‌شـــود در آینده شـــهرهای جهان ســـوم به اردوگاه فقیران دنیـــا تغییر نقش دهد. چشم‌اندازهای شهری دگرگون شـــود و از هم‌اکنون این سئوالات مطرح می‌گردد: صدها میلیون شهرنشـــین در کدام پســـت شغلی به کار گرفته می‌شوند؟ چند صد میلیون نفر از شهرنشینان بیکار خواهند بود؟ زمانی که نصف جمعیت شهری ساکن گتوها باشند شهر چه منظره‌ای خواهد داشت؟ مسائل گوناگون شهری چه سایه ســـنگینی بر شهر خواهد افکند و بالاخره در شهرهای جهان سوم چند ده میلیون دستفروش خواهیم داشت؟

در ایران که در سال ۱۲۸۵ شمسی جمعیت آن حدود ۱۲ میلیون نفر بوده اســـت، فقط ۲۰درصد مردم در شهرها سکونت داشته‌اند. یعنی کل جمعیت ســـاکن در شـــهرها، دو میلیون و چهارصدهزار نفر بوده که این آمار در سال ۱۳۸۵ (یکصدسال بعد) که جمعیت آن حدود ۷۰میلیلون نفر شـــده، آمار شهرنشینی هم به ۶۶درصد رســـیده؛ یعنی جمعیت مردم شهرنشـــین ایران در سال ۸۵ طبق آمارهای اساسی به ۴۶ میلیون نفر رسیده است. بدیهی است برای هجوم چنین جمعیتی به شهرها اگر چه تعداد شهرها نیز افزایش یافته اما کیفیت زندگی در آنها پیشـــرفت چشـــمگیری نداشـــته اســـت، لذا سیل جمعیت به ویژه گروه جوانان جویای کار به سوی پایتخت که امکانات و اشـــتغال در آنجا بیشتر بوده سرازیر شده و ما شاهد وضعیت انفجاری جمیعت در پایتخت هستیم که به نوبه خودمسائل گفته شده را در پی داشته است.

خوشبختانه دولت‌های پس از انقلاب اسلامی به این مسئله توجه خاص مبذول داشـــته‌اند اما هنوز تا رســـیدن بـــه مرزهای کیفیت استاندارد زندگی در کشورهای توسعه یافته فاصله زیادی داریم.

طرح پیشنهادی ارتقای جایگاه و وظایف انجمن شرکت‌های ساختمانی

مهندس محمد کنگانی / عضو کمیسیون انتشارات

مقدمه :سندیکای شرکتهای ساختمانی نمایندگی جمع کثیری از شرکتهایی را بر عهده دارد که اساس فعالیت آنها پروژه محوری است . سیاست های توسعه ای طی سالیان گذشته در امر احداث زیر ساخت ها و تاسیسات زیر بنائی به همراه درخواست و حمایتهای دولت در این راستا ، موجبات جذب و استمرار حضور شرکت های پروژه محور به ویژه شرکتهای ساختمانی در پروژه های عمرانی گردید.

طی سالیان گذشته ، کاهش اعتبارات عمرانی به همراه افزایش تعداد شرکتهای ساختمانی در سطح کشور و مهم تر از آن واگذاری بخش عمده ای از پروژه های عمرانی به شرکتها و ارگانهای دولتی و شبه دولتی ، موجب گردید که شرکتهای ساختمانی صرفا" بتوانند در بخش بسیار کوچکی از حجم کلان پروژه های عمرانی حضور داشته باشند ، حضوری که عملا" با افزایش قیمت ها ، کاهش حجم اعتبارات تخصیص یافته و عدم پرداخت کارکردهای پیمانکاران متناسب با پیشرفت پروژه موجبات بدهی شرکتهای ساختمانی به اشخاص ثالث و سیستم بانکی را فراهم آورده در حالیکه از پرداخت مطالبات پیمانکاران خبری نمی باشد.

بنا به گفته یکی از مدیران سازمان مدیریت و برنامه ریزی تعداد بیست هزار شرکت رتبه بندی شده در کشور وجود دارد و چهل و هشت هزار شرکت دیگر در مرحله دریافت رتبه بندی از سازمان مدیریت می باشند ، از سوئی دیگر بنا به گفته یکی از اقتصاددانان که سقف اعتبارات عمرانی در سال ۱۳۹۰حدود ده درصد کل بودجه می باشد . که با فرض تخصیص صد در صد اعتبارات عمرانی مصوب و تقسیم کل اعتبارات عمرانی بین شصت و هشت هزار شرکت ساختمانی ، آیا رقم سرانه ناخالص حاصله ، از قابلیت پوشش هزینه های دفتری این شرکتها را برخوردار است ؟ قطعا" پاسخ منفی است .

در حالی که بخش مسکن سی و پنج درصد اقتصاد کشور را به خود اختصاص داده و بیش از پنجاه و پنج درصد اقتصاد کشور به طور مستقیم بر پایه صنعت احداث استقرار است ، و تنها بخش کوچکی از فعالیتهای عمرانی کشور در قالب پروژه های عمرانی دولت تعریف شده اند . آیا شرکتهای ساختمانی توانسته اند در اجرای پروژه های غیر دولتی و خصوصی از نقشی موثر و گسترده برخوردار باشند ؟ و یا اینکه به علت سیاست‌گذاری های نادرست و عدم نظارت بر این بخش از فعالیت های عمرانی ، یک بناء و یا به اصطلاح معمار تجربی احداث هر گونه ساختمان ، راه ، پل و ..... بدون هیچگونه کنترل و نظارتی را عهده می باشند .

از آنجا که در تمامی کشورهای پیشرفته و یا در حال توسعه انجمن های صنفی و یا سندیکاها برنامه‌ریزی و تنسیق امور صنف و ایجاد و توسعه بازار کار برای اعضاء در اختیار دارند و در چهارچوب سیاستها و برنامه‌های کلان توسعه ملی حرکت می‌نمایند .

با توجه به جایگاه صنعت احداث در اقتصاد کشور ، انجمن های صنفی مرتبط با صنعت احداث در جایگاه اصلی و واقعی خود قرار ندارند به گونه ای که اینک انجمن ها فقط با حدود ۳۰ درصد از ظرفیت های موجود به فعالیت ادامه می دهند. که آنهم در ارتباط با پروژه های عمرانی و دولتی است . و سایر ساخت و سازها را در بخش خصوصی، در بر نمی‌گیرد. شرایط جغرافیایی ویژه با موقعیت قرار گرفتن کشور در محدوده دو کمربند شمالی و جنوبی زلزله و وقوع زلزله های سهمگین که علاوه بر ورود خسارات مالی بسیار کلان ، خسارات جانی زیاد و جبران‌ناپذیری را به همراه داشته است . با چنین مختصات ضروری است که امر ساخت و ساز در قالب صد در صد تخصصی و از طریق شرکتهای ذیصلاح و رتبه بندی شده صورت گیرد که در راستای نیل به این مهم لازم است که انجمن های مرتبط با صنعت احداث در جایگاه حقیقی و واقعی خود قرار گرفته و ضمن تدوین و ارائه برنامه‌های خود به مراجع ذیصلاح امر تایید صلاحیت، رتبه‌بندی و صدور پروانه اشتغال اعضای خود را با نگرش به نیازهای روز جامعه عهده‌دار گردد. لذا صدور پروانه کار شرکت های ساختمانی و رتبه بندی آنها بایستی از طریق انجمن صورت گیرد . که با توجه به توانمندی و تمایل شرکتها در امر فعالیت در داخل و خارج از کشور می توان آنها را به ترتیب زیر طبقه بندی نمود:

۱- انواع پروژه ها

۱-۱- پروژه های درون مرزی ۱-۲- پروژه های برون مرزی

۱-۱- پروژه های درون مرزی

۱-۱-۱- پروژه های دولتی ۱-۱-۲- پروژه های خصوصی

۲- روش های اجرای کار

۲-۱- طراحی ۲-۲- طرح و ساخت

۲-۳- ساخت ۲-۴- طرح و ساخت و سرمایه گذاری

۳- تخصص ها

۳-۱- پیمانکاری دولتی

۳-۲- پیمانکاری خصوصی

۳-۳- انبوه سازی

۳-۱- پیمانکاری دولتی

۳-۱-۱- پیمانکار ابنیه

۳-۱-۲- پیمانکار راه و تونل

۳-۱-۳- پیمانکار رسته آب

۳-۱-۴- .....

.....

.....

۳-۲-ی-

۳-۲- پیمانکار خصوصی

۳-۲-۱- پیمانکار ابنیه سبک

۳-۲-۲- پیمانکار ابنیه سنگین

۳-۲-۳- پیمانکار صنعتی

۳-۲-۴- .....

.....

.....

۳-۳-ی-

۳-۴- انبوه سازی

۳-۳-۱- سازنده

۳-۳-۲- سرمایه گذار

در دیـــدار اعضای انجمن با اعـــضای کـــمیسیـــون عـــــمران مجلس مـــــطرح شد:

هدایت مدیریت به سمت سرمایه گذاری؛ لازمـــه شـــرایـــط جـــدیـــد

روز چهارشنبه ۲۰ مهرماه مهندس مقیمی و مهندس اولیاء اعضای کمیسیون عمران مجلس، مهندس شهرام حلاج عضو مرکز پژوهشهای مجلس، و دکتر بهمن آرمان مهمان انجمن شرکتهای ساختمانی بودند. مهندس اکبری و مهندس فدایی از کانون سراسری، مهندس ملکیانی فرد، مهندس خوانساری، مهندس نوروزی، مهندس دادمان، مهندس ضرابی و دکتر علیزاده از دیگر حاضران در این جلسه بودند.

در ابتدای این جلســه مهندس ملکیانی فرد عنوان کردند:
چنــد روز قبل درباره لایحه طرح نظــام پیمانکاری که در مجلس مطرح شــده اســت خدمت مهندس اولیاء بودیم. ایشان معتقد به بازنگــری در چهارچــوب کل نظام فنی و مهندســی و جمع‌بندی خواسته‌های انجمنهای شــاغل در صنعت احداث بودند و یک ماه فرصت قائل شدند تا روی آن کار شود. نظام مهندسی بر این عقیده بــود که ما می‌خواهیم نظامی مــوازی آن ایجاد کنیم در حالی که نظام مهندسی روی همه مسائل پیمانکاری اشراف ندارد. از سویی این اشــکال بر آن وارد اســت که به نوعی تداعی‌کننده واحدی از دولت تشــکیلات دولتی را متبادر به ذهن می‌ســازد. درباره طرح نظــام پیمانکاری هم فکر کردیم اســم نظام روی آن نباشــد بهتر است چون خواسته همه انجمنهای شاغل در صنعت احداث داشتن جایگاه قانونی برای دفاع از شرایط خود است.

انجمــن ما تابــع قانون ۱۰۱ وزارت کار اســت. اصــولا انجمنهای پیمانکاری همه ثبت وزارت کار هســتند و جامعه مشــاوران ثبت وزارت کشور. البته اخیرا ما برای ثبت شدن در اتاق بازرگانی اقدام کردیم چون اتاق تریبون خوبی برای پیگیری مســائل ملی است. در بخش سازندگی مملکت منافعی عکس منافع ملی وجود ندارد.
مهندس مقیمی در ادامه عنوان کردند: در ســالهای قبل به بودجه عمرانی و نقدی کشور وابسته بودیم. بودجه‌ای که در قانون می‌آمد و نشان می داد درآمد و هزینه چقدر است. در واقع منابع محدودی در اختیار دولت بود. الان منابع مختلفی در اختیار دولت است که میتواند از آن برای انجام کار حداکثر استفاده را ببرد. ضمن این که با بالا رفتن قیمت نفت درآمد هم بالا رفته است.
در برنامه چهارم با تعبیه حســاب ذخیره ارزی تا ۵۰ درصد از مازاد درآمــد ارزی بــه بخش خصوصی داده می‌شــد. بقیــه آن هم با مصوبات دولت و مجلس در جای دیگر هزینه می‌گردید. ســال گذشــته تصویب شد ۲۰ درصد از درآمدها به حساب صندوق توسعه ملی برود، که طبق اساسنامه آن ۲۰ درصد از درآمدهای نفتی برای کار در بخش خصوصی اختصاص یافته است. این پول فقط در اختیار بخش خصوصی و شهرداریها قرار می گیرد که به صورت وام ارزی از آن اســتفاده کنند. البته ۱۰ درصد از آن نیز به صورت ریالی در اختیار وزارت کشاورزی قرار می‌گیرد.

بر اساس قانون اساسی ما می توانیم از امکانات ارتش و سپاه برای بعضی کارها در زمان صلح اســتفاده کنیم. ولی این به آن معنی نیســت که همه کارها به آنها واگذار شــود. اگر کشور احتیاج به حضور این نیروها داشته باشد با اجازه مقام رهبری می توان کارها را به این بخش ارجاع داد در حالی که ما داریم عکس آن را انجام می‌دهیــم یعنی کار را به آنها ارجــاع میدهیم و اگر کاری اضافه آمد به بخش خصوصی واگذار می کنیم که این خلاف قانون است

این منبع مطمئن در اختیار بخش خصوصی است تا با آن کار کند. در قانونهای بودجه قبلی برای اجرای اصل ۴۴ پول به حساب خزانه می‌رفت وصرف حقوق و اضافه کار و مزایا و گاهی هم صرف سهام عدالت می شد. ولی ما در بودجه ۸۹ پیشنهاد کردیم ۵ هزار میلیارد تومان از سهامی که دولت می‌خواهد واگذار کند در اختیار پیمانکاران بخش خصوصی قرار گیرد تا با آن کار انجام دهند. متاسفانه دولت سال قبل زیاد متوجه اهمیت این موضوع نشد، بخش خصوصی هم که خیلی به دولت اعتماد نداشت پیگیراین امر نشد. بنابرین با وجود تصویب این قانون تا آذرماه دستورالعمل آن بیرون نیامد.

سال گذشته نتوانستیم خیلی خوب از این قانون استفاده کنیم و فقط یک و نیم میلیارد دلار به عنوان طلب شرکتهایی که با وزارت نیرو کار می‌کردند هزینه شد. امسال دولت متوجه شد این منبع مطمئن است و در قانون بودجه ۲۲ میلیارد دلار لحاظ شد تا سهام مربوط به دولت را به فروش برود و در اختیار پیمانکاران قرار گیرد. البته برای این کار پیمانکار باید از طریق مزایده شرکت کند و برنده شود. قبلا بعد از انجام کار صورت وضعیت تحویل می‌شد و هر وقت از سوی خزانه تخصیص می‌یافت پول را می‌دادند ولی این سهام هر وقت به پیمانکار تعلق گرفت میتواند همان ساعت در بورس و فرابورس آن راعرضه و پول خود را بگیرید. هر چند چون این رویه در روشهای تامین منابع مالی تغییر ایجاد کرده است هنوز برخی از پیمانکاران ما آن را قبول ندارند.

سومین مسئله استفاده از اوراق مشارکت است. در سال ۸۸ برای اولین بار در قانون اجازه داده شد دولت ۲ میلیارد دلار اوراق مشارکت ارزی بفروشد تا ایرانی‌ها با ارز هم بتوانند اوراق مشارکت خریداری نمایند.

مطلب بعدی که در قانون بودجه مورد توجه قرار گرفت بحث فروش اوراق مشارکت برای اجرای طرحهای انتفاعی بود. در حالی که در وزارت راه طرح انتفاعی کم است و فقط آزادراهها انتفاعی هستند. اگر اوراق مشارکتی که اجازه فروش آنها صادر شده جمع شود مبلغ آن از بودجه بیشتر می‌شود. عملا دست دولت برای انجام پروژه‌های بزرگ باز شده اما به علت این که روح قانون را خوب متوجه نشده‌ایم در اجرا موفق نمی‌شویم و بدون این که هیچ اقدامی صورت گرفته باشد به آخر سال می رسیم . قانون واضحی نوشته شده ولی در مورد آن به جامعه اطلاعات روشنی داده نشده است. باید مرکز پژوهشها و نماینده‌های موجود در کمیسیونها با انجمنها و مردم صحبت می‌کردند. از زمان قاجاریه تا حالا دولت سرمایه‌گذاری کرده و حالا طبق اصل ۴۴ قرار بر واگذاری است. اگر اموال را بفروشیم و به هزینه‌های جاری تبدیل کنیم فقط امکانات دولت را فروخته ایم. در عمل هم طی این سالها هرچه دولت داشت به هزینه‌های جاری تبدیل کرده‌ایم. از پارسال که دادن سهام دولت به پیمانکارها و تاسیس صندوق توسعه ملی تصویب شد نیت این بود که امکانات دولت را تبدیل به احسن کنیم و این کار مهمی بود که مجلس انجام داد.

اگر این سهام قابل عرضه در بورس است دولت آن را عرضه و تبدیل به ریال کند و مطالبات را پرداخت کند و اگر قابل عرضه نیست پیمانکاران را درگیر آن نکند چون پیمانکاران به اندازه کافی ریسک دارند و درگیر کردن پیمانکار به کار غیرمرتبط به صلاح نیست.

در مورد سهام عدالت بدترین روش این بود که کارخانه‌ها به سهامی که به مردم واگذار شوند تبدیل شود در حالی که می‌توانستیم کارخانه‌ها را به پیمانکاران بفروشیم و بعد از ایجاد شرایط مناسب با استفاده از مکانیزمهای سودآور و سرمایه گذاری جدید آنها را سهام دار کنیم.

در ادامه مهندس اکبری درباره فاینانس پرسیدند که مهندس مقیمی در پاسخ گفتند: اجازه فاینانس داخلی و خارجی به مجلس داده شده است.

مهندس خوانساری درباره نحوه توزیع پول ذخیره شده در صندوق توسعه پرسیدند که مهندس مقیمی گفتند: صندوق توسعه با صندوق ذخیره ارزی فرق دارد و نحوه ارتباط با بخش خصوصی توسط هیات امنا است که رئیس و اعضای آن توسط رئیس جمهور انتخاب می شود. هیات امنا طرحها را اولویت بندی می‌کند و بر اساس دستورالعمل‌ها و اساسنامه وجوه را بین مردم تقسیم می‌کنند. به هر حال هیچ راهی برای دولت وجود ندارد که از این صندوق یک دلار هم برداشت کند.

مهندس ملکیانی فرد عنوان کردند: آیا مجلس تعریفی از بخشهای عمومی و خصوصی و دولتی و تعاونی دارد؟ البته اختلاف دیدگاه عمده درباره تعریف بخش خصوصی است. از نظر ما قرارگاه خاتم الانبیا و قرارگاههای دیگرهمگی صددرصد دولتی محسوب می‌شوند. اصلا مکانیزم مالی آنها این را نشان می‌دهند.

دکتر آرمان خاطرنشان کردند: اساسنامه تبدیل حساب به صندوق در زمان آقای مظاهری تنظیم شد. تنها شرکتهایی که ۲۰ درصد سهام آنها متعلق به دولت است خصوصی محسوب می‌شوند ولی اگر این سهم بالای ۲۰ درصد باشد دولتی به

شـمار می‌آیند. صندوق توسـعه ملی وام را به صورت ارزی برای خرید تجهیزات میدهد که همین امر صندوق را برای شـرکتهای سـاختمانی غیرقابل دسـترس و نامطمئن می‌کند. بحث دیگری که باید به آن توجه شـود این اسـت که دیگر در دنیا دولتها سد و نیروگاه نمی‌سازند و بخش خصوصی این کار را انجام میدهد.
مهندس مقیمی خاطرنشـان کردند: اگر ۲ نفـر از اعضای هیات مدیره شرکتی دولتی باشند از دید صندوق توسعه ملی آن شرکت خصوصی به شـمار نمی‌آید. بر اساس قانون اساسی ما میتوانیم از امکانات ارتش و سـپاه برای بعضی کارها در زمان صلح اسـتفاده کنیم. ولی این به آن معنی نیسـت که همه کارها به آنها واگذار شـود. اگر کشور احتیاج به حضور این نیروها داشته باشد با اجازه مقـام رهبری می‌توان کارها را به این بخـش ارجاع داد در حالی که ما داریم عکس آن را انجام می‌دهیم یعنی کار را به آنها ارجاع میدهیم و اگر کاری اضافه آمد به بخش خصوصی واگذار می‌کنیم که این خلاف قانون است. طبق قانون قرار بر این بود در مناطقی کـه پیمانکاران بخش خصوصی به دلایـل امنیتی نمیتوانند کار انجام دهند این نیروها وارد شـوند در حالی که این نیروها دنبال این بودند که کارهای کوچک را در شهرسـتانها هم واگذار کنند. اگر بخش خصوصی ما یک بخش جدی و فعال و حاضر در صحنه باشـد این اتفاق نمی‌افتد. بخش خصوصی کـز کرد و راه را برای حضور این بخش هموار کرد.

در ادامه مهندس اولیاء عنوان کردند: مجلس خانه مردم است و باید از همه اقشـار در آن باشـند. مجلـس باید بیانگر حرفهای بخش خصوصی و مردم باشـد. مشـکلات ما به سـابقه تاریخی مملکت برمی گردد که همیشـه دولت در اداره کشـور حاکمیت مطلق داشـته اسـت. هر چند از برنامه چهارم زاویه دید تا حدی عوض شـد و تصمیم گرفته شـد تصدیها کاهش یابد و به بخش خصوصی میدان داده شود ولی عملا میدان داری شرکتهای شبه دولتی ادامه یافت. با این همه نباید گذاشـت مجموعه‌های دولتی میدان‌داری را ادامه دهند.
اعضای انجمنها و تشکلا باید اعتماد به نفس را در خود تقویت کند و با فرستادن نمایندگانی تعامل و ارتباط خود را با مجلس قوی‌تر کند. هر کجا ابهام و اعتراض هست باید اعلام شود مخصوصا وقتی از موازین عدول می‌شود. پیشنهاد من این است که از ظرفیتهای قانون برنامه اسـتفاده شـود و اعضای انجمنها مجموعه اطلاعات مربوط به این برنامه‌ها و آئین‌نامه‌ها را بررسی و بر آن مسلط باشند تا بتوانید روی آن مانور دهند. باید از حریم کسب و کار خود دفاع و شرایط را برای کار مهیا کنید. دولت باید به حاکمیت بپردازد و کم کم از تصدیگری صرفنظر کند.

در ادامه این جلسه مهندس دادمان عنوان کردند: فرمایشات مهندس مقیمی درباره بودجه سـالهای قبل کامل و جامع بود اما بحث اصلی در این زمینه دو شـرطی اسـت که در سال ۸۹ برای پرداخت طلب پیمانکاران بود و محقق نشـد. اگر این سهام قابل عرضه در بورس اسـت دولت آن را عرضه و تبدیل به ریال کند و مطالبـات را پرداخت کند و اگر قابل عرضه نیسـت پیمانکاران را درگیر آن نکنند چون پیمانکاران به اندازه کافی ریسـک دارند و درگیـر کردن پیمانکار به کار غیرمرتبط به صلاح نیسـت. درباره نشـر اوراق قرضه خزانه اسـلامی نیز ما پیشـنهاد کردیم منابع تعریف شـده در بودجه پشتوانه این اوراق باشد و خزانه اوراقی با سررسید یک ساله چاپ کند و در اختیار پیمانکاران قرار دهد که به جمع‌بندی عملیاتی نرسید.
طرح دیگر برای اسـتفاده از بندهای بودجه تبادل ثروت با ثروت بود یعنی تبادل سهام با سهام قابل تبادل برای پیمانکاران و تبدیل این سـهام برای افزایش سهام یا تاسیس یک بانک که در چرخه بررسی ماند و به نتیجه نرسید.
متاسفانه به جای پرداخت مطالبات پیمانکاران از این منابع از آن برای امور دیگری اسـتفاده می‌شود. قانون به نام بخش خصوصی تصویب می‌شـود ولی به کام دیگران است. این روشهای اجراست که بخش خصوصی را هر روز عقب رانده اسـت. این عقب راندگی ناشـی از رفتاری است که در فضای کسب و کار وجود دارد حتی سـازمان مدیریت دو روش متفاوت بـرای درجه بندی دارد، یکی برای ما و یکی برای شـرکتهای دولتی. امـروزه همه فراخوانها با این شعار اسـت که بروید و منابع مالی بیاورید. چرا؟ چون سعی بر اسـتفاده از منابعی است که تصور می‌شود در بخش خصوصی وجود دارد.

بعد از سـخنان مهنـدس دادمان، مهنـدس اکبری بازرس کانون سراسـری ضمن تشـکر از انجمن شرکتهای ساختمانی کـه امکان حضور در میزگرد را برایشـان فراهم نمـوده از آقایان مهندس مقیمی و مهندس اولیاء به عنوان مهندسـینی که ضمن داشتن سوابق اجرایی موفق در بخش دولتی با تشکلهای خصوصی صنفی، حرفه‌ای و مهندسـی کشور آشـنایی کامل دارند سخنان خود را آغاز نمود. او با اشـاره به صحبتهای آقای مهندس مقیمی اعلام کرد که ما سـختی های سیاسـت گذاری در امور برنامه و بودجه را با توجه به سـاز و کارهای موجود می‌دانیم و از موانع و مشکلات و محدودیت های سر راه شما برای جهت گیری مناسب در امر قانونگذاری آگاهیـم و همین اندازه که نمایندگان محترم مجلس شـورای اسـلامی زمینه را بـرای اسـتفاده پیمانـکاران بخش خصوصی از روشهای مختلف مالی آماده نموده اند تشکر و قدردانی می کنیم.
درسـت اسـت کـه پیمانکاران مـی تواننـد قسـمتی از ۵۰ درصد موجـودی صنـدوق توسـعه ملـی

تنها شـرکتهایی که ۲۰ درصد سـهام آنها متعلـق به دولت اسـت خصوصی محسوب می‌شـوند ولی اگر این سهم بالای ۲۰ درصد باشـد دولتی به شمار می‌آیند. صندوق توسعه ملی وام را بـه صورت ارزی برای خرید تجهیزات میدهد که همین امر صندوق را برای شرکتهای ساختمانی غیرقابل دسترس و نامطمئن می‌کند.

استفاده نمایند و همچنین ۵۰ درصد از فروش سهام کارخانه‌های دولتی را از طریق مزایده بعنوان صورت وضعیت دریافت نمایند یا اعتبار پروژه‌ها را می‌شود از طریق فروش اوراق مشارکت تأمین نمود و همچنین استفاده از فاینانس داخلی و خارجی برای تأمین مالی پروژه‌ها میسر می‌باشد اما لازم است برای استفاده بهینه از امکانات مطرح شده مواردی را به شرح آتی خدمت جنابعالی و سایر حضار محترم عرض کنم.

اولاً : با اذعان به اینکه رویکردهای جدید قانون در خصوص تأمین اعتبار پروژه‌ها، هم دغدغه پیمانکاران را تا اندازه‌ای در ارتباط با مشکلات تخصیص بودجه کم می‌کند، هم بدینوسیله امکانات ملی، خصوصاً در ارتباط با فروش سهام کارخانه‌ها و اموال دولتی از گزند هزینه شدن در امور جاری مصون می‌ماند و در اصل تبدیل به احسن می‌شود اما تفکر و سازوکارهای پیمانکاران و دولت می‌بایست متناسباً تغییر کند.

دوماً : مطمئناً ما در راستای منافع ملی و ایجاد اشتغال برای پیمانکاران عضو تشکل‌هایمان با توجه به توصیه‌های آقای مهندس مقیمی و آقای مهندس اولیاء فعالتر خواهیم شد و با هم‌افزایی امکانات همه تشکل‌های پیمانکاری و از طریق ارتباط مستقیم و رو در رو با مسئولین محترم ذیربط بخصوص در مجلس شورای اسلامی و دست‌اندرکاران اجرایی دولتی نسبت به تنظیم سازوکارهای لازم و اطلاع رسانی به اعضا اقدام خواهیم نمود.

سوماً : از دولت محترم هم انتظار داریم که هم اهمیت رویکردهای جدید را دریافت نماید و هم نسبت به فراهم نمودن زمینه‌های اجرای قوانین و مقررات ذیربط از طریق تهیه دستورالعمل‌ها، آیین‌نامه‌ها و همچنین تغییر تفکر در مدیران میانی و همچنین نظارت بر امور مربوطه اقدام نماید.

چهارماً : بخش خصوصی و پیمانکاران در موارد متعددی از عدم اجرای کامل مقررات شدیداً دچار خسارت می‌شوند و انتظار دارند مجلس شورای اسلامی و دیگر دستگاه‌های مسئول کنترل و نظارتی بدون اغماض و هوشمندانه عملکرد کارفرمایان و مجریان را زیر نظر داشته باشند و از عدم اجرا یا تأخیر در اجرای قوانین و مقررات سریعاً پیشگیری نمایند تا پیمانکاری که قرار است با دادن ضمانتنامه و برنامه زمانبندی نسبت به اجرای تعهدات خود در زمان محدود اقدام نمایند. از قانون‌شکنی‌ها یا تاخیر در اجرای تعهدات کارفرمایان آسیب‌های جدی و شکننده نبینند.

وی افزود: پیمانکاران بخش خصوصی در مقایسه با پیمانکاران کشورهای منطقه از توانمندی‌های بالقوه بالایی برخوردارند اما بعلت‌های گوناگون از جمله عدم حمایت‌های دولتی موفق نشده‌اند جایگاه بحق خود را به دست آورند، حتی در سالهای اخیر به علت حاکم شدن بیشتر تفکر دولتی در اقتصاد ملی، مدیران شرکت‌های ایرانی حتی از دریافت به موقع مطالبات خود از دولت یا جوایز صادراتی محروم شده اند ، از مقررات دست و پاگیر که وضع می‌شود ناراضی‌اند و از رقابت با شرکت‌های دولتی رنج می‌برند و این امور باعث شده که تحت فشار بانکهای طرف معامله، فروشندگان، کارمندان، کارگران و پیمانکاران جزء خود قرار گیرند و بجای اینکه شرکتها در مسیر رشد و توسعه قرار گیرند اکثراً با

مجموعه شرایط فعلی و کمبود منابع دولتی باعث می شود نگاه سرمایه گذاری به بخش خصوصی وارد شود که به نظر من لازم است و می تواند باعث تاثیرگذاری بالاتر خصوصی‌سازی شود. در حال حاضر ما به مجموعه‌ای از سرمایه‌گذاران و پیمانکاران احتیاج داریم. لازمه شرایط جدید هدایت مدیریت به سمت سرمایه گذاری هست.

از دست دادن امکانات تضعیف شده و بعضاً در آستانه ورشکستگی قرار گیرند بدون اینکه خواسته باشم خارج از موضوع صحبت کنم اما برای نجات پیمانکاران بخش خصوصی مواردی را لازم می‌دانم که حتماً از این تریبون استفاده کرده و به سمع مسئولین دلسوز کشور برسانم.

۱- با توجه به اینکه پیمانکاران بخش خصوصی در مقایسه با دولت، بخش‌های عمومی و شرکتهای دولتی از اهرم‌های مناسب برای دفاع از حقوق خود محروم می باشند لذا لازم است یکبار برای همیشه جایگاه تشکل‌های بخش خصوصی در نظام اقتصادی کشور مشخص گردد.

۲- تعریف صریح و روشن از بخش خصوصی انجام گیرد تا سایر سازمانها و ارگانها خودشان را به جای شرکتهای بخش خصوصی جا نزنند و امکانات آنها را از آن خود ننمایند لازم به ذکر است که تعریف ما از بخش خصوصی اینست که بخش خصوصی شخصیتی است که ریسک‌های خودش را خودش می‌پذیرد بدین ترتیب آنانکه از امکانات بخش‌های دولتی و عمومی استفاده می‌کنند و بدون اینکه ضمانتنامه‌ای برای انجام کار بدهند یا ریسکی را بپذیرند بزرگترین پروژه‌ها را اجرا می‌کنند. در نتیجه شرکتی که ضمانت‌نامه می‌دهد و قدرت دفاع از حقوق خود در مقابل کارفرما را ندارد، چنانچه مورد غضب کارفرما قرار گیرد می‌بایست دچار خسران و گاهاً نابود گردد. اما شرکتی که ضمانتنامه نمی‌دهد و از پشتیبانی دولت هم برخوردار می‌باشد نمی‌تواند در جایگاه پیمانکار قرار گیرد و نهایتاً یا پروژه را به طور دلخواه انجام می‌دهد یا بدون خسارت از پروژه کنار گذاشته می‌شود.

۳- در کلیه قوانین و مقررات سهم بخش خصوصی که به ترتیب فوق تعریف شد جدا شود. به عنوان مثال وقتی که می‌گویند در صندوق ذخیره ارزی سهم بخش خصوصی تا ۵۰ درصد است یعنی صفر تا ۵۰ درصد یا وقتیکه برداشت از صندوق توسعه ملی برای بخش خصوصی و شهرداری‌ها جمعاً ۵۰ درصد تعیین می‌شود معلوم نیست که چه میزان از این ۵۰ درصد نصیب پیمانکاران بخش خصوصی می‌شود.

۴- ضمن تشکر و قدردانی از مسئولانی که اعتقاد دارند پیمانکاران بخش خصوصی، بازوان پرتوان دستگاه‌های اجرایی هستند و همواره با مدیران کانون سراسری در مرکز و با مدیران ۳۱ انجمن عضو در استانها برای رفع مشکلات و تسهیل مقررات و تسریع اجرای پروژه‌ها اقدام و مساعدت لازم را مبذول می‌فرمایند باید عرض کنم

کــه در مواردی هم هنوز درک صحیحی از تشــکل‌ها ندارند و در تجربه ده ساله بنده در سمت دبیری کانون سراسری موارد بسیاری با مسئولین رده بالای کشــوری و مدیران میانی مکاتبات را انجام داده و به نمایندگی از ۲۵۰۰۰ شــرکت‌های عضو تقاضای ملاقات داشــته یا مشکلاتی را مطرح و درخواست رفع مشکل را نموده‌ایم اما متاسفانه پاسخی به ما نداده‌اند گویا وقت ندارند یا اعتماد ندارد.
در پایان یادی از مهاتیر محمد می‌کنم که در مقابل ســئوالی که در خصوص جهش همه جانبه در بخش‌های مختلف خصوصاً امور اقتصادی کشــور مالزی از ایشــان می‌کنند و می‌پرسند که نقش شــما در رشد و توسعه کشور چه بود؟ ایشان جواب دادند فقط به بخش خصوصی اعتماد کردم. ترکیه هم همین کار را کرد و حدود ۲۰ سال قبل در سفر نخست وزیر ترکیه به ایران حدود ۵۰۰ نفر از مدیران بخش خصوصی همراه ایشــان بودند. پیمانکاران بخش خصوصی انتظار دارند که چنانچه مسئولان دلسوز کشور هم مثل ما اعتقاد دارند که کشورهای مالزی و ترکیه پیشرفت کرده‌اند، به بخش خصوصی ایران اعتماد کنند و آرام آرام با آزادسازی اقتصاد و سپردن وظایف غیرحاکمیتی به بخش خصوصی زمینه‌های اعتلای کشور و رسیدن به اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله را فراهم فرمایند.
قانونگذار تمهیداتی کارآمد برای بخش خصوصی در قالب ماده ۸۴ برنامه پنجساله پنجم در نظر گرفته ولی مشکل اساسی اینجاست که تلقی و برداشت قوه مجریه از بخش خصوصی کاملاً متفاوت و مغایر تلقی بخش کاملاً خصوصی و قوه مقننه است. فقدان تعریف جامــع و کامــل از بخش خصوصی به عبارتــی همان معضل عدم تعریف جامع از حرفه پیمانکاری اســت، شبه دولتی‌ها در اینگونه مواقع همیشــه برنده بدون منازع می‌باشــند. بخش خصوصی در رقابــت نابرابر هیچگاه فرصت به منصه حضور رســاندن ظرفیت و توانش را به دست نخواهد آورد. بنابراین به احتمال زیاد این ماده، گره‌گشای مشکلات بخش خصوصی نخواهد شد.
در ارتباط با تشکیل سازمان نظام پیمانکاری، با توجه به موارد آتی تشکیل نظام واحد پیمانکاری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.
۱- فقــدان ارتباط متعادل و متوازن در مبادلات فی مابین جامعه پیمانکاری و دستگاه‌های اجرایی
۲- عدم تعادل تشکل‌های صنفی- حرفه ای در رابطه با امور حرفه پیمانکاری با یکدیگر و با مسئولان دولتی
۳- عدم اراده واحد حاکم بر سرنوشــت تشــکل‌ها مبتنی بر تفکر صنف محوری
۴- نــگاه از بالا به پاییــن و تفکر حاکمیتی دولتــی، صرفاً انتظار تمکین از بخش پیمانکاری
۵- انفعالی عمــل نمودن پاره‌ای از تشــکل‌های صنفی در برخی موارد
۶- عدم حضور مؤثر در مراکز تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز و نبود حلقه مؤثر و کار ساز برای ارتباط سیستمی

مهندس عصرآزاد نیز با تشــکر از مهمانانی که در جلســه حضور داشتند عنوان کردند: نباید به مشکلاتی که بعد از عقد قرارداد به وجود می‌آید بی‌توجه بود. ما یک شرایط عمومی پیمان، و یک سری مصوبه و آئین‌نامه داریم که بر اساس آنها در مناقصات شرکت می‌کنیم و قرارداد می‌بندیم. این شرایط در هر وزارتخانه‌ای با یک نامه یا دســتورالعمل جداگانه به شــکل یک بــام و دو هوا درآمده است. مثلا در مورد پیش پرداختها بعد از قرارداد شرایط را عوض می‌کنند و این امر مشکلات جدی ایجاد می‌کند.

مهندس فدایی نیز خاطرنشــان کردنــد: در بخش پیمانکاری مشــکلات زیادی وجود دارد مخصوصا تا وقتی تعریف درســتی از بخش خصوصی ارائه نشــود. به هر حال تا شــبه‌دولتی‌ها هستند چیزی عاید بخش خصوصی نمی‌شود.

مهنــدس حلاج در قســمت دیگری از ایــن میزگرد عنوان کردند: برای این که این جلسه و جلسه‌های مشابه به نتیجه برسد و فعالیتها مستمرباشــد باید نماینــدگان مدافع صنف در مجلس حضور داشــته باشــند. در واقع برخی نمایندگان اثرات توسعه‌ای دارنــد که باید با آنها در تعامل بود. برای این پیگیریها و انجام کار جدی یک بخش توانمند لازم است که تک تک آنچه می‌آید را نقد کند و در این مورد نه فقط نمایندگان یا قوانین بلکه بخش نظارتی قوه مقننه هم باید مورد پرس و جو قرار بگیرند.

مهندس نوروزی در ادامه گفت: ساز و کار و زمانبندی پرداخت مطالبات پیمانکاران از طریق فروش اموال قابل درک نیســت. این ساز و کار به درد بخش خصوصی نمی‌خورد، دولت می‌تواند اموال را بفروشند و طلب بخش خصوصی را بدهد.

مهندس مقیمی خاطرنشــان کرد: اگر ســهام به صورت ردیف در بودجه آورده شود یک ریال از آن به بخش خصوصی نمی‌رسد چون همیشــه هزینه‌های جــاری باعث حــذف بودجه طرحهای عمرانی می‌شــود. برای حل این ماجرا تصمیم گرفتیم سهام را به پیمانکاران بدهیم تــا در برابر آن کار انجام دهند یا مطالبات آنها تسویه شــود. البته آنطور که شــما نگران هستید همه این سهام مربوط به سهام جاهای زیان ده نیست. به مجرد گرفتن سهام بعد از برنده شدن در مزایده می‌توانید آن را بفروشید.
نهایتا اگر بخش خصوصی خودش پیش قدم نشــود هر کاری هم ما انجام دهیم به نتیجه نمی‌رســد. حالا شــما چــه باید کنید؟ با ذکــر ایرادات بودجه‌های قبلی و انعکاس این نظرات به نمایندگان و دولــت روی قانون بودجــه ۹۱ تاثیر بگذارید. امــروز اگر بخش خصوصی بخواهد فعال شــود خودش بایــد حرکت کند و ارتباط خود را با مجلس از طریق تشکل رسمی دنبال کند.

مهندس اولیاء با جمع بندی جلســه عنوان کردند: پیشنهاد من این اســت که اعضای انجمن شما با کمیسیون عمران مجلس رابطــه نزدیکتری برقرار کند. فکر نکنید هر کاری دولت و مجلس انجــام داد بدون خطاســت. تقریبا هر کاری به بررســی، تصحیح و بازبینــی احتیاج دارد. مجموعه شــرایط فعلــی و کمبود منابع دولتی باعث می‌شــود نگاه ســرمایه گذاری بــه بخش خصوصی وارد شــود که به نظر من لازم اســت و می‌تواند باعث تاثیرگذاری بالاتر خصوصی‌ســازی شــود. در حال حاضر ما بــه مجموعه‌ای از ســرمایه‌گذاران و پیمانکاران احتیاج داریم. لازمه شــرایط جدید هدایت مدیریت به سمت سرمایه‌گذاری هست.

مشارکت تُجّار ملی در اجرای پروژه های بالادستی صنعت نفت

مهندس نادر عطائی رئیس هیأت‌مدیره گروه جهانپارس/ عضو شورایعالی انجمن شرکتهای ساختمانی

مقدمه: در حال حاضر به دلیل تحریم همه جانبه قدرتهای خارجی، بانکها و سرمایه‌گذاران بین‌المللی از ارائه تسهیلات فاینانس و سرمایه‌گذاری مستقیم جهت تامین سرمایه پروژه‌های صنعت نفت کشورمان خودداری می نمایند و سرمایه گذاری و برقراری خطوط اعتباری فاینانس، محدود به چند کشور آسیایی گردیده که صرفاً برای صدور کالا، تجهیزات و خدمات آنان که معمولاً فاقد تکنولوژی پیشرفته می باشند مورد استفاده قرار می گیرند و عملاً استفاده از این خطوط اعتباری موجب عقب گرد در تکنولوژی و عدم بازدهی لازم در تولید می گردد. از طرف دیگر اینگونه سرمایه گذاریها جایگاه ثابتی ندارد زیرا این کشورها اغلب دارای حجم وسیعی از معاملات تجاری با آمریکا و کشورهای اروپایی دارند که قابل مقایسه با حجم معاملات آنان با ایران نمی باشد و هر لحظه ممکن است برای حفظ منافع خود در آن کشورها از ارائه این تسهیلات نیز خودداری نمایند.

عدم برخورد تخصصی با موضوع تامین سرمایه پروژه ها بویژه پروژه‌های اساسی صنعت نفت سبب گردیده متولیان پروژه ها و پیمانکاران هریک به فراخور حال و نیاز خود بدنبال تامین سرمایه و فاینانس پروژه های مورد نظر باشند که این پراکنده کاری نیز در آشفته بازار کنونی فاینانس و تامین سرمایه بدلیل عدم تطابق مذاکرات هریک از متقاضیان، موجب بی نظمی و عدم توفیق در امر تامین سرمایه گردیده و هزینه های مضاعفی را بر اقتصاد کشور تحمیل می نماید.

در نیمه دوم سال ۸۹ وزارت نفت طی اقداماتی سعی نمود بانکهای داخلی را در کنار پروژه های اساسی شرکت ملی نفت قرار داده تا بلکه بخشی از پروژه های صنعت نفت با تأمین سرمایه بوسیله بانکهای داخلی باجرا درآیند. متاسفانه بانکهائی که بنا بود عاملیت تامین سرمایه را با تمهیداتی که بانک مرکزی برایشان در نظر گرفته بود پروژه های صنعت نفت را تامین سرمایه نمایند، هر کدام با تاسیس یک شرکت زیر مجموعه بنام انرژی و استخدام چند نفر و ارائه فقط یک نامه (LOI) اکثر پروژه ها را در اختیار گرفته و خود نیز بدنبال تامین سرمایه هستند و معتقدند بایستی با استفاده از نام و اعتبار خود پروژه ها را بگیرند و خودشان بعنوان کارفرما عمل نموده و پروژه ها را از طریق مناقصه به پیمانکاران واگذار نمایند و در واقع باعث تحمیل یک هزینه بالاسری اضافی و حیف و میلهای فراوان می گردند.

پیشنهاد و راهکارها:

با توجه به شرایط فعلی و آنچه در مقدمه ذکر گردید، الزاما میبایست اکثریت طرح های نفت، گاز و پتروشیمی کشور بوسیله پیمانکاران داخلی و حتی الامکان با استفاده ازمنابع مالی داخلی به اجراء در آید. مشارکت تجار محترم عضو اتاق تهران دراجرای پروژه های بالادستی (Upstream) صنعت نفت بخصوص توسعه میادین نفت و گاز با اولویت میادین مشترک از زمینه های بکر و سودآور فعالیت های اقتصادی است که با توجه به نیاز روز افزون جوامع به انرژی علی الخصوص منابع نفت، گاز و پتروشیمی باب جدیدی را در خصوص توسعه فعالیت های تجاری – صنعتی (Techno – Trade) بروی اعضاء اتاق می گشاید و این یکنوع سرمایه گذاری زیربنائی است که منافع کشور را نیز در بر دارد. از طرف دیگر همکاری و مشارکت تجار با پیمانکاران عمومی صنعت نفت (Petroleum Industry General Contractors) موجب هم افزائی توان اجرای کلید گردان (EPC Turnkey Capability) پروژه ها شده و این همکاری در راستای اراده دولت جمهوری اسلامی ایران در استفاده حداکثر از توان مالی، فنی و مهندسی داخلی کشور نیز خواهد بود.

عمده تولید نا خالص ملی کشور (GNP) از بخش نفت حاصل می گردد که اهمیت و اولویت توسعه و بهره برداری از میادین نفت و گاز را توجیه می نماید. لذا شرکت ملی نفت ایران با هدف افزایش تولید ملی و حفظ سهمیه کشور در بازار جهانی نفت در نظر دارد اجرای پروژه های بالا دستی تولید نفت و گاز را با اولویت توسعه میادین مشترک تسریع نموده و این پروژه ها را به صورت تامین مالی و اجرای کلید گردان و از طریق مذاکره به کنسرسیوم های متشکل از شرکت های توانای داخلی واگذار نماید. لازم به ذکر است که پروژه های صنعت نفت نظیر سایر صنایع مادر به سه بخش بالادستی (Upstream)، میان دستی (Midstream) و پایین دستی (Downstream) تقسیم می گردد که بخش بالادستی راهبردی ترین و حساس ترین بخش لاینفک این صنعت می باشد چرا که این بخش وظیفه تغذیه سایر بخشها را به عهده دارد. از آنجا که فعالیتهای درونی هر بخش شامل حجم عظیمی از کارهای مهندسی، تامین کالا و مایحتاج عمومی و کارهای اجرایی متنوعی میباشد، طبیعتاً برای ایجاد تشکل های تجاری صنعتی (Techno Trade) بایستی گروه کاملی از پیمانکاران، مشاوران، تولید کنندگان و تجار با ایجاد مشارکت (Consortium) بلند مدت و پایدار در کنار یکدیگر قرار گیرند.

با توجه به موارد فوق میطلبد اتاق تهران ترتیبی اتخاذ نماید که مجمعی (Syndication) از تجار واجد شرایط و با علائق ملی اتاق با یک پیمانکار عمومی (General Contractor) دارای سابقه طولانی و پیوسته در نفت و یک شرکت مهندسی مشاور پایه یک متخصص در امور بالا دستی نفت در قالب مشارکت (Consortium) در کنار هم قرار گیرند تا ازطریق مذاکره با شرکت ملی نفت ایران پروژه های بالادستی میادین مشترک نفتی را به اجراء درآوردند.

علی الاصول تفکیک هزینه پروژه‌های صنعت نفت به این صورت می‌باشد که حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد آن هزینه خرید کالا و تجهیزات است، ۲۰ تا ۳۰ درصد عملیات اجرایی است و بین ۶ تا ۱۰ درصد هزینه امور طراحی، مدیریت و سایر خدمات بالاسری می باشد. به پیوست تفکیک هزینه‌های چند نمونه از پروژه های تأسیسات نفت وگاز را جهت استحضار حضورتان تقدیم مینماید.

بدین ترتیب تجار می‌توانند با حضور در مشارکت، ضمن ارایه تسهیلات مالی از طریق اعتبار خود، در زنجیره خرید و تامین کالا و تجهیزات خارجی و داخلی پروژه‌ها (Project Supply Chain) نیز که بین ۶۰ تا ۷۰ درصد ارزش هر پروژه را تشکیل میدهد و بدون تردید در محدوده تخصص تجار می باشد، نقش اساسی داشته و از منافع آن بهره‌مند گردند. شکل گیری و سازماندهی این تشکلها نیازمند عزم ملی فعالان اقتصادی و ایفای نقش محوری رؤسای اتاقهای تهران و ایران خواهد بود که امیدوارم با راهیابی افراد ملی، کاردان و دلسوز به این تشکل ها شاهد این تحول عظیم ملی باشیم.

ما به عنوان گروه جهانپارس آمادگی خود را برای تشکیل اولین مشارکت Techno Trade فوق الذکر اعلام نموده و برای اطمینان خاطر تُجاری که اولین بار به اینگونه کسب و کار وارد می شوند و قطعاً نگران سرمایه گذاری خود هستند، برگشت سرمایه و سود عادلانه آنان را تضمین می نمائیم.

در دیدار رئیس اتاق ایران با هیأت مدیره کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران و نمایندگان انجمن شرکتهای ساختمانی ایران پیشنهاد شد:

لزوم ایجاد شورای هماهنگی تشکل‌ها

روز یکشنبه ۱۱ مهرماه هیأت‌مدیره کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران، و نمایندگانی از انجمن شرکتهای ساختمانی با رئیس اتاق ایران، دیدار کردند. در این دیدار، آقای مهندس غلامحسین شافعی نایب رئیس اتاق ایران، آقای حاجی‌پور دبیر کمیسیون تشکلهای اتاق، آقای جمعه‌ای از اتاق بازرگانی، آقای مهندس عطاردیان دبیرکل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران، آقای احمدی‌زاده رئیس هیأت‌مدیره و آقای آهنگریان نائب رئیس کانون عالی مزبور، آقای کریم‌پور از اتاق بازرگانی، آقای مهندس سماک و آقای مهندس ورزنده عضو هیأت‌مدیره انجمن شرکتهای ساختمانی، و آقای مهندس خزاعی قائم مقام دبیر این انجمن، حضور داشتند.

در این جلسه مهندس عطاردیان ضمن پیشنهاد برای تشکیل شورای هماهنگی تشکلها ابراز امیدواری کردند انجمن شرکتهای ساختمانی ایران به عضویت اتاق ایران درآید. وی در ادامه، ابراز تمایل کرد تا کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران نیز در جلسات شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی حضور داشته باشد و پیشنهادهای خود را در زمینه راه‌های ایجاد اشتغال، تمام کردن طرح‌های نیمه‌تمام توسط بخش خصوصی و توسعه اقتصادی کشور ارائه کند. دکتر نهاوندیان نیز با اشاره به نقش بخش خصوصی در اقتصاد کشور، تصریح کرد: با توجه به وجود تشکلهای مختلف در بخش اقتصادی، باید نظم و هماهنگی بین تشکل‌های اقتصادی کشور شکل گیرد و ایجاد این نظم و هماهنگی از وظایف نماینده بخش خصوصی، یعنی اتاق است.

در هر حال ما منتظر این هستیم که در گفتگوی بخش خصوصی با دولت شرکت داشته باشیم. بالاخره تشکلها حرفهای زیادی برای گفتن دارند که باید از این پتانسیل استفاده شود

در ابتدای این جلسه مهندس عطاردیان عنوان کردند: کانون عالی کارفرمایی فراز و نشیب زیادی را پشت سر گذاشته و بالاخره بعد از مصائب زیاد در مهر ماه سال ۱۳۷۸ در وزارت کار ثبت شده است. این کانون فعالیت خود را گسترش داد و توانست در اوایل سال ۲۰۰۳ مصادف با سال ۱۳۸۱ به عنوان اولین تشکل بخش خصوصی عضویت سازمان بین‌المللی کارفرمایان را کسب کند در حالی که تا حالا هیچ تشکل ایرانی نتوانسته است در این سازمان عضو شود چون آنها فقط تشکلی کاملاً خصوصی را برای عضویت می‌پذیرند.

مهندس عطاردیان بعد از ذکر فعالیتهای این کانون در آسیا و اروپا و با اشاره به این که در سال ۲۰۰۷ به عنوان عضو جانشین هیات‌مدیره سازمان بین‌المللی کار انتخاب شدند عنوان کردند: بنابراین یک نماینده از بخش خصوصی ایران در هیات مدیره سازمان بین‌المللی کار حضور دارد. در هر حال می‌توان گفت پتانسیل بین‌المللی گسترده‌ای در این بخش وجود دارد و ما تقریبا با بخش خصوصی تمام جهان در ارتباط مستقیم هستیم. می‌توانیم از طریق سازمان بین‌المللی کار با بخش خصوصی کشورهای زیادی همکاری کنیم و ارتباط مؤثری برقرار نمائیم.

کانون عالی در سال ۱۳۸۵ به دلیل اختلاف نظرهایی که با وزارت کار پیدا کرد و به دلایلی واهی منحل شد که داستان پردرد این انحلال در DVD ایی که خدمت شما ارائه دادم به عنوان داستان تاریخی عنوان شده است. بعد از چهار سال و نیم تلاش، دولتهای

نهم و دهم به خاطر اقدام در راستای ایجاد یک کانون عالی موازی محکوم شدند و هم دیوان عدالت اداری و هم دادگاه تجدید نظر رای به نقض دستور وزارت کار برای انحلال کانون عالی داد. این یک پیروزی برای بخش خصوصی بود که با روش مسالمت‌آمیز و قانونی حاصل شد. دولت ایران در سازمانهای بین‌المللی هم شکایت کرد تا ما را از سازمان بین‌المللی کارفرمایان بیرون کنند و کانون موازی جایگزین ما شود که در آنجا هم دولت محکوم شد و رأی بر علیه آنها صادر شد. به هر حال در دولت دهم وقتی آقای دکتر شیخ‌الاسلامی وزیر کار شدند، عنوان کردند در این مورد اشتباه شده است و تعامل خود را با ما آغاز کردند. در این فاصله کانون ما با همکاری آقای احمدی‌زاده (که امروز در خدمت ایشان هستیم) و با پشتیبانی دوستان فعالیت خود را ادامه داد و از پشتیبانی اعضای خود برخوردار شد. تا این که موفق شدیم تمام جایگاه‌هایی که از ما گرفته بودند پس گرفتیم.

قبل از این اتفاقات ما شورای هماهنگی داشتیم که اکثر تشکلها در آن حضور می‌یافتند. شاید همین شورا باعث شد تشکلها و افکار عمومی در برابر آن کانون عالی موازی از ما حمایت کنند. تجربه این مبارزه چند ساله به ما نشان داد اگر در هر دولت و موقعیتی تشکلها صحیح حرکت کنند و حرکت خود را سیاسی نکنند می‌تواند موفق باشد. با تشکر از همکاران و آقای احمدی‌زاده و تشکلهای ساختمانی و۲۶۰ تشکلی که عضو ما هستند الان در خدمت شما هستیم تا این شورای هماهنگی را دوباره زنده کنیم. اگر اجازه دهید نامه آن را خدمت شما می‌نویسیم و امیدواریم شما نیز نماینده‌ای تام‌الاختیار بفرستید که بتوانیم در این مورد تصمیمات یک صدا بگیریم.

بعد از سخنان مهندس عطاردیان آقای احمدی‌زاده عنوان کردند: ما اعتقادی به این نداریم که باید به خاطر رأیی که گرفتیم احساس برنده بودن داشته باشیم چون در واقع همه بازنده بودیم و نیرویی که باید صرف جذب یکدیگر می‌کردیم صرف دفع همدیگر شده بود. هر چند در آن برهه چاره‌ای جز این نبود و باید نشان می‌دادیم اگر در جهت منطقی جلو برویم می‌توانیم حق خودمان را بگیریم. همان موقع ما با انتخاب آقای مهندس خلیلی به عنوان رئیس گروه کارفرمایی اعزامی به کنفرانس بین‌المللی کار در ژنو نشان دادیم که اصل بر تعامل است. هدف از ایجاد شورای هماهنگی این است که هر تشکلی در هر جایی پتانسیلی دارد در یک مسیر واحد متمرکز کنیم. تشکلهای عضو در کانون عالی با وجود همه مشکلات محکم ایستاده‌اند و برای ادامه این روند باید فکری اندیشید. همانطور که آقای مهندس عطاردیان فرمودند هدف از ایجاد شورای هماهنگی این است که همه پتانسیل‌های بخش خصوصی که در شوراها، اصناف، اتاقها، انجمنها و کانونها پراکنده‌اند با هم تجمیع شود و مجموعه‌ای گردد تا با همکاری همدیگر کارها را جلو ببریم.

مهندس عطاردیان در ادامه گفتند: در هر حال ما منتظر این هستیم که در گفتگوی بخش خصوصی با دولت شرکت داشته باشیم. بالاخره تشکلها حرفهای زیادی برای گفتن دارند که باید از این پتانسیل استفاده شود. مثلاً ما به عنوان نماینده کارفرمایان در شورای عالی اشتغال پیشنهادهای زیادی دادیم که استقبال شد، برای توسعه اقتصاد منطقه‌ای هم پیشنهاد دادیم باید در هر منطقه‌ای مطالعه شود و با توجه به فرهنگ منطقه اشتغال ایجاد گردد. علاوه بر این پیشنهاد دادیم همه کارهایی که ناتمام مانده با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تمام شود و دولت تضمین کند با بودجه سنواتی آن را جوابگو باشد.

اگر دنبال اصلاح ساختار دولت زده توسط بخش خصوصی هستیم باید همصدایی را در درون آن ایجاد کنیم. همصدایی این نیست که یک نفر حرف بزند بلکه باید در داخل تشکل همه حرف بزنند و به نتیجه که رسیدند یک نفر به نمایندگی از بقیه آن را پیشنهاد دهد

در ادامه مهندس عطاردیان با بیان خلاصه‌ای از تاریخچه شکل‌گیری انجمن شرکتهای ساختمانی عنوان کردند: انجمن شرکتهای ساختمانی قبل از به وجود آمدن قانون کار ایران به وجود آمد. این تشکل در مورد کار ساختمانی پیشرو است. انجمن به عنوان یکی از مؤسسین کانون عالی کارفرمایان درخواست عضویت در اتاق را دارد. به انجمن گفته شد برای عضویت باید اساسنامه اش را عوض کند در حالی که این خلاف قانون است و مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی به نام «آزادی تشکل» وجود دارد که مانع این امر است، مگر این که ماده غیر قانونی در اساسنامه داشته باشد که باید مقام ثبت‌کننده آن را تذکر دهد تا اصلاح شود.

با وجود این که حتی نظارت دولت بر انتخابات تشکلها از نظر سازمان بین‌المللی کار نوعی دخالت در انجمن‌ها است اما چون وزارت مصوبه‌هایی بر این مبنا دارد و قوانین ملی ما محسوب می‌شود از آن تبعیت می‌کنیم. ما می‌خواهیم عضو اتاق باشیم هر چند نمی‌خواهیم ثبت و اساسنامه صوری داشته باشیم که بعدها با اشکال مواجه شویم. برای عضویت در اتاق بازرگانی حاضریم یک الحاقیه به اساسنامه بنویسیم و در مورد متن این الحاقیه با اتاق بازرگانی توافق کنیم. این مسئله در بخش حقوقی اتاق پذیرفته شد و پیشنهاد ما تصویب شد. ولی جنابعالی اطلاع دارید که این امر باید به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده برسد که در

این مورد جمع کردن دو سوم اعضا برای رأی آوردن زمان‌بر است. درخواست ما از جنابعالی این است که درخواست عضویت ما را به طور مشروط بپذیرید و یک سال هم به ما فرصت دهید تا بتوانیم به طور قانونی مراحل را بگذرانیم و الحاقیه را به تصویب برسانیم. خوشبختانه انسجام در انجمن ما خوب است و می‌شود دو سوم اعضا را جمع کرد. ولی این امر زمان می‌خواهد.

به هر حال مسئله دوم این است که اگر در اتاق عضو شدیم چه کاری برای خودمان و چه کاری برای شما انجام می‌دهیم. اولا صنف پیمانکار حدود ۸ هزار تا ۱۴ هزار میلیارد تومان طلبکار است که به هر حال باید پرداخت شود. با این شیوه دادن اوراق بهادار هم قابل حل نیست. بحث دوم این است که از این به بعد برای چنین پرداختهایی چه باید کرد؟ چرا LC ریالی باز نمی‌شود. در سال ۱۳۶۶ نظام فنی و اجرایی کشور در هیأت‌دولت تصویب شد که پرداخت پیمانکاران از طریق LC باشد این بند را بارها در بودجه‌ها گذاشتند که هیچ وقت هم به نتیجه نرسید تا این که آقای مظاهری وزیر شدند و آن ماده تبدیل به قانون شد که ماده ۲ آن قانون موکول به آیین‌نامه‌ای شد که برای آن هم در چند سال بعد آئین‌نامه تصویب شد و هیچگاه اجرا نشد. طبق این قانون کارفرمایان می‌توانند در بانکهای دولتی و خصوصی LC ریالی باز کنند ولی بانکها می‌گویند ما سازوکار لازم برای دریافت از دولت نداریم زیرا بدهی دولت به پیمانکاران تبدیل به بدهی دولت به بانکها می‌شود. مسئله LC برای ما مهم است چون آینده طرحهای عمرانی مملکت به آن بستگی دارد. حالا باید برای این موضوع و اجرائی شدن آن به جد تلاش کنیم که می‌توانیم در کنار شما این کار را انجام دهیم. مسئله دیگر مالیات بر ارزش افزوده است. در جلسه شورای عالی اشتغال به آقای دکتر احمدی‌نژاد گفتم ما از دولت طلبکاریم. باید دولت ارزش افزوده را روی آن بگذارد و به ما بدهد تا ما بتوانیم به دارایی بدهیم. دولت طلب ما و ۴ درصد مورد نظر را پرداخت نکرده، از آن طرف وزارت دارائی اجرائیه صادر می‌کند و آن ۴ درصد را از ما می‌خواهد. در طوماری هم که تهیه کردیم به همین نکته اشاره شده که وقتی هنوز پولی گرفته نشده چگونه می‌توانیم آن را پرداخت کنیم؟

اخیراً آقای عسگری رئیس کل سازمان امور مالیاتی نامه‌ای در جواب طومار ما نوشته‌اند و عنوان کرده‌اند اگر ثابت کنید طلب خود را نگرفته‌اید ما جریمه شما را می‌بخشیم. علاوه بر این وعده داده‌اند چون این قانون موقت است ما را به کارگروهی دعوت می‌کنند تا درباره قانون قطعی حرف بزنیم ولی واقعیت این است که تا قانون قطعی شود ما کلی ضرر می‌کنیم.

به این دلایل می‌خواهیم از شما کمک بگیریم و در گفتگوی دولت و بخش خصوصی اینها را مطرح و حل کنیم. اینها مسائلی است که با کمک شما و در شورای هماهنگی و گفتگوی بخش خصوصی قابل حل است و باید نماینده‌ای از کانون عالی در این جا حضور داشته باشد تا بتواند نظرات بخش خصوصی را منعکس کند. ما امیدواریم حداقل دو کارشناس از جانب ما در جلسات حاضر باشند.

بعد از سخنان مهندس عطاردیان و اظهار نظر چند تن از اعضای حاضر در جلسه دکتر نهاوندیان عنوان کردند: به دلیل اهمیت جلسه، بنده از مهندس شافعی هم دعوت کردم تشریف بیاورند. راجع به کلیت موضوع باید گفت اگر اقتصاد ایران را در نظر بگیریم و به جای پرداختن به مسائل داخل تشکل‌ها تحلیل درستی از کل مسائل داشته باشیم می‌فهمیم در بخش خصوصی چگونه عمل کرده‌ایم. عمده توسعه اقتصاد ایران در قرن اخیر با پول نفت صورت گرفت یعنی یک انحراف ساختاری در شاکله اقتصاد ایران با تلقی ملی شدن نفت به عنوان دولتی شدن آن رخ داد. دولتها یکی پس از دیگری از این منبع استفاده کردند و بعد از آن هیچ وقت به جناح‌های سیاسی اجازه داده نشد این حرکت را به مسیر درست برگرداند و انحراف یکی پس از دیگری تکرار شد. بعد از انقلاب هم این مطلب تصحیح نشد و به دلیل جنگ نقش دولت قوی‌تر شد و بخش خصوصی علی‌رغم استعداد خود عقب‌افتادگی تاریخی پیدا کرد، تا رسیدیم به اصل ۴۴ که فهم اصل ۴۴ هم با انحراف در تفسیر مواجه شد و گمان شد با تبدیل بنگاه دولتی به بنگاه خصوصی مسائل حل می‌شود. ما فکر می‌کنیم بعد از ضایعاتی که دولتی شدن شاکله اقتصاد ایران به اقتصاد ما وارد کرده اگر بخواهیم از این فرصت استفاده کنیم لازم است که در بخش خصوصی چنان ساختار تشکلی ایجاد کنیم که وظیفه دولت را بر عهده بگیرد که این با بنگاه محوری حاصل نمی‌شود.

با توجه به وجود تشکلهای مختلف در بخش اقتصادی، باید نظم و هماهنگی بین تشکل‌های اقتصادی کشور شکل گیرد و ایجاد این نظم و هماهنگی از وظایف نماینده بخش خصوصی، یعنی اتاق است.

اصلی‌ترین مسئولیت ما ایجاد نظم تشکلی در بخش خصوصی است. در دولت تشکیلات وجود دارد. اگر بخواهیم در بخش خصوصی وظایف دولت را بر عهده بگیریم باید تشکل درست کنیم، البته گوشه و کنار تشکلهایی درست شده است اما مثل جنگل آفت زده‌ایی است که در آن چند درخت به طور پراکنده گوشه کنار روئیده‌اند. نهادی باید این مسئولیت را بر عهده بگیرد و مشخص کند نظم تشکلی بخش خصوصی چگونه باید باشد. الان

تقریبا برای ما روشـــن است که برای ایجاد نظم تشکلی در بخش خصوصی چه باید کرد. این نگاه به همت دوســتان تحقق یافت و تعداد تشکلها زیاد شد. رویکرد ما این بود که خدمت تشکلها برویم و بــرای عضویت آنها محدودیتها را کم کنیم. در دیدار اخیری که هیات رئیسه اتاق با مقام معظم رهبری داشتند گزارشی با ۹ محور ارائه شــد که یکی از محورها لازمه اجرای اصل ۴۴ را ساماندهی بخــش خصوصی عنوان می‌کرد. این نکتــه از بین همه آن نکات توجه ایشان را جلب کرد و تأکید کردند این امر پیگیری شود.

اگــر بخواهیم اقتصاد ایران به چشــم انداز مورد نظر برســد باید تشــکلها را ســامان دهیم و با آنها ارتباط برقرار کنیم. اولین قدم این اســت که به زحمتهایی که در تشکلها کشیده شده ارج نهیم. به هر حال اختلاف ســلیقه هم پیش می‌آید اما اگر دنبال اصلاح ساختار دولت زده توسط بخش خصوصی هستیم باید همصدایی را در درون آن ایجــاد کنیــم. همصدایی این نیســت که یک نفر حرف بزند بلکه باید در داخل تشکل همه حرف بزنند و به نتیجه که رسیدند یک نفر به نمایندگی از بقیــه آن را پیشــنهاد بدهد. الحمدا... در این چند سال اخیر جایگاه‌های خوبــی برای بخش خصوصی کشور ایجاد شد. ماده ۹۱ در اصــل ۴۴ زمینــه خوبی برای بخش خصوصی ایجاد کرد و باعث شــد بخش خصوصی در همــه شــوراهای تصمیم‌گیری کشور عضو رسمی داشته باشد. دولت موظف شــد مقدمات این حضــور را فراهم کنــد، هر چند این امر آرام آرام توسعه می‌یابد.

شأن اتاق بازرگانی نمایندگی کردن همه بخش خصوصی است. لذا باید در درون خود بخش خصوصی سلسه اعصاب را خوب مهندسی کنیم. شورای گفتگو یکی از ماده‌هایی بود که در قانون بهبود فضای کســب و کار پیش‌بینی شــده بود ولی چون قانــون برنامه پنجم فرصت نزدیک‌تری بود قسمتی از آن را که جنبه ساختاری داشت در این برنامه آوردیم که واقعا در تجربه حکمرانی اقتصادی کشور بی‌سابقه است و تا کنون دیده نشده مسئولان دولتی و خصوصی به تعداد مساوی کنار هم بنشینند. به هر حال افرادی که در این شورا می‌نشینند نباید از حرفهای دیگران محروم شوند، باید یک مکانیزم جذب پیشنهاد از طریق دبیرخانه شورای گفتگو داشته باشیم. این مکانیزم می‌تواند نهادی فعال باشد که با تشکلها در ارتباط باشد و نظر آنها را در مورد موضوعات مختلف بپرسند.

در مورد شــورای هماهنگی، اتاق از این پیشنهاد استقبال می‌کند چون منتخب همه اتاق‌های ایران و تشــکل همه تشکل‌هاست و خود را خدمتگزار جامعه اقتصادی می‌داند. در حال حاضر با همت کمیسیون تشکلها، جلسات تشکلها به سمت منظم شدن می‌رود. ما از هر حرکت موازی دیگری که اینگونه ارتباط را مستحکم کند اســتقبال می‌کنیم. در پیش‌نویس قانــون جدید اتاق، اتصال اتاق بازرگانی با مجامع صنفی هم پیش‌بینی شــده تا نظم تشکلی به

طور ارگانیک و نه مقطعی ایجاد شــود. اما در موارد بحث عضویت ســندیکا در اتــاق بازرگانی، اتاق واقعا افتخار می‌کند تشــکلهای خدمتگزار و ریشه‌دار در آن عضو باشند. اگر ملاحظاتی هم وجود دارد، قانونی است. اگر تشکلی بخواهد رسمی شود باید درِ ورود و درِ خروج آن برای همه باز باشد. به هر حال در کارهای اجتماعی باید راه شــبهه و سوء استفاده را بست. مسئله الحاقیه هم مسئله خوبی اســت که موافقتهایی اصولی با آن صورت گرفته و مراحل بعدی آن در حال پیشرفت است.

در برنامه پنجم فضای وســیعی برای فعالیت بخش خصوصی در نظر گرفته شــده اســت و لازمــه توفیــق بخش خصوصــی در ایــن میــدان، حرکــت هماهنگ و هم‌سو است زیرا تنها در این صورت اتاق و بخش خصوصی می‌توانند برنامه ها و اهداف خود را پیش ببرند.

مطلب دوم در مورد بدهکاریهای دولت است. درباره مفاد جلسه‌ای که در وزارت اقتصاد تشکیل شد ما معتقــد بودیم ایــن فرافکنی فروختن برخی اموال مشکل‌گشا نیســت. گفتیــم دولــت اوراق بهاداری را که مورد قبول بانکها و دستگاه‌های دیگر دولتی باشد ارائــه دهــد. ضمن اینکــه ایده اوراق اســلامی خزانه که در واقع استقراض است می‌تواند به حل موضوع کمک کند. با این همه در این رابطه از هر پیشــنهادی که کمک کننده باشد استقبال می‌کنیم.

در رابطه با پرداختهای آتی اشــاره بــه LC ریالی فرمودید که با کمــال تأســف می‌بینید وقتی حرف درســتی به خوبــی تدوین نمی‌شــود چگونه ابزار سو اســتفاده می‌گردد. اختلاس اخیر با نام LC ریالی صورت گرفته درحالی که ما مدت‌هاســت درگیر بحث LC ریالی برای خرید دیون هستیم. احتمالاً در جلسه شورای پول و اعتبار بحثLC مطرح می‌شــود. نگرانی من این است که بعد از رســوایی اختلاس با تصمیمات عجولانه قید و بند فضای کسب و کار زیاد شود. در این مورد هم خواهشمندم اگر پیشنهادی دارید به بنده ارائه دهید.

نامه‌ای که درباره مالیات به بنده دادید حتما مطالعه خواهم کرد. در شــورای گفتگو هم این بحث مطرح اســت که چگونه از محل طلب‌های پرداخت نشده مالیات ارزش افزوده دریافت شود؟

در ادامه این دیدار، «مهندس غلامحســین شافعی»، نایب رئیس اتاق ایران با اشــاره به قانون برنامه پنجم توســعه گفت: «در این برنامه فضای وسیعی برای فعالیت بخش خصوصی در نظر گرفته شــده است و لازمه توفیق بخش خصوصی در این میدان، حرکت هماهنگ و هم‌ســو اســت زیرا تنها در این صــورت اتاق و بخش خصوصی می‌توانند برنامه‌ها و اهداف خود را پیش ببرند.

در جلسه بررسی تاثیر صدور خدمات فنی مهندسی بر اشتغال و توسعه مطرح شد:

دیپلماسی فعال اقتصادی مقدمه صدور خدمات فنی و مهندسی

روز ۲۶ شهریور ماه مصادف با روز شنبه میزگردی با عنوان «تاثیر صدور خدمات فنی مهندسی بر اشتغال و توسعه» در محل انجمن شرکتهای ساختمانی برگزار شد. در این میزگرد دکتر شمس اردکانی عضو کمیسیون انرژی اتاق ایران، آقای مهندس صالحی دبیر انجمن صنایع برق، مهندس ابوطالبی عضو هیات‌مدیره انجمن صادرکنندگان خدمات فنی مهندسی ایران و تعدادی از اعضای کمیسیون انتشارات از جمله مهندس خوانساری، مهندس ورزنده، مهندس پورشیرازی، مهندس عصرآزاد، مهندس ضرابی و مهندس کنگانی حضور داشتند. مسائل عمده‌ای که در این میزگرد پیگیری شد عبارت بودند از تاثیر صدور خدمات فنی و مهندسی بر اشتغال و توسعه، موانع و مشکلات موجود بر سر راه صدور خدمات فنی و مهندسی، راه‌های برون‌رفت از این مشکلات و... که نظر خوانندگان محترم ماهنامه پیام آبادگران را به خواندن مشروح این گزارش جلب می‌نمائیم.

مهندس خوانساری رئیس کمیسیون انتشارات با ابراز خرسندی از حضور مهمانان عنوان کردند: جلسه امروز درباره خدمات فنی و مهندسی برون مرزی و مشکلات و مسائلی است که برای صدور این خدمات وجود دارد تا با رفع آنها شرکتهای ما نیز به درآمد ارزی در این حوزه دست یابد. ما سالها در این مورد فعالیت قابل توجهی نداشته‌ایم و همین امر باعث شده مملکت ما از این درآمد محروم باشد. حدود سال ۶۴ بود که انجمن ما با همراهی انجمن تاسیسات و تجهیزات صنعتی ایران و جامعه مهندسان مشاور به هیأت دولت رفت تا بتواند قوانین مدونی را تنظیم کند تا فعالیت برون‌مرزی برای همکاران مهیا شود. تا حدودی نیز مسائلی حل و فصل شد که امروزه همکاران ما می‌توانند در این حوزه و در کشورهای مختلف کار کنند. در کشورهایی مانند کره، ترکیه و چین درآمدهای فنی بالا و ارزنده است و فعالیت برون مرزی درآمدهای عظیمی تولید می‌کند. حتی اگر ما به این کشورها نرسیم باید جایگاه خود را در خاورمیانه پیدا کنیم و با تلاش زیاد و یافتن راهکارها در جاهای مختلف حضور داشته باشیم. امروز نیز در نظر داریم با نگاهی جدید تاثیر صدور این خدمات فنی و مهندسی را در ایجاد اشتغال و توسعه کشور بررسی کنیم.

بعد از سخنان مهندس خوانساری دکتر شمس اردکانی، عضو اتاق بازرگانی ایران عنوان کردند: باید ببینیم در این جلسه مسائل خرد بحث می‌شود یا مسائل کلان. البته طبق قاعده برای بررسی هر مسئله‌ای باید هر دو زمینه را در نظر گرفت. از لحاظ ملاحظه اقتصادی فعالیت اقتصادی که در شرایط رقابتی نتواند دوام بیاورد ادامه حیات نمی‌دهد. ساز و کار رقابت در داخل یک کشور (معمولا کشورهای بزرگ‌تر از دولت شهر) با کار و ساز رقابت بین‌المللی فرق دارد و پیش نیازها و لوازم و معدات آن هم فرق می‌کند. بهترین نمونه موفق در یک رشته فعالیت اقتصادی این است که بتواند در زمینه بین‌المللی رقابت کند که به آن صادرات گفته می‌شود. ویژگی قرن بیست و یکم جهانی‌سازی، کاهش مقررات و افزایش رقابتی شدن فعالیت‌ها است. پس باید همه پیش‌نیازها را رصد کرد و موانع را برطرف کرد. بخش عمده‌ای از اینها را که ما به آن فضای مناسب کسب و کار می‌گوییم برای رقابت در عرصه بین‌المللی لازم است ولی نادیده نباید گرفت که

رقابتی بودن شرایط داخلی پیش نیاز آن رقابت است.
مـا از اول انقـلاب با پدیده‌ای کاهش سـهم بخـش خصوصی در GDP ایران مواجه شـدیم. و این ناشی از افکاری بود که برخی از آنها با خلوص نیت مطرح می‌شد. مثلا گفته می‌شد باید تولید نفت را پایین بیاوریم در حالی که برای کاهش نفت هم سـرمایه‌گذاری لازم است و شما نمی‌توانید همینطوری در چاه را ببندید. در قبال هر بشـکه‌ای که ما کمتر تولید می‌کنیم عربها یک بشکه به تولید اضافه می‌کنند.
وقتی اقتصاد دولتی می‌شود یکی از مشکلاتی که به وجود می‌آید بیرون آمدن اقتصاد از حالت رقابتی است که باعث می‌شود صادرات کاهش یابد. درباره خدمات مهندسـی و ساختن تجهیزات نیز اگر بازار رقابت داخلی خراب شـود بازار بین‌المللی هم از بین می‌رود. پس پیش نیاز مطرح شـدن در صحنه بین‌المللی این است که در صحنه داخلی خـوب عمل کنیم. برای این کـه بتوانیم در داخل خوب عمل کنیم باید تمام مقررات در این زمینه درسـت باشد. و برای این منظور باید تشـکلات مدنی خوبی داشته باشیم. بازاری موفق اسـت که اختلافات آن را ریش سـفیدهای بازار حل کنند. بازاری که دعـاوی آن به دادگاه برود دیگر بازار نیست.
در اتـاق بازرگانی هم باید تشـکلات حضور بیشـتری داشته باشـند. این انجمن باید هفته‌ای دو نامه به شورای گفتگو بفرسـتد، ضمن این که نباید حضور تشکلها فقط برای کار و کاسبی فردی باشـد. مورد بعـدی هم قانون کسب و کار است که چون اتاق حق دارد پیش نویس قانون بدهد توسط آن مطرح شده است.
چنان که گفتم برای صدور خدمات فنی و مهندسی پیش نیازهایی لازم اسـت. یکی دیگر از پیش نیازها دیپلماسـی اسـت که مثل سابق نیست. در حال حاضر دیپلماسی غالب، دیپلماسی اقتصادی اسـت. مثلا بنده درباره دیپلماسـی انرژی و نفت معتقدم ما سفیر نیاز نداریم؛ کسـی را احتیاج داریم که وضعیت نفت و انرژی ما را رصد کند. قرن بیسـتم، قرن نفت بود. ما تمرین خوبی در این باره نداشتیم؛ دیپلماسی و جذب سرمایه درستی در این باره نداشتیم و آن قرن را به زد و خورد سیاسـی گذراندیم. حتی در ماجرای ملی شـدن نفت در نهایت یک کودتا و یک کنسرسـیوم عاید ما شـد. اشـتباه اول این بود که علی‌رغم فداکاری‌ها و حسـن نیتها کودتا همه چیز را ویران کرد. اشـتباه دیگری که باعث شـد حتی بعد از کودتا هم تا ۱۵ ماه دولت زاهدی نتواند یک بشـکه نفت بفروشـد بی‌توجهی به تغییر بازار و شرایط اقتصادی بود. به هر حال، مقدمه صدور خدمات فنی و مهندسی یک دیپلماسی فعال اقتصادی است. برای مثال آقای اردوغان در سـفر به سـه کشور شمال آفریقا که اوضاع در آن مسـتقر نیسـت حدود ۲۰۰ نفر از بخش خصوصی و سران تشـکلها را به همراه داشت. در حالی که هر چه ما به دولت می‌گوییم وزرا نباید در سفرهای مختلف خلاف اصل ۴۴ چیزی را امضا کنند، بی‌فایده است.
علاوه بر این ما نیاز به یک تفکر فضای کسـب و کار مسـاعد برای صادرات دانش بنیان داریم. در کنار برنامه پنجم قانونی به مجلس آورده شـده بود به نام قانون حمایت از شـرکتهای دانش‌بنیان که ما در مجلس روی آن بحث کردیم و طبق مدل جهانی پیشـنهاد دادیم یک کلمه تجاری‌سـازی بـه آن اضافه کنیم که با نام قانون حمایت از شرکتهای دانش‌بنیان و تجاری‌سازی فناوری به موازات قانون پنجم تصویب شد.
در این قانون ۳ هزار میلیارد تومان بودجه پیش‌بینی شده است اما در مورد این که آئین‌نامه را چه کسی بنویسد توجه نشان نداده‌ایم و نوشـتن آن بر عهده وزارت علومی‌ها افتاده که معتقدند شرکت دانش بنیان را دانشـگاهی‌ها تشکیل می‌دهند در حالی که شرکت دانش بنیان شـرکتی اسـت که توانایی تولید کالای دانش بنیان داشته باشد تا بتواند در دنیا رقابت کند. وزارت علوم به دانشگاه‌ها سـهمیه داد تا شرکت‌های دانش بنیان تشکیل دهند. ما مخالفت کردیم و گفتیم این اشتباه است. شرکتی که می‌خواهد برند داشته باشـد از بین هزار شرکت که قدمت دارند و سرپا مانده‌اند به وجود می‌آید.

باید بـه تولید و صـادرات کالاهای تولیدی بیشـتر از صادرات مواد خام بها دهیم. آقای اردوغـان در یـک سـفر کاری ۲۰۰ چهره تجاری را همراه می‌برد که هم پروژه بگیرند و هم مقدمات صادرات بیشتر را فراهم کنند. یعنی دیپلماسـی اقتصادی خود را درسـت کرده اسـت. ما نیز باید دیپلماسی اقتصادی خود را درست کنیم. این دیپلماسـی پیش‌نیاز موفقیت اسـت. پیش‌نیاز صدور خدمات فنی و مهندسـی داشـتن دیپلماسـی فعال اقتصادی است، برای موفقیت در این زمینه هم فضای کسـب و کار لازم است و اقتصاد غیردولتی باید توسعه بیابد. ما پتانسیل و تجربه خوبی داریم و بهتر از کشوری که تجربه ندارد می‌توانیم وارد ساخت و ساز شویم. ولی در حال حاضر نداشـتن امکانات مالی و تبلیغاتی باعث شده ترکها در این رشته‌ها از ما جلو بیفتند.
نکتـه آخر این که تمام این کارها احتیاج به سـرمایه‌گذاری دارد. اقتصاد نباید اجاره مایه‌خوری یا مصرف سـرمایه را بدهد. یکی از اشـتباهات ما این بود که اسـم فروش نفت را گذاشتیم درآمد، در حالی که پول نفت درآمد نیست بلکه سرمایه است. باید دید از این میزان فروش چقدر آن سـرمایه ملی اسـت و چقدر برای کاسبی اسـت. امروزه که درآمد نفت ۱۰۰دلار است باید ۸۸ دلار آن وارد صندوق توسـعه شـود و ۱۲ دلار برای هزینه‌ها صرف شـود. باید پـول را به بخش خصوصی وام بدهند که بـا آن کار کند. البته می‌توان برای کمک به صادرات هم از آن استفاده کرد. در حالی کـه اولین برنامه‌ای که عملا برای صندوق ارائه شـده مربوط به مسـکن مهربود.

پیش نیاز صدور خدمات فنی و مهندسی داشتن دیپلماسی فعال اقتصادی است، برای موفقیت در این زمینه هم فضای کسب و کار لازم است و اقتصاد غیر دولتی باید توسعه بیابد. ما پتانسیل و تجربه خوبی داریم و بهتر از کشوری که تجربه ندارد می توانیم وارد ساخت و ساز شویم. ولی در حال حاضر نداشتن امکانات مالی و تبلیغاتی باعث شده ترکها در این رشته‌ها از ما جلو بیفتند

یکی از اشتباهات ما این بود که اسم فروش نفت را گذاشتیم درآمد، در حالی که پول نفت درآمد نیست بلکه سرمایه است. باید دید از این میزان فروش چقدر آن سرمایه ملی است و چقدر برای کاسبی است. امروزه که درآمد نفت ۱۰۰ دلار است باید ۸۸ دلار آن وارد صندوق توسعه شود و ۱۲ دلار برای هزینه‌ها صرف شود. باید پول را به بخش خصوصی وام بدهند که با آن کار کند

مهندس ابوطالبی مدیر عامل شرکت دنارهساز و عضو هیأت‌مدیره انجمن صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی ایران در ادامه جلسه عنوان کردند: آقای دکتر بحث زیرساختهای این حرفه را که در دنیا یکی از حرفی است که نه تنها در بخش تولید و خدمات و اشتغال مطرح است بلکه در حوزه امنیت هم حرفی برای گفتن دارد توضیح دادند. اگر این توضیحات عملیاتی و اجرا می‌شد نیازی نبود که امروز به گفتگو بنشینیم. می‌توان گفت با نداشتن زیرساخت اصلا نمی‌شود توقعی داشت. اگر اندک توقعی هم ایجاد می‌شود چگونه است؟ به هر حال در کشور ما صادرات تا سال ۷۰ جزو واژه‌های مترود بوده است. بنابراین با این نگاه نباید توقع رشد در کل صادرات داشت.

از سال ۷۰ به بعد این نتیجه حاصل شد که این نگاه بی‌معنی است و دنیا با صادرات جلو می‌رود. کم‌کم صادرات رنگ و شکلی گرفت و صادرات فنی مهندسی هم مطرح شد. انتقال دانش فنی قبل از انقلاب تا حدی انجام می‌شد. در سال ۷۳ بالاخره به این نتیجه رسیدند باید این کار شروع شود و با راهکارهای محدودی درصدد انجام آن برآمدند. سوال اول این بود که چگونه می‌توان ضمانت نامه ارزی گرفت. چون امکان گرفتن ضمانت‌نامه ارزی وجود نداشت شرکتهای دولتی برای گرفتن آن اقدام کردند تا شرکتهای خصوصی برای آنها کار کنند. این امر در بخش راه شروع شد و در بخش عمده آن صدور خدمات، ایجاد کار و صادرات دانش فنی مدنظر بود. در واقع از سال ۷۳ تا سال ۸۱ ما روند صعودی داشتیم. ۱۵۰۱۰۰ میلیون دلار در سال ۷۳ به ۲۵۰ میلیون دلار در سال ۸۱ رسید که رشدی بطئی بود. گفتیم ببینیم مشکل چیست که بقیه کشورها صادرات موفق و رشد بالا دارند. کارگروه تشکیل شد، قوانین عوض شد، سازمان توسعه و تجارت فعال شد، بالاخره تغییر قوانین و تسهیلات به وجود آمده باعث شد یک دفعه جهش ایجاد شود. بخشی از اقدامات صورت گرفته برای این جهش همان چیزی بود که چینی‌ها و ترکها وقتی می‌خواستند جهش کنند انجام داده بودند یعنی مشوقهایی برای صادرکنندگان در نظر گرفته شد و باعث شد شرکتها به این سمت و سو بروند.

این مشوق‌ها عبارات بودند از جایزه، صدور ضمانت‌نامه تسهیلات خروج ماشین‌آلات که قبل از آن بسیار دشوار بود، و... به هر حال قوانین و مقررات و مشوق‌ها باعث تسهیل شد. اگرچه این امر لازم است ولی کافی نیست چون زیرساختها آماده نیست. زیرساختها شامل تقویت ریشه‌های شرکتهای ما در داخل کشور است تا قوی شوند و بتوانند آنسوی مرزها هم فعالیت کنند. شرکتهای ما هیچ چهارچوب و قالب بین‌المللی ندارند که در خارج از کشور اظهار وجود کنند. باید ساز و کاری باشد که بتوانند رقابت کنند. یعنی اصلا شکل و شمایل شرکتها از نظر سیستم داخلی خود شرکتها باید بین‌المللی شود. این شرکتها باید ایزو داشته باشند، سیستم مالی و مدیریت کیفیت و... داشته باشند و در همین جا این سیستمها را تمرین کنند تا بتوانند خارج از ایران نیز آن را پیاده کنند. در کشور ما چنین چیزی وجود ندارد. اگر هم کسانی در ده سال گذشته توانسته‌اند صادرات خدمات فنی مهندسی را بالا ببرند این امر طی اقدامی انفرادی بوده است. ما دیپلماسی فعال اقتصادی نداشته‌ایم. در حال حاضر در دنیا صادرات خدمات فنی مهندسی نسبت به کل صادرات ۱/۵ تا ۲ درصد است. این میزان در کشور ما نسبت به صادرات غیرنفتی حدود ۱۰درصد است. ما صادرات غیر نفتی کمی داریم که خدمات هم جزئی از آن است. امروزه ما در بخشهایی مزیت داریم و در بخشهایی فاقد مزیت هستیم. جالب این که امروز که راجع به این مطلب صحبت می‌کنیم درست از جایی که مزیت داریم بیشترین ضربه را هم می‌خوریم. در نتیجه حالا ما باید با دو جبهه خارج و داخل رقابت کنیم. اگرچه یک سری خدمات و دانشها را نداریم اما اگر دانشی را که داریم تقویت کنیم و در همان هم رشد کنیم کافی است.

صادرات خدمات فنی و مهندسی چقدر می‌تواند در اشتغال مؤثر باشد؟ اگر الگوهای اجرا شده در کشورهای همسایه را ببینیم متوجه می‌شویم آنها که نسبت به سی سال قبل در دانش ساخت و ساز از ما به مراتب عقب‌تر بودند امروزه در دنیا جز کشورهای اول هستند. چگونه این کار را کردند؟ دقیقاً از سال ۸۲ و ۸۳ ساخت و ساز داخل ترکیه شروع شد. آنها تیم تشکیل دادند و نحوه ساخت و ساز را یاد گرفتند. بعد تیم دیپلماسی اقتصادی را فعال کردند و از بانکها و بیمه‌ها خواستند که از آنها حمایت کند و در نتیجه فعالیت بیرون از مرزها شروع شد. در همین حین دروازه‌های طلایی هم باز شده بود و آنها به روسیه و کشورهای اقماری راه یافتند. بعد از ۸۷ سال که آنجا کار کردند به کمک همین سیاست با سرمایه‌گذاری مالی و انسانی پتانسیل ایجاد کردند. در دهه دوم صادرات، به کشورهای صاحب پول رفتند و بعد هم به سمت کشورهای حاشیه خلیج و آفریقا؛ در حال حاضر هم در لیبی فعالیت می‌کنند.

از دو سال قبل به دولت خاطرنشان می‌کنیم برای رشد صادرات باید حداقل سرمایه‌ای را وسط بگذارید و بگویید این مبلغ برای این بخش، فلان شرکتها هم می‌توانند کار کنند. باید این سرمایه از سیستم دولتی قیچی شود تا بخش خصوصی واقعی کارها را انجام دهد. البته دولت می‌تواند تعهد هم بگیرید که در مقابل این

مقدار پولی که شرکتها می برند فلان مقدار هم از کارفرمای همان کشور بگیرید. شـرکتهای ترکیه‌ای چنین روندی را پی می‌گیرند و در کنار آن سـعی می‌کنند پروژه‌هـای جدیدی بگیرند. این کار هم از نظر کار فرهنگی و هم از نظر سیاسی، اجتماعی، تبلیغات، اشتغال و صادرات خدمات می‌تواند مفید باشد. صدور خدمات فنی مهندسـی فقط این نیست که مهندس ایرانی بیرون از کشور برود بلکه ماشـین‌آلات، مصالح و فرهنگ و .. می‌رود و اشـتغالی برای خدمات دادن به اینها در درون کشور به وجود می‌آید. به نظر من هنوز هم دیر نشده است. می‌توان با یک تصمیم قاطع و تخصیص یک سـری منابعی که در بانکهای خارجی بلوکه شـده، آن را در کشـورهای هدف به کار گرفت و نگذاشـت چینی‌ها پول را بلوکه کننـد و بگویند در قبال آن پـروژه فاینانس اجرا می‌کنند و آن را هم اجرا نکنند.

افرادی که برای کار به کشـورهای دیگر می‌روند با آخرین تکنیک سـاخت در دنیا و سیسـتمهای مدیریت کیفیت و اجرا در جهان آشنا می‌شوند، و زبان اقتصاد و تجارت بین‌المللی پیدا می‌کنند. اگر بدانیم صدور خدمات چه مزایایی دارد و می‌تواند با کم‌ترین هزینه ایجاد اشـتغال کند از این وجوه مملکـت مقداری را برای این کار اختصاص می‌دهیـم. البته اگر از کارفرمـای خارجی این وجوه را بگیریـم هم بـرای ارزآوری و هم برای ایجاد اشـتغال بهتر اسـت. برای اشـتغال در تمام زمینه‌هـا راه حلهـای مختلفی اسـت کـه بایـد در روشـهای اجرایی و زیرسـاختها پیگیری شـود و عملیاتی گردد. شـاید درباره زیرسـاختها کار به علت مشـکلاتی کـه وجود دارد کمی کند باشـد اما در شـرایط فعلی می‌توان روی روشهای اجرایی کار کرد.

مهندس خوانسـاری رئیس کمیسـیون انتشـارات انجمن شرکتهای سـاختمانی با تأیید سـخنان مهندس ابوطالبی اظهار امیدواری کرد که این نظرات مورد توجه مسئولان اجرایی مملکت قرار گیرد.

مهندس صالحـی دبیر انجمن برق در ادامـه عنوان کردند:
فرصت خوبی اسـت که با فرهنگ‌سازی مسـئله صادرات را روی نیروی انسـانی متمرکز کنیم چرا که این امر دستاوردهای زیادی برای کشـورمان خواهد داشـت. برخی با رفتن نیروی انسـانی به خارج از کشور مخالف هسـتند چون معتقدند ممکن است تحت تاثیـر فرهنـگ بیگانه قرار گیرنـد. ولی من با ایـن قضیه موافق هستم. ایرانی‌ها در خارج از کشور خوب درخشیدند و توانستند در حوزه‌های تخصصی موفق باشند.

اما باید دید در داخل کشور چه فرصتهایی برای توسعه داریم؟ چرا ما مثل کشورهای همسایه نبوده‌ایم؟ اگر به داخل کشور نگاه کنیم موانع توسـعه و اشتغال را می‌بینیم. یکی از این موانع بحث خود قانون کار اسـت که مشـکل‌زا بوده و قانونی کارگری است و اصلا در آن گفته نشده کارگر چه مسئولیتی دارد و همه جا گفته شده کارفرما چه مسئولیتی دارد. این قانون ضعیف عمل کرده و جایگاه خوبی برای تولید و مولد بودن کارفرما نشـان نداده اسـت. این از مواردی اسـت که مشکل داشـته‌ایم و در مجلس بحث اصلاح آن مطرح است که باید تشکلها در این مورد فعال‌تر عمل کنند و نقطه نظرات خود را بگویند و بیانیه بدهند.

قانون کسب و کار هم این روزها در مجلس مطرح هست و می‌توان روی آن کار کرد. از اینها که بگذریم نظام بانکی هم بحث برانگیز است. نظام بانکی ما در مورد کسب و کار همیشه در سایه حرکت کرده اسـت اما علت چیست؟ چون ما از اصحاب مولدین تولید در بانکهـا نبوده‌ایم؟ یا بوده‌ایم و باز هم مشـکل وجود داشـته؟ پس مشکل کجاسـت؟ قوانین جاری که بانک مرکزی در مقابل بانکها می‌گذارد می‌تواند مشـکل ساز باشد. همه دولتهای روی کار آمده در ایران و برخی مدیران ارشـد به بخش خصوصی با ایـن دید نگاه می‌کردند که بی‌اندازه فربه شـده و حـالا حالاها باید آنچه را بلعیده پس دهند.

فرصتهای مـا در بخش خصوصی چیسـت؟ قرار بود طبق اصل ۴۴ دولـت کوچک شـود ولـی افتاد دسـت گروه کوچکی به نام شبه دولتی‌ها و دولتی‌ها که برخوردی غیـر مسـئولانه دارند و تشـکل‌ها مجبور شـدند با ایـن گروه‌ها تفاهم‌نامه امضا کنند. باید بخش خصوصی واقعی بها داده شـود تا این بخش هم بتواند پاسـخگو باشد. در حالی که عملا پروژه ها به دسـت شبه دولتی‌ها سپرده می‌شود و بخش خصوصی برای ادامه حیات باید در کنار این بخش قرار بگیرد.

من به عنوان کسی که در این چند سال در سندیکای صنعت برق بـوده‌ام معتقدم میزگردهای ما نباید به سـمت درد دل برود بلکه باید میزگردی برای بررسی اوضاع فعلی و فرصت های موجود برای برون رفت از مشکلات باشد. در صنعت برق ما باید پروژه‌ها را خارج از کشور بگیریم و از دولت جدا شویم. ظرفیت هم تا حدی درست شـده اسـت. در اوضاع فعلی هم ما می‌توانیم ۷۰ درصد ظرفیت صنعت برق را بیرون ببریم و بازارهایی را که می‌تواند سهم ما باشد از جمله بازار عرق را با دیپلماسـی خوب بگیریم. تشکلها نباید به امید دولت باشند، و بهتر است خود به فکر چاره باشیم.

فرصتهای ما در بخش خصوصی چیست؟ قرار بود طبق اصل ۴۴ دولت کوچک شود ولی افتاد دست گروه کوچکی به نام شبه دولتی‌ها و دولتی‌ها که برخوردی غیر مسئولانه دارند و تشکل‌ها مجبور شدند با این گروه‌ها تفاهم‌نامه امضا کنند. باید بخش خصوصی واقعی بها داده شود تا این بخش هم بتواند پاسخگو باشد. در حالی که عملا پروژه ها به دست شبه دولتی‌ها سپرده می‌شود و بخش خصوصی برای ادامه حیات باید در کنار این بخش قرار بگیرد

در خصوص فرصت اشـتغال موجود در کشـور نیز البته اگر کشور توسـعه صنعتی داشـته باشد صنعت برق هم رشـد می‌یابد. ولی فرصتهای دیگری در صنعت برق برای ایجاد اشـتغال هست. مثلا ۶۲ هـزار مگاوات ظرفیت برق ایجاد شـده ولـی در پیک مصرف ۴۲ هزار مصرف می‌شـود و ۲۰ هزار مگاوات ظرفیت نسـب شده کـه حداقل ده‌هزار مگاوات آن محبوس اسـت کـه می‌توان آن را با بسترسـازی صادر کرد. روی این اسـاس پروژه تعریف کرده‌ایم تا این برق مجبوس شـده را صادر کنیم. درباره میادین مشترک، طرحهایی را در سـندیکا دنبال می‌کنیم حتی در نظر داریم کنار همین میادین نیروگاه‌ها را بسـازیم و با انتقال برق درآمدی برای کشور ایجاد کنیم. با توجه به این که ایران اختلاف افق از شمال به جنوب دارد و می‌تواند یک ساعت پیک را تغییر دهد و ما می‌توانیم بـرق اضافه را صادر و ایجاد درآمد کنیم. باید قبل از این که ترکها یا عربها این فرصت را از ما بگیرند اقدام کرد. نباید این هاب انرژی را از دست دهیم.

باید نقشه‌ای برای آینده داشته باشیم و بازارهای خود را در داخل و خارج مشـخص کرده و زبان مشترکی با حاکمیت داشته باشیم. مثلا تفاهم نامه امضا کنیم که بخشـی از صندوق توسعه ملی را تا فلان تاریخ در اختیار ما قرار دهند که در عوض ما به عنوان بخش خصوصی واقعی توسعه و اشتغال ایجاد کنیم. در اتاق بازرگانی هم امکاناتی است و باید حتما از تشکلها نیز در آن حضور داشته باشد چون بدون تشکلها ما راه به جایی نمی‌بریم.

مهندس پورشـیرازی عضو انجمن شرکتهای ساختمانی در ادامه افزود: سیستم، بخش خصوصی را نمی‌خواهد و این مشکل اصلی ما اسـت. در سـال ۱۹۸۵ ترکیه ۲میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار سـود صدور خدمات داشـته اسـت که این مبلغ در سالهایی به ۱۷ میلیارد دلار هم رسـیده بود. در حالی که همانطور که شما یک نمونه فرمودید، جابجایی پول که یکی از سـاده‌ترین مسـائل است به یکی از معظلات اصلی شرکتهای ما در خارج از کشـور تبدیل شـده است. من پیشـنهاد می‌کنم واقعا این جلسـات را با ذکر مثال عـددی تکرار کنیم تا وارد بحثهـای کاربردی شـویم. در مورد قانون کار هـم باید دسـت به دسـت هم دهیم تا قانونی را که خیلی برای ما مسئله‌سـاز اسـت اصلاح کنیم البته ایـن بار دولت تا حـدی قانون حمایت از کارگر را کم کرده و حمایـت از کار و کارفرما را در این قانون بارزتر کرده است. مواد زیادی از این قانون در حال اصلاح است. در مورد صادرات نیز باید گفت برخی آن در دسـت گرفته‌اند و آن هم به دلیل دوری تشـکلها از همدیگر است که متاسفانه دور ماراتنی برای رد شدن از روی راه انداخته‌اند.

مهندس ابوطالبی در تائید سخنان دیگران گفتند: به طور کلی مملکت ما بیشـتر وارداتی است تا صادراتی؛ مصرف ثروت به جای درآمد رایج شـده است. در طول ۱۵ سال آنچه ضمانت نامه برای صادرات خدمات مهندسـی صادر شده جز یک مورد مشکل نداشته آن هم در مورد یک شرکت دولتی بوده است.

مهنـدس کنگانی عضو هیئت مدیره انجمـن و نایب رئیس کمیسیون انتشـارات عنوان کردند : راه صدور خدمات فنی و مهندسی از داخل کشور شروع می‌شود. در حالی که جایگاه بخش خصوصی و صنعت احداث در اقتصاد کشور مشخص نیست ، مثلاً اصل ۴۴ قانون اساسی از بدو تصویب قانون اساسی تا همین چند سال قبل مغفول ماند و هنگامی که اکیداً توصیه می‌شود این اصل اجرائی شـود بخش جدیدی در اقتصاد کشـور به وجود می‌آید و سهم اندک بخش خصوصی نیز کاهش می‌یابد.

مـن در دو مقطع عضو هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران بودم، در آن مقطع گفته می‌شـد که سـهم بخش خصوصی در اقتصاد کشـور ۱۶ درصد اسـت و با توجه به توانائی‌های بخش خصوصی، برنامه اتاق این بود که در یک بازه زمانی مشخص این سهم به ۲۰ درصد افزایش یابد.

در هر صورت ما الان از دو سـو مشـکل داریم، یکی از مشـکل‌ها برون‌مرزی اسـت که قدرت‌های بزرگ به ما تحمیل کرده‌اند و مشکل دیگر درون‌مرزی است که در حال حاضر تمامی شرکت‌های فعـال در صنعت احداث بـا آن درگیر بوده و از آن لطمه می‌بینند و ایـن امر عمدتاً به عدم وصول مطالباتشـان و کمبود منابع مالی برمی‌گردد. شـرکتهای ما طی چند سـال گذشـته به جای اینکه حرکتی رو به جلو داشـته باشـند و توسعه را پیشه کنند در جای خود ثابـت مانده‌اند و اگر نگوئیم که حرکت آنها به سـمت عقب

امروزه ما در بخشـهایی مزیت داریم و در بخشهایی فاقد مزیت هستیم. جالب این که امروز که راجع به این مطلب صحبت می‌کنیم درست از جایی که مزیت داریم بیشترین ضربـه را هم می‌خوریـم. در نتیجه حالا ما باید با دو جبهه خـارج و داخل رقابت کنیم

سیستم، بخش خصوصی را نمی‌خواهد و این مشکل اصلی ما است. در سال ۱۹۸۵ ترکیه ۲میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار سود صدور خدمات داشته است که این مبلغ در سالهایی به ۱۷ میلیارد دلار هم رسیده بود

بوده در بهترین حالت حرکتی ایستائی داشته‌اند، که این امر در شرایطی که همه در جهان در حال دویدن هستند، به معنای از قافله عقب ماندن است. همه حاضران شرکتهای پیمانکاری ترکیه را مثال زدند، بله، پیمانکاران ترک همین حالا هم از نظر فنی به اندازه ما توانمند نیستند ولی به شدت مورد حمایت دولت خود قرار دارند و به همین دلیل توانسته‌اند بسیار موفق عمل کنند و در رشد اقتصادی کشورشان مؤثر باشند.

در حالیکه شرکت‌های ما مشکل دارند و حتی به منظور شرکت در مناقصات خارج از کشور نمی‌توانیم ضمانت‌نامه بانکی تهیه نمائیم. ببینید بانک‌ها چند در صد از منابع مالی خود را در قالب تسهیلات به شرکتهای شاغل در صنعت احداث اختصاص داده‌اند؟ چرا؟ چون از این هراس دارند که با اعطای تسهیلات بلندمدت به سوددهی نرسند. البته این سیاست‌گذاری‌ها اول به دولت مربوط می‌شود و بعد بانک مرکزی. طبعاً بانکها از سیاست‌های بانک مرکزی تبعیت می‌کنند، من صحبت آقای دکتر شمس اردکانی را در باره دیپلماسی فعال اقتصادی تایید می‌کنم ولی این دیپلماسی فقط به خارج از کشور مربوط نمی‌باشد بلکه بایستی در داخل کشور هم در راستای تقویت بخش خصوصی و به ویژه شرکت‌های شاغل در صنعت احداث و تسهیل و روانسازی امر صدور خدمات فنی و مهندسی، نسبت به تهیه و تصویب قوانین و مقررات جدید و ساده‌سازی قوانین دست و پاگیر موجود اقدام شود.

مهندس ابوطالبی یادآور شدند: در طول ۱۰ سال گذشته تسهیلاتی که بانکها باید برای صادرات می‌دادند باید ۸ درصد می‌بود که عملا فقط دو درصد آن محقق شده است.

مهندس کنگانی ادامه داد: این جلسات نباید به نشست‌های گپ‌های خودمانی تبدیل شود و برای رسیدن به نتیجه بایستی در پی تشکیل این جلسات، پیگیری هم وجود داشته باشد؛ اینک در قانون نقش بسیار پر رنگی به اتاق بازرگانی داده شده، اما نقشی که اتاق ایران بایستی به تشکل‌ها بدهد کمرنگ است.

آقای مهندس پورشیرازی از قانون کار موجود سخن گفتند؛ من به طور کلی با اصلاح قانون کار مخالفم، چون قانون کار بایستی مطابق با نیاز روز جامعه تدوین شود. قانونی که فقط کارگر را می‌بیند قانون مناسبی نیست. قانون کار بایستی نفس کار، تولید و اشتغال‌زائی را مدنظر قرار دهد و چنین قانون کاری می‌تواند بسیاری از مشکلات موجود در جامعه و بازار کار را در راستای توسعه اقتصادی کشور برطرف نماید.

در مورد نفت هم باید گفت که نفت سرمایه است و درآمد نیست. از اول انقلاب صحبت چنین بوده که پول نفت را بر سر سفره‌ها بیاوریم و عملاً این امر با پرداخت یارانه مستقیم به مصرف‌کننده و نه به تولیدکننده، از قوه به فعل درآمده است.

در حالی که با ترویج فرهنگ کار و کارآفرینی در جامعه، به همراه ظرفیت‌سازی در بخش تولید، آنقدر سطح معیشتی مردم بالا خواهد رفت که دیگر نیازی به پرداخت یارانه مستقیم وجود نداشته باشد.

در انتهای جلسه مهندس ضرابی سوالی مطرح کردند که جنبه فنی داشت: با توجه به این که کشورهای پیشرفته دارند نیروگاه‌های اتمی را جمع می‌کنند آیا نیروگاه اتمی ساختن در ایران به صرفه است و اصولاً ساخت چه نوع نیروگاهی در ایران به صرفه است؟

مهندس صالحی در جواب این سوال عنوان کردند: ما از زمان قدیم بنای ساخت ۲۰ نیروگاه را داشته‌ایم اما امروز با اتفاقات ژاپن و... بسیاری از کشورها برنامه‌های هسته‌ای خود را معلق کرده‌اند. در کشورهایی مثل ما که انرژی‌های خوبی داریم از جمله انرژی خورشیدی و می‌توان از این انرژی‌ها استفاده کرد، حاکمیتها باید بر روی انرژی‌های نو سرمایه‌گذاری کنند. هر چند در ایران هنور انرژی نو جنبه فانتزی دارد.

در انتهای جلسه مهندس خوانساری از دکتر شمس اردکانی خواستند این مسئله در اتاق بازرگانی دنبال شود تا با ارائه راه‌حلی، تشکلها بتوانند صنعت احداث را به سمت فعالیتهای برون مرزی سوق دهند.

رئیس هیات مدیره سندیکای شرکتهای ساختمانی در نشست خبری عنوان کرد:

شرکت‌های ساختمانی تنها با ۳۰ درصد ظرفیت کار می‌کنند

روز ۲۳ مهرمـاه مهندس منوچهر ملکیانی‌فرد رئیس هیأت‌مدیره سندیکای شـرکتهای ساختمانی در نشسـتی خبری که مربوط بـه دومین کنفرانـس بین‌المللی صنعت احداث بود به سـؤالات خبرنگاران جواب داد و اظهار داشت: دومین کنفرانس بین‌المللی صنعت با رویکـرد ظرفیت‌سـازی، ایجاد توانمنـدی، ماندگاری شرکتها و سـازمانهای پروژه محور ۲۲ و ۲۳ آبان ماه در هتل المپیک تهران برگزار می شود.

وی هدف از برگزاری این کنفرانس را ارائـه راهکارهایی مناسـب برای دولت جهت ایجاد بسـترهای لازم به منظور توانمندسـازی و ماندگار کردن شرکت‌ها در راستای توسعه مهندسی کشور دانست.

رئیس انجمن شرکتهای ساختمانی عنـوان کـرد: صنعـت احـداث به گسـتردگی تمدن صنعتـی در هر جامعـه اسـت و می‌توانـد میزان عمران، آبادانی و گسـترش تمدن صنعتی جوامع را نشان دهد. بخش خصوصی در صنعت احداث با تمام مشکلات به کار سازندگی اشتغال دارد و با وجود بی‌توجهی از سـوی دولت‌مردان توانسته اسـت به حیات خود ادامه دهد که این موضوع در اجرای اصل ۴۴ و سیاست خصوصی‌سازی به خوبی خود را نشان داده است.

صـدور فرمـان اجرایی سیاسـت‌های کلـی اصـل ۴۴ در زمینه خصوصی‌سـازی این اسـت که در پروژه‌ای کـه بخش خصوصی انگیـزه لازم را بـرای فعالیت دارد بخش دولتی نباید وارد شـود که متأسـفانه با روندی معکوس و هجمه شدید بخش دولتی در صحنه‌هایی که بخش خصوصی در آن فعالیت دارد روبرو هستیم.

در جلسه‌ای نیز که اعضای انجمن با رئیس مجلس شورای اسلامی داشـتند رئیس قوه مقننه هم با اذعان به این مسـئله عنوان کرد که بخش دولتی با سازوکارهای ظاهرآرایی خود را به عنوان بخش خصوصی معرفی می‌کند.

رئیس هیأت‌مدیره انجمن شرکت‌های ساختمانی با انتقاد از نبود تعریف مشخص برای بخش خصوصی، دولتی و تعاونی در کشور، گفت: برخلاف قوانین برنامه اول و دوم تعداد شـرکت‌های دولتی پس از این برنامه‌ها به ۲ برابر رسید و با وجودی که در برنامه‌های بعدی توسـعه نیز بر گسترش شـرکت‌های خصوصی تأکید شده است، اما این موضوع هرگز تحقق نیافت.

وی در تشریح وضعیت شرکتهای ساختمانی عنوان کرد: بیش از ۷۰۰ شرکت عضو انجمن شرکتهای ساختمانی به خاطر رکود و حضور دولتی‌ها در ساخت و ساز در حال حاضر تنها با ۲۵ تا ۳۰ درصد ظرفیت کار می‌کنند.

بخش سـاختمان به طور مستقیم ۱۴ درصـد و بـا صنایـع جانبـی ۲۰ درصد ایجاد اشـتغال می‌کند، بنابراین وقتی این بخش دچار رکود و کم کاری می‌شود بالطبع اشتغال کشـور نیز دچار آسـیب گردد. در حالیکه دولت وعده داده می‌خواهد ۲/۵ میلیون شـغل ایجـاد کند اما چنیـن روندی باعـث از بین رفتن همین شغل‌های کنونی نیز می‌گردد.

رئیس هیأت‌مدیره انجمن شرکتهای ساختمانی با بیان اینکه رکود از یک طرف و حضـور دولتی‌ها از سـوی دیگـر باعث شـده تا شـرکت‌های خصوصی سـاخت و ساز با ظرفیت بسـیار پایینـی کار کننـد، تصریح کرد: شـرکت‌های دولتی با امکانات بیشـتر در همـه صحنه‌هـا حضور دارنـد و ضمانت‌نامه‌هایی به صورت تضمین از بالاترین مقامات خود در دست دارند در حالی که شرکت‌های خصوصی بـرای گرفتن ضمانت‌نامه بانکی اعتبار و آبرو و سـرمایه خود را گـرو می‌گذارند. وی افزود: بخش ساختمان به طور مستقیم ۱۴ درصد و با صنایع جانبی ۲۰ درصد ایجاد اشـتغال می‌کند، بنابراین وقتی این بخش دچار رکود و کم کاری می‌شـود بالطبع اشتغال کشـور نیز دچار آسیب گردد. در حالیکه دولت وعده داده می‌خواهد ۲/۵ میلیون شغل ایجاد کند اما چنین روندی باعث از بین رفتن همین شـغل‌های کنونی نیز می‌گردد.

مهندس ملکیانی‌فرد در جواب سـوال خبرنـگاری درباره افزایش هزینه تمام شـده پس از اجرای طـرح هدفمندی یارانه‌ها، اظهار داشـت: اجـرای هدفمنـدی یارانه‌هـا تأثیر مسـتقیم بر قیمت گازوئیل داشت که با همکاری انجمن‌ها قیمت سوخت به صورت شـاخص‌هایی تعدیل شـد و تاثیری بر پروژه‌هـای در حال اجرا نگذاشت. وی افزود: اما تاثیر جانبی قیمت سوخت بر هزینه اجرای پروژه‌ها در حال محاسبه است و تا ۲ ماه آینده اعلام می‌شود و به طور حتم تاثیر زیادی بر هزینه تمام شـده پروژه‌های ساختمانی دارد.

رئیس هیأت‌مدیره سندیکای شرکت‌های ساختمانی این سندیکا را از قدیمی‌ترین سـندیکاها در کشور عنوان کرد و گفت: حدود ۷۰۰ شـرکت در این سـندیکا عضو هسـتند و به تازگی در اتاق بازرگانـی و صنایـع و معـادن ایران هم به ثبت رسـیده اسـت.

مهندس ملکیانی‌فرد در جواب سوال دیگری، با اشـاره بـه فعالیت اعضای این سندیکا در مسکن مهر، بیان کرد: بیشترین سـهم فعالیت‌ها در مسکن مهر مربوط به بخش خصوصی اسـت ولی مسکن مهر درصد کوچکی از کل صنعت احداث است.

ایشان سوال خبرنگار دیگری را درباره توافق قرارگاه خاتـم با انجمن چنین جواب دادند: سال گذشته توافقنامه‌ای با مسئولان قرارگاه خاتم‌الانبیاء امضا کردیم که براسـاس آن قرار شد آنها در مناقصه‌هـای کمتـر از یک‌هـزار میلیارد ریال شرکت نکنند و تا حدی نیـز به این موضوع پایبنـد بودند، اما به هر ترتیب شـرایط برای شرکتهای سـاختمانی که برای اخذ ضمانت‌نامه بانکـی باید همه زندگی خود را صرف آن کنـد، با شـرکتهایی که یک برگ کاغذ ضمانت‌نامه دارند، متفاوت است.

وی تصریـح کرد: نیروهای مسـلح و بخش دولتی و شـبه دولتی باید برای سازندگی در کشـور فعال باشند، اما بهتر اسـت ایـن حضـور در جاهایی که بخش خصوصی تـوان اجرا ندارد، محسوس باشد.

وی دربـاره برگـزاری کنفرانس گفت پنج تشکل شاغل در این حرفه یعنی انجمن شرکتهای ساختمانی، انجمن صنفی شـرکتهای پیمانکار تأسیسات و تجهیـزات صنعتی ایـران، انجمن شرکتهای مهندسی و پیمانکاری نفت و گاز و پتروشیمی، جامعه مهندسان مشـاور، و انجمـن صادرکننـدگان خدمـات فنی و مهندسـی ایران، هر کدام در این کنفرانس سـهمی دارند. هر کدام از این پنج تشـکل سـازمان تحقیق و توسعه داشتند که مجموعه آنها مؤسسـه تحقیق و توسـعه را به وجـود آورد. تحقیق با هدف توسـعه رمـز و راز توسـعه بخـش خصوصی اسـت. در هیچ کجای دنیا صرف پول در راه تحقیق را هزینه نمی‌دانند بلکه آن را سرفصل سرمایه‌گذاری به شمار می‌آورند. مؤسسـه تحقیق و توسـعه اولین سمینار را با همین نام و با هدف جلب نظر دولت به این موسسه برگزار کرد. وی با بیان اینکه هدف از برگزاری این کنفرانس اعلام موجودیت بخش خصوصی اسـت، عنوان کـرد: بخش خصوصی به عنوان نهادی زنده و پویا قصد اعلام موجودیـت دارد زیرا هیچ کشوری بدون بخش خصوصی پویا به توسعه پایدار نمی‌رسد.

بزرگ‌ترین رویداد توسعه‌ای در بخش خصوصی ایران برگزار می گردد

کنفرانس صنعت احداث، مهم‌ترین فرصت بخش خصوصی در سال ۱۳۹۰

دبیر دومین کنفرانس بین‌المللی صنعت احداث که با رویکرد ظرفیت‌سازی، ایجاد توانمندی و ماندگاری شـرکت‌ها و سازمان‌های پروژه‌محور، ۲۲ و ۲۳ آبان‌ماه ۱۳۹۰ در مرکز همایش‌های بین‌المللی هتل المپیک برگزار می‌شـود، این کنفرانس را مهم‌ترین و پرپتانسیل‌ترین فرصت بخش خصوصی در سـال ۱۳۹۰ دانسـت. رئیس هیأت امناء موسسه تحقیق و توسعه صنعت احداث که براساس مشارکت بزرگ‌ترین و پرسابقه‌ترین تشکل‌های مهندسی کشور که متشکل از بیش از ۲۰۰۰ شرکت فعال در این صنعت است، شکل گرفته و هدف نهایی فعالیت‌های آن ارتقاء و توسعه‌ی توانمندی‌های شرکت‌ها و سازمان‌های فعال در صنعت احداث کشور از طریق پژوهش، آموزش، مشـاوره و اطلاع‌رسـانی می‌باشد، با اشاره به برگزاری موفق اولین کنفرانس بین‌المللی صنعت احداث در سـال گذشـته که با اسـتقبال قابل توجه مدیران و کارشناسان ارشد صنایع مرتبط مواجه گردید، از عزم جدی انجمن شرکت‌های ساختمانی، انجمن صنفی شرکت‌های پیمانکار تأسیسات و تجهیزات صنعتی ایران، جامعه مهندسان مشاور ایران، انجمن صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی ایران و انجمن شرکت‌های مهندسی و پیمانکاری نفت، گاز و پتروشیمی به عنوان بنیان‌گذاران موسسه تحقیق و توسعه برای پیگیری قطع‌نامه‌ی اولین کنفرانس خبر داد و افزود: دومین کنفرانس بین‌المللی صنعت احداث با رویکرد: ظرفیت‌سازی، ایجاد توانمندی و ماندگاری در شرکت‌ها و سازمان‌های پروژه محور روزهای ۲۲ و ۲۳ آبان‌ماه سـال جاری و در قالـب ارائه‌ی مقالات اجرایی، سـخنرانی‌های کلیدی، نمایشـگاه جانبی و کارگاه‌های تخصصی، در مرکز همایش‌هـای بین‌المللی هتل المپیک برگزار می‌گردد، حضور مدیران برجسته‌ی بخش‌های مختلف صنعت احداث و هم‌چنین بررسی مهم‌ترین چالش‌های توسعه‌ی بخش خصوصی از مهم‌ترین ویژگی‌های این رویداد مهم بین‌المللی است. وی افزود: بررسـی چالش‌های اساسـی در این حوزه از جمله اشـتغال پایدار و تنگناهـای اجرایی آن و شـیوه‌های کاربردی اسـتقلال فنی و مهندسی کشور، بررسی بسیج امکانات ملی و هم‌افزائی تمامی کوشـندگان عرصه‌ی آبادگری در راستای تأمین زیرساخت‌های کشور و برطرف‌سازی موانع پیش روی، با الگو قراردادن موفقیت‌های غرورآفرین تجربه شده مانند سدسازی از موارد مطروحـه در این کنفرانس خواهد بود. بررسـی فراخوان در جهت بکارگیری حداکثر ظرفیت مهندسـی کشور برای پیشـبرد پروژه‌های نفت و گاز به عنوان مهم‌ترین محور توسعه فنی و مهندسی در حال حاضر، محور دیگری است که در کنفرانس مطرح خواهد گردید.

دبیر دومین کنفرانس بین‌المللی صنعت احداث، مأموریت این کنفرانس را زمینه‌سازی توسعه‌ی همه‌جانبـه‌ی صنعت احداث عنـوان کرد و گفت: ارائه‌ی راهکارهای مناسـب برای دولت جهت ایجاد بسـترهای لازم به منظور توانمندسـازی و ماندگار نمودن شرکت‌ها در راستای توسعه‌ی مهندسی، توجیه و تشویق شرکت‌های پروژه‌محور به بازنگری در ساختار درونی خود برای ایجاد بهبود مستمر عملکرد و پی‌ریزی زمینه‌های ماندگاری در صنعت احداث و شناسایی تهدیدها و فرصت‌ها و تبیین راهکارهای ارتقای جایگاه شرکت‌ها در بازارهای جهانی برای انتقال و استفاده از فناوری‌های نوین و ایجاد اشـتغال در کشـور، اهداف اصلی بزرگ‌ترین رویداد توسعه‌ای بخش خصوصی می‌باشد.

وی با اشاره به تلاش موسسه تحقیق و توسعه صنعت احداث، در راستای بهره‌گیری از مفاهیمی چون هم‌افزایی، مهندسی شبکه‌ی انسانی و شبکه‌های ارزشی در توسعه و تبدیل دانش پنهان جامعه به دانش آشکار، از حضور نمایندگان بانک توسعه اسلامی (IDB)، فدراسیون مهندسان مشاور کشـورهای اسـلامی (FCIC) و اعضای فدراسـیون پیمانکاران کشـورهای اسلامی (FOCIC) و بخش‌های مختلف خصوصی داخل کشور در این کنفرانس خبر داد.

دبیـر دومین کنفرانس بین‌المللی صنعـت احداث، تأثیرگذاری بـر تصمیم‌گیرندگان (دولت و تشـکل‌ها)، تبیین نقش دولت در ظرفیت‌سـازی، ایجاد توانمندی و ماندگاری شـرکت‌های پروژه‌محور، فراهم‌آوردن زمینه‌ی توسـعه‌ی همه‌جانبه‌ی شـرکت‌ها و سازمان‌ها، تبیین نقش متقابل شرکت‌ها و سازمان‌های اشاره شده، دولت و مراکز آموزشی و پژوهشی برای زمینه‌سازی و تحقق توسـعه‌ی ملی بر مبنای اهداف سـند چشم انداز بیست ساله، تبیین ضرورت‌های نام تجاری (Brand) در شـرکت‌ها و سازمان‌ها برای ظرفیت سازی، ایجاد توانمندی و ماندگاری آن‌ها و تبیین ضرورت‌های زیست‌محیطی در عملکرد شرکت‌ها و سازمان‌های پروژه‌محور را به عنوان ابعاد و ضرورت‌های برگزاری این کنفرانس بسیار مهم بیان کرد.

اطلاعات بیشتر درباره دومین کنفرانس بین‌المللی صنعت احداث، از طریق روش‌های زیر در دسترس می‌باشد:

تلفن: ۸۸۷۲۴۲۷۹ - ۸۸۷۲۴۲۶۴ تلفکس: ۸۸۷۲۴۹۲۰ رایانامه: info@sce-conference.com

نگاهی اجمالی به ادبیات اقتصادی و مالی

دکتر غلامرضا علی‌زاده

بورس (Bourse)

بورس مفهومی اســت که از زبان فرانســوی وارد ادبیات مدیریت مالی شده است و معنای آن «کیف پول» است. ولی در مدیریت به نهادهای سازمان یافته عمده و اساسی بازار سرمایه اطلاق می‌شود که کارکردهای زیر را دارد:

۱. مدیریت انتقال ریسک و توزیع آن ۲. شفافیت گردش اطلاعات
۳. دقیق‌ترین راه کشف قیمت ۴. ایجاد بازار رقابتی سالم
۵. جمــع‌آوری ســرمایه‌ها و پس‌اندازهــای کوچک بــرای تأمین سرمایه مورد نیاز کارآفرینان و مدیران فعالیتهای اقتصادی

تاریخچه تأســیس اولین بورس به اواخر قرن چهارده و اوایل قرن پانزده کشور هلند برمی‌گردد. ولی آغاز فعالیت آن به صورت مدون از دو قرن پیش شروع شده است و در هزاره سوم با رشد فناوری‌های نوین بیشــتر معاملات بورس از طریق رایانه انجام می‌شود. بورس انواع مختلفی دارد که به طور خلاصه در مفاهیم زیر ارائه می‌شود.

انواع بورس:

۱ بورس کالا (Commodity Exchange)

در این بورس، کالاهای تضمینی به صورت متشکل و سازمان یافته عرضه و معامله می‌شود به طور کلی کلیه معاملاتی که در زمینه فلزات و مواد معدنی (کانی‌ها)، انرژی و محصولات کشاورزی مورد معامله قرار می‌گیرد در گروه بورس کالایی قرار می‌گیرد.

۲ بورس اوراق بهادار

در ایــن بورس ســهام شــرکتهای گوناگون تولیــدی، خدماتی و سرمایه‌گذاری داد و ستد می‌شود که در محاوره‌های عمومی به آن بازار بورس، بازار سهام نیز گفته می‌شود که کارکردهای زیر را دارد:

۱. کنترل نقدینگی در جامعه ۲. فرصت مطلوب برای سرمایه‌گذاری
۳. توزیــع عادلانه ثروت ۴. کمک به رشــد تولیــد ناخالص داخلی
۵. نقش‌آفرینــی در مهار تورم ۶. اســتفاده مطلوب از ســرمایه‌ها و پس‌اندازهای کوچک مردمی ۷. هدایت ســرمایه‌های سرگردان در مسیر تولید و فعالیتهای مولد و مفید ۸. کمک به رشد صنعتی کشور

کارگزاری‌های بورس

کارگزاری‌ها، وکیــل و نماینده تام‌الاختیار بــرای خرید و فروش سهام هستند و بی‌واسطه آنها هیچ کس نمی‌تواند در تالار بورس خرید و فروش نماید. لازم به توضیح است که خرید و فروش سهام در تالار بورس انجام می‌گیرد که حضور مردم در آن الزامی نیست افرادی هم که به تالار بورس مراجعه می‌کنند بیشتر برای آگاهی از روند و فرایند امور سهام و گفتگو و مشاوره با یکدیگر است، در ضمن باید گفــت که حضور خریدار ســهام در دفتر کارگزاری‌ها ضروری است و باید خریدار شخصاً مراجعه نماید و اسنادی چون شناســنامه و کپی آن و کارت ملی خود را همراه داشــته باشد تا جهت خرید سهام شرکت دلخواه به کارگزار تسلیم نماید.

سهام چیست؟

● ســرمایه هر شرکت ســهامی، به قســمتهای مساوی تقسیم می‌شــود که به هر یک از این قســمتها یک سهم گفته می‌شود. معمولاً در ایران قیمت اسمی هر سهم هزار ریال می‌باشد.

انواع سهام

سهام به دو نوع عادی و ممتاز تقسیم می‌شود:
سهامداران عادی که در واقع مالکان اصلی شرکت می‌باشند دارای حقوق و مزایای زیر می‌باشند:

۱. حق دریافت سود سهام (EPS)
۲. حق رأی دادن در مجامع عمومی عادی و فوق‌العاده
۳. حق تقدم در خرید سهام
۴. حق باقیمانده پس از انحلال شرکت
۵. حق اطلاع از فعالیتهای شرکت

ســهامداران ممتاز علاوه بــر مزایای فوق‌الذکــر در زمان انحلال شرکت نســبت به دارندگان سهام عادی در دریافت ارزش اسمی سهام خود اولویت دارند.

فرا بورس OTC(Over The Counter)

بــرای تعریف این مفهوم باید ابتــدا توضیح مختصری ارائه کنم و آن این اســت که اگر محدودیتی در اساسنامه وجود نداشته باشد سهام شــرکتها قابل نقل و انتقال اســت. ولی در ایران برای نقل و انتقال ســهام، شرکتها و گردش ســرمایه‌ها در قالب سهام بازار رسمی برای آن وجود دارد که بورس اوراق بهادار تهران نام دارد. و سهام شرکتهایی که در این بورس عضو هستند قابل نقل و انتقال است که در حال حاضر حدود چهارصد شرکت عضو آن می‌باشند. با توجه به محدودیتهایی که این امر در باراز سرمایه ایجاد می‌کرد در سال ۱۳۸۴ قانون جدید اوراق بهادار به تصویب رسید که ماده ۲۸ آن مشــعر بر تأسیس بورس‌ها، بازارهای خارج از بورس و نهادهای مالی بود. بنابراین به منظور توسعه فعالیتهای بازار سرمایه در تاریخ ۱۳۸۷/۸/۲۲ با مجوز سازمان بورس و اراق بهادار اولین شرکت برای این منظور با نام شــرکت فرابورس ایران به ثبت رســید که متولی راه‌اندازی و اداره بازارهای خارج از بورس است. بازار فرابورس بسیار منعطف است و خدمات زیر را به اعضاء ارائه می‌دهد:

۱. تأمین مالی آسان و ارزان برای شرکتها
۲. بهره‌منــدی از معافیتهــای مالیاتــی حــدود ۱۰درصــد برای شرکتهای پذیرفته شده در فرابورس

۳. کاهش نرخ مالیات نقل و انتقال
۴. نقل و انتقال آسان سهام
۵. شفافیت و اعتبار قیمت سهام شرکتها در فرابورس
۶. اطلاع‌رسانی هماهنگ و همگانی به سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل
۷. بهره‌گیری از امکانات وثیقه‌گذاری سهام در شبکه بانکی
۸. معرفی شرکتها و محصولات آنها در لایه‌های گسترده اجتماعی
۹. پیش‌بینی فرایند با سهولت برای خروج از فرابورس
شایان ذکر است که پذیرش و عرضه اوراق بهادار در فرابورس ایران در قالب چهار بازار مجزا انجام می‌شود.
۱. بازار اول ـ که علاوه بر سهام شرکتها، واحدهای صندوق‌های سرمایه‌گذاری با نام نیز در این بازار پذیرفته می‌شود. ۲. بازار دوم ـ در این بازار صرفاً سهام شرکتهای سهامی عام پذیرفته می‌شود. ۳. بازار سوم (بازار عرضه) در این بازار معاملات عمده اوراق بهاداری انجام می‌شود که امکان با شرایط پذیرش در بازار فرابورس را ندارد. از جمله سهام شرکتهای سهامی در شرف تأسیس در این بازار عرضه می‌شود. ۴. بازار چهارم (اوراق مشارکت) در این بازار انواع اوراق با درآمد تضمین شده از جمله اوراق مشارکت، گواهی سپرده بانکی و... که در زمان پذیرش حداقل سه ماه تا سررسید آنها باقی مانده باشد قابل پذیرش در این بازار است مشروط بر آنکه بعد از پذیرش معاملات دست دوم آنها منحصراً از طریق فرابورس انجام شود.

راه‌های تجزیه و تحلیل سوددهی سهام شرکت‌ها برای خرید

برای ارزیابی سهام برای خرید از شاخص‌ها و مؤلفه‌های زیر استفاده می‌شود:۱. اطلاعات بازار (نمودار قیمت و بهره) برای ارزیابی کوتاه مدت ۲. روش شناسایی نقطه اوج و افت قیمتها و سایر عوامل مؤثر در نوسان قیمت سهام

در این زمینه گوستاو لی‌بون مطالعه و بررسی رفتار سرمایه‌گذاران را در ارزیابی مهم می‌داند. آندره کاستولانی مطالعه ذهنیت عامه مردم و پس ذهن آنها را در ارزیابی مهم می‌شناسد. جی‌ام کینز (شنا در جهت خلاف جریان آب را در ارزیابی وارد می‌کند.ارزیابی اوراق بهادار برای سنجش ارزش ذاتی سهام (ارزش فعلی درآمد آتی سهام) به کار می‌رود.در ارزیابی معمولاً به شاخص‌های زیر توجه می‌شود.

۱. درآمد آتی Acid income
۲. بازده سهام Stock returns
۳. حاشیه سودProfit margins
۴. سایر اطلاعات مالی (نسبتهای مالی) برای تعیین ارزش ذاتی هر سهم

معمولاً ارزیابی اوراق بهادار در سه سطح انجام می‌گیرد.
۱. تجزیه و تحلیل جهانی و تأثیر بلندمدت و کوتاه‌مدت (نرخ تورم، نرخ بهره، سیاستهای دولت و غیره)
۲. تجزیه و تحلیل صنعت – حسایت صنعت برچرخه بازرگانی، مقررات دولتی و ساختار بازار
۳. تجزیه و تحلیل شرکت – بررسی شاخصهای مالی، اقتصادی و مدیریتی شرکت

ارزش ذاتی سهام یا مدل تنزیل سود سهام معمولاً به روشهای زیر:
الف: دوره تملک محدود ب: دوره تملک نامحدود ج: مدل رشد دومرحله‌ای د: مدل ارزش افزوده اقتصادی محاسبه می‌گردد که به دلیل مباحث فنی پیچیده و طولانی آن برای کاستن از حجم مطلب به همین میزان بسنده می‌کنیم. علاقه‌مندان به اطلاعات بیشتر در این زمینه با دفتر انتشارات مکاتبه و تماس حاصل نمایند تا اطلاعات بیشتری در اختیار آنها قرار گیرد.

گزارش عملکرد
کمیسیون قوانین و مقررات

کمیسیون قوانین و مقررات در جلسات اخیر خود جهت پیشبرد برنامه های انجمن و دستیابی به اهداف عالی خود که اهم آن حل مشکلات اعضاء صنف می‌باشدبا پیگیری موضوعات ارجاع شده به کمیسیون فعالیت و اقدامات ذیل را در دستور کار خود داشته است.

۱ موضوع آئین‌نامه "تشخیص صلاحیت پیمانکاری" که توسط هیأت‌مدیره در دستور کارکمیسیون قرار گرفته بود پس از بررسی در کمیسیون وکارگروه نظرات نهایی به ریاست هیأت‌مدیره ارائه شد و در این خصوص رئیس هیأت‌مدیره و رئیس کمیسیون قوانین و مقررات جلسه‌ای در محل معاونت برنامه‌ریزی با آقای مهندس رحمتی و معاونان برگزار نمودند و مشکلاتی که اعضا صنف با آئین‌نامه تشخیص صلاحیت و نحوه اجرای آن وسایت ساجات دارند را به اطلاع و استحضار ایشان رساندند و درخواست همکاری بیشتری شد که سازمان نیز با قبول بعضی از مشکلات اجرایی آئین‌نامه و ارائه توضیحات با درخواست انجمن جهت برگزاری جلسات و تعامل بیشتر جهت برطرف نمودن مشکلات در اجرای آئین‌نامه‌ها را قبول نمودند.کمیسیون قوانین و مقررات از اعضا انجمن و انجمن‌های تأسیساتی و راهسازی، نفت وگاز، کانون سراسری شرکتهای ساختمانی نیز درخواست نمودکه نظرات خود را در این خصوص به انجمن منعکس نمایند.

مقرر گردید با تعامل بیشتر و رایزنی‌های آتی جهت تشکیل همایش و کلاس آموزش اعضا و پاسخ به سؤالات احتمالی اعضا انجمن در صورت نیاز اقدام گردد.

۲ موضوع" تعیین دامنه مناسب قیمت "، که توسط هیأت‌مدیره در دستور کار کمیسیون قرار گرفته بود کمیسیون قوانین با ارجاع موضوع به کارگروه سه نفره پس از بررسی مفصل با جمع‌بندی نظرات درکمیسیون طی نامه‌ای نظرات به ریاست هیأت‌مدیره گزارش شد تا در پیگیری‌های آتی ایشان نظرات کمیسیون و انجمن در اصلاح بخشنامه‌ها مؤثر واقع شود، کمیسیون تا حصول نتیجه نهایی واصلاح بخشنامه مذکور موضوع را پیگیری می‌نماید.

۳ کمیسیون قوانین و مقررات در حال بررسی موضوع تولیدی یا خدماتی بودن فعالیت پیمانکاری از لحاظ منشاء حقوقی و چگونگی پدید آمدن این تعاریف و منابع و مأخذ تعریف آن می‌باشدکه با توجه به امتیازاتی که برای واحدهای تولیدی از طرف دولت مثل تقسیط بدهی‌های معوق واحدهای تولیدی و... در نظر گرفته می‌شود بتواند از حقوق اعضاء انجمن و صنف در این خصوص تا حد امکان دفاع نمود.

۴ کمیسیون قوانین و مقررات آقای مهندس عباس وفائی را به عنوان نماینده خود در شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی در خصوص بررسی "آئین‌نامه تضمین معاملات دولتی" که در کمیسیون مطرح و نظرات کمیسیون در غالب یک نامه تهیه شده و با امضای دبیر محترم انجمن به سازمان معاونت برنامه‌ریزی و راهبردی ریاست جمهوری ارسال شده بود، جهت دفاع از نظرات و هماهنگی با سایر اصناف و انجمن‌ها معرفی نمود و نظرات ارائه شده مورد تأیید شورای فوق‌الذکر قرار گرفت.

۵ بررسی قوانین و آئین‌نامه‌ها و پاسخ به سؤالات و مکاتبات اعضا مطابق معمول.

اشاره:
تفاهم‌نامه‌ای بین انجمن شرکتهای ساختمانی با بانک ملت در تاریخ ۸۸/۴/۷ منعقد گردیده بودکه با امضاء مجدد دارندگان امضاء رسمی مفاد آن به مدت سه سال دیگر تمدید شد.
در زیر نامه بانک ملت و تمدید تفاهمنامه تا ۹۳/۵/۱۱ جهت اطلاع خوانندگان گرامی ماهنامه پیام آبادگران عینا درج می‌شود.

بسمه تعالی

الحاقیه تفاهم نامه مورخ ۸۸/۴/۷

این الحاقیه به استناد ماده۴ تفاهم نامه ، فیمابین بانک ملت با مدیریت آقای دکتر علی دیوانـدری مدیرعامل بانک که در این الحاقیه اختصاراً بانک نامیده می شود و انجمن شرکتهای ساختمانی با نمایندگی آقایان مهندس منوچهر ملکیانی فرد رئیس هیات مدیره و مهندس محمد عطاردیان دبیر وعضو هیات مدیره انجمن که در این الحاقیه اختصاراً انجمن نامیده می شود به شرح و شرایط ذیل مورد توافق قرار گرفت:

تفاهم نامه مزبور با همان شرایط و ضوابط مندرج در آن بمدت ۳ سال دیگر و تا تاریخ ۹۳/۵/۱۱ تمدید گردد.

این الحاقیه در دو نسخه تهیه ، تنظیم و امضا گردید که اعتبار هر دو نسخه یکسان می باشد.

تهران به تاریخ۳۱/۵/ ۹۰

بانک ملت — انجمن شرکتهای ساختمانی

علی دیوانـدری — منوچهر ملکیانی فرد — محمد عطاردیان

بانک ملت — جمهوری اسلامی ایران — BANK MELLAT

تاریخ: ۱۳۹۰/۶/۲۳
شماره: ۲۴۰۱۰
پیوست:

جناب آقای محمد عطاردیان
دبیر و عضو محترم هیئت مدیره انجمن شرکت های ساختمانی

با سلام و احترام به پیوست یک نسخه از الحاقیه تفاهم نامه فی مابین بانک ملت و آن انجمن محترم که به امضاء جناب آقای دکتر دیوانـدری مدیر عامل محترم بانک رسیده است حضورتان تقدیم می گردد.

مدیر شعب منطقه شش تهران

کاربرد فناوری‌های اطلاعات در شکل‌گیری سازمانهای هوشمند و یادگیرنده پیمانکاری ساختمانی

ضرورت امروز و نیاز فردا

مهندس غلامرضا قاضی‌زاده
رئیس هیأت‌مدیره هلدینگ شش م (6M)

نارسایی و ضعف در کاربرد فناوریهای نوین در سازمانهای پیمانکاری صنعت احداث و کم‌توجهی به امور نرم‌افزاری در این جامعه بسیار سخت‌افزاری که از فرهنگ صنعتی ضعیف و بیهوده‌کاری و راندمان و بهره‌وری کم رنجور است و با فقر رشدیابنده در جامعه مواجه است یکی از عوامل مؤثر در عدم دستیابی به پایگاه و جایگاه واقعی این صنف می‌باشد بررسی‌ها نشان می‌دهد که قرار گرفتن در چنین شرایطی به طور عمده منتج از تفکرات مربوط به عصر کشاورزی است به طوری که رگه‌های بسیار ضعیفی از مناسبات دوران صنعتی و عصر اطلاعات در آن می‌توان مشاهده کرد. درست در نقطه مقابل، دنیای پیشرفته قرار دارد که به تناسب درجه توسعه‌یافتگی و میزان بالای درآمد سرانه، بهره‌گیری از سیستم‌های اطلاعاتی در بطن و متن نهادها، سازمان‌ها و مناسبات بین‌المللی آنها از جمله شرکتهای مهندسی پیمانکاری آنها نیز افزایش می‌یابد، استفاده از Internet در بعد ارتباطات جهانی و Intranet و Extranet در حوزه‌های درون سازمانی و پیوند با سازمانهای دارای همپوشی و هم‌کوشی برای ارتباط خلاق از دیگر وجوه متمایزکننده آنها در روند جهانی شدن و تبدیل به سازمانهای هوشمند و یادگیرنده می‌باشد که آثار آن را در رشد اقتصادی و توسعه بنیانهای علمی می‌توان دید.

کاستی‌ها و نارسایی‌های ایران در بهره‌مندی از سیستم‌های اطلاعات باعث گردیده است که کلیه مشکلات و مسائل دنیای صنعتی را به دوش بکشد ولی از مزایا و امتیازهای فضاهای سایبری آن در حد و اندازه لازم برخوردار نباشد؛ به همین دلیل در این مقاله سعی بر آن است که دیدگاه‌ها و مأموریت‌های برگرفته شده از دنیای فناوری اطلاعات (IT) و فضاهای سایبری تا حدودی مورد تشریح و تبیین قرار گیرد.

با این پیش درآمد که بیان فکرافزار مطابق و همراه با واقعیات و امیدهای فراوان گرچه ممکن است خوش‌آیند بعضی‌ها نباشد ولی چه باک! اگر مفید باشد.

زیباترین حرفت را بگوی
و شکنجه پنهان درونت را آشکار کن
و هراس مدار از اینکه بگویند ترانه ات ترانه بیهودگی است
و یا سرودی به بطالت سروده ای
بگذار آفتاب هم برنیاید اگر برماش منتی است
چرا که عشق خود آفتاب است

هلموت کهل صدر اعظم سابق آلمان (دهه ۸۰ و اوائل دهه نود که هنوز مقوله IT روزهای ابتدائی خود را میگذراند گفت):"ما باید مردم را از پراکنده شدن در خیابانها و بیابان ها برای دسترسی به اطلاعات و انجام معاملات برحذر داریم و اطلاعات را به خانه و دفاتر کار آنها (با امکانات Laptopهایشان ببریم) تا هر چه کمتر احتیاج به اتومبیل، جاده، خیابان، اتوبان، پل، پارکینگ و از همه مهمتر اتلاف وقت داشته باشیم و بهره‌وری را افزایش دهیم؛ برای دریافت بهتر و بیشتر از اهمیت سیستم‌های اطلاعات و برای زنده بودن و امکان عاشق شدن در دنیای نرم افزاری و سایبر باید بگویم که آقای بیل گیتس از انسان‌های والائی است که سرعت

حرکت جهان را دهها برابر کرده به طوری که جهان با این قبیل تلاش‌ها ظرف ۱۵ سال گذشته یکبار دیگر از نو ساخته شده است و در زمانی کوتاه‌مدت در آینده دوباره به شکل نوینی ساخته خواهد شد.

امروز سرعت و شتاب جریان اطلاعات در (سازمان‌ها) به مثابه جریان خون در ارگانیزم‌هاست.

سنت‌گریزی از ویژگی‌های ممتاز مدیریت قرن بیست و یکم است. دیگر سرنوشت زندگی انسان از پیش بر پیشانیش حک نیست، اراده انسانی در آفرینش آن بسیار مؤثر است.

پارادایم در هزاره سوم نگاه دیگری بر منابع انسانی دارد به طوری که این گزاره‌ها در مورد او صدق می‌کند.

تو همانی که خود خواسته‌ای.
و تو همانی خواهی شد، که می‌خواهی

و روند جوامع نیز بر پایه و اساس برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های برگرفته از فناوری‌های اطلاعات رقم خواهد خورد. با توجه به مراتب فوق ایران به شدت نیازمند استقرار و گسترش سیستمهای اطلاعاتی است زیرا در بین ۱۳۰ کشور رتبه‌بندی شده در کاربرد کامپیوتر وIT جهان وجود خارجی ندارد و حتی دهها ردیف از کشورهای عربی نیز پایین‌تر قرار دارد. برای برون‌رفت از این وضعیت ضمن استقرار فناوری‌های نوین اطلاعات می‌بایستی اصل آموزش را به عنوان کلید طلایی موفقیت به کار بریم. به تعبیر ضرب‌المثل انگلیسی "No success without training" موفقیت بدون آموزش هرگز امکان‌پذیر نیست، در این جمله عصاره‌ای از دانایی‌ها متبلور است با این توضیح که آموزش و تخصص نباید با آموزش‌های دانشگاهی اشتباه شود! در این خصوص توجه معطوف به آموزش‌های غیررسمی و ترویجی یا Training است که کاربردی است و در کتابها و نوشته‌ها مضبوط است. این نوع آموزش عملی و اجرایی و متناسب با نیازها برای سازمان‌ها، نهادها به ویژه شرکتهای مهندسی پیمانکار ساختمانی لازم است. ضمن آنکه یکی از مؤثرترین راه‌ها برای افزایش بهره‌وری، کارایی و اثربخشی در سازمان کاربرد فناوری اطلاعات در آنهاست به طوری که در سازمانهای پُست مدرن (پسانوگرا) میزان سرمایه هر نهادی را با عنایت به بانک اطلاعاتی ناشی از کاربرد IT در آن می‌سنجند.

آمارهای ارائه شده غیررسمی حاکی از آن است که بهره‌وری روزانه و واقعی جامعه ما با احتساب ارزش افزوده‌های حاصله، چیزی حدود ۱۲/۵ تا ۶۵ دقیقه در روز است البته (آمار رسمی و دقیقی وجود ندارد) آمریکا، ژاپن و آلمان حدود ۷ ساعت و ۲۹ دقیقه و به تبع آن درآمد سرانه سال ۸۹ ایران حدود ۴هزار و ۶۷۰ دلار با نفت بود و در مقابل کشورهای فوق‌الذکر در همان سال درآمد سرانه‌ای معادل ۴۸هزار تا ۵۶هزار دلاری داشته‌اند که غالبا بدون نفت و بدون منابع زیرزمینی به آن دست یافته‌اند، با این توضیح که برخی از آنها کشورهای کوچکی نیز می‌باشند.

در هزاره سوم رشد و توسعه اقتصادی کشورها با شاخص‌های

دیگری اندازه‌گیری می‌شـود به طوری که امروز منبع و منشـاء ثروت، انسانها هسـتند نه منابع زیرزمینی رو به کاهش و از بین رفتنی؛ از سـویی دانش، سایبر و دانائی‌محوری‌های رو به افزایش آن پایـه و مایه اصلی دیگر معیارهای توسـعه‌یافتگی و ثروت را تشـکیل می‌دهد. برای دریافت بیشـتر، رویکرد آن را در فرایند جهانی شدن مورد توجه قرار می‌دهیم.

با توجه به اهمیت منابع انسانی در هزاره سوم بررسی‌ها نشان می‌دهد که امور توسعه در جهان به روش زیر تقسیم‌بندی شده است:

دنیای اول: نرم افزار، صنایع بسـیار پیشـرفته و جنگ‌افزارهای با نرم‌افزارهای پیچیده و با ارزش افزوده‌های بسـیار بالا، بانک‌داری ، تجارت و بازرگانی. کشـورهای آمریکا، کانادا، سـوئیس، آلمان، انگلیس، فرانسه و ژاپن از این نوع می‌باشند.

دنیای دوم: صنایع معمول و بعضا پیشرفته مانند جنگ‌افزارهای کمتر پیچیده، ماشین‌سـازی، آلات و ابزار پیشـرفته و توریسم و لوازم خانگی، ایتالیا، اسپانیا، برزیل و روسیه وچین در این دسته طبقه‌بندی می‌شوند.

بالاتـر از جهان سـوم ولـی پایین‌تر از جهان پیشـرفته، صنایع کاربردی با ارزش افزوده کمتر مانند اتومبیل‌سـازی، حمل و نقل و کشتی‌سازی و ذوب‌آهن و امثال آن؛ کشورهای ترکیه و یونان و کشورهای اروپای شرقی و بعضا خاور دور و کمتر آسیائی در این گروه مشاهده می‌شوند و کشـورهای جنوب با درآمدهای سرانه زیر ۲۰۰۰ دلار؛ صنایع نیروبر و دارای Pollution (آلاینده) مانند ذوب‌آهن، کارخانجات سـرب و روی و تیتانیوم، لباس، دمپائی و قابلمه و ساخت البسه غیراستاندارد و عمدتا آلوده و امثالهم.

در حالی که دنیا به جائی رسیده که در آن انسان‌هائی وجود دارند که میزان ثروت آنها چندین برابر بودجه سالانه بعضی کشورهای در حال توسعه دیرهنگام است، به عنوان مثال ثروت بیل گیتس بیشـتر از ۲۰ برابر بودجه کشـور اردن هاشمی است و این نوع ایجاد ثروت مقبولیت جهانی دارد، چون از کسـی به ناحق گرفته نشده است بلکه قسمت بسـیار کوچکی از ارزش افزوده‌ای است که چنیـن آدمهای بزرگی تولید می‌کنند. بـرای ورود به چنین عرصـه‌ای، نوآوری و ابتکار با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات (IT) لازم اسـت و رفتن به سمت آن به مصداق شعر زیبای سهراب با تغییر الگو یا (Shift Paradigm) امکان‌پذیر است که می‌گوید:

چشمها را باید شست — جور دیگر باید دید
واژه ها را باید شست — چترها را باید بست
زیر باران باید رفت — فکر را، خاطر را، زیر باران باید برد

و پارادیم‌ها را باید به کل عوض کرد به ویژه این گزاره ضرب‌المثلی (خواهی نشـوی رسـوا همرنگ جماعت شـو) را کـه گاهی در جهان‌بینی و هستی‌شناسی تأثیر می‌گذارد باید تغییر داد و گفت "خواهی نشـوی همرنگ رسوای جماعت شـو" چرا که ماحصل تفکرات همرنگ چیزی است که داریم.

در فلسفه روز سایبر و دنیای اطلاعات میگویند:

"تجربه چیز خوبی اسـت ولی اگر به مغز فرو رود و به روز نشود مغز را فاسد می‌کند.

"زندگی همچنان آب است
آب اگر راکد بماند چهره اش افسرده می‌گردد
در ملال آبگیرش غنچه لبخند می‌میرد
آهوان عشق از آب گل آلودش نمی‌نوشند
مرغکان شوق تصویرشان در آب گِل آلوده نمی‌افتد
کرم خاکی نیستم تا بمانم در مغاکِ خویشتن خاموش
نیستم شبکور کز خورشید روشنگر بپوشم چشم
آفتابـم جویبارم مـوج بی‌تابم که بر سـاحل صدف‌های پری می‌آورم‌همراه
من نه بتوانم بارها از یک شراب ناب نوشیدن
من نه بتوانم لبی را سالها با شوق بوسیدن
اینک آن آواز و پرواز بلند، وین زبونی و زمین گیری

اینک آن هم بسـتری با دختر خورشید وین هم خوابگی با مادر ظلمت چه باید کرد؟

چـرخ چاه را دوباره نباید اختراع کرد و باید حداکثر اسـتفاده را از دسـت آوردها و دانسـتنیهای جهان برد. برای شاهد مثال به بیان دکارت اسـتناد می‌کنم که از ایشـان می‌پرسند که: تو که فیلسوف بزرگ و ریاضی دان نابغه‌ای هستی، ثابت کن روز است. گفت:آفتاب می‌تابد.

پس باید آفتاب را دلیل روز بودن و استفاده حداکثر از آن بدانیم و از دانـش روز دنیـا حداکثر اسـتفاده را بکنیم و توجه داشـته باشیم که مشکلات عمده ملت‌ها مثل آلودگی هوا، ترافیک، فقر، گرسـنگی، بهره‌وری بسیار کم و اسـتانداردهای پایین زندگی با ساخت اتوبان و پارکینگ و امثالهم به تنهایی حل نمی‌شود بلکه با هم‌افزائی اطلاعات، IT و دنیای سایبر حل می‌شود که کم‌هزینه و بسیار پر بازده است. پایان سخن را با شعر و بیان بزرگان به پایان می‌بریم که گفته‌اند:

همت بلند دار که مردان روزگار — از همت بلند به جائی رسیده‌اند

و هیچ صیادی از جویبار حقیری که به مردابی می‌ریزد، مرواریدی صید نخواهد کرد.

پس بزرگ بیاندیشیم و به تناسب آن تفکر، عمل نمائیم.

پاراماهـان یوگاناندا می‌گوید: به محض اینکـه کاری در جهت منافع کسـی انجام می‌دهید نه تنها او به شـما فکر می‌کند بلکه خداوند نیز به شما فکر می‌کند. پس بیائیم اینگونه باشیم.

امین سیستم

ارائه‌دهنده نرم‌افزار حسابداری، انبارداری، حقوق ودستمزد، پرسنلی، اموال، خزانه‌داری و.... با زبان نیرومند visual c++ در محیط ویندوز، به صورت تک کاربره و شبکه دارای قفل سخت‌افزاری نصب و سه جلسه آموزش رایگان در محل با بیش از ده سال سابقه در امر فروش نرم‌افزارهای مالی و مالیاتی در شرکتهای ساختمانی، راه‌سازی، فنی و مهندسی، پیمانکاری، تولیدی و بازرگانی

نشانی: تهران، خیابان خرمشهر (آپادانا)، خیابان شهید عربعلی، خیابان یکم، پلاک ۱۰، واحد ۸ تلفن: ۸۸۷۴۴۱۳۵-۸۸۷۳۵۳۶۳

همراه: ۰۹۱۲۳۷۸۴۷۸۳-۰۹۱۲۱۲۷۲۳۲۵

Persian Languages Titles

Methods of investment absorption in construction projects	Page 8
Entrance to the articles no. 46 & 48 of contract general condition	Page 10
Friendly interview with Eng. Moghimi Azari in honestly atmosphere	Page 18
Necessity of transferring of construction companies grading to syndicates and associations	Page 23
Payment delay damage	Page 28
Necessity of creation of allocated courts on clearance of construction contracts discrepancy	Page 30
Pagard (literature pages)	Page 38
A view to the cities situation in south countries	Page 40
Proposal on increasing of CCA duties and position	Page 41
Guiding of management to the investment according to the new conditions	Page 42
Cooperation of national businessmen on performance of oil industry projects	Page 47
Necessity of creation of associations coordination council	Page 48
Economical active diplomacy as beginning of engineering and technical services export	Page 52
Construction companies work only on 30% of their capacities	Page 58
A view to the economic & financial literatures	Page 60
Report of CCA rules and regulation commission	Page 62
Learning organizations and intelligent use of information technology in the construction contract	Page 63

مؤسسه تحقیق و توسعه
صنعت احداث

دومین کنفرانس بین المللی

صنعت احداث

با رویکرد : ظرفیت سازی، ایجاد توانمندی و ماندگاری شرکت ها و سازمان های پروژه محور

The Second International Conference Of
Construction Industry

With The Approach Of Capacity Building, Empoverment And Sustainability Of Project-Based Companies And Organizations

November 13th and 14th , 2011

۲۲ و ۲۳ آبان ماه ۱۳۹۰ - تهران - مرکز همایش های بین المللی هتل المپیک

بزرگترین رویداد توسعه ای در بخش خصوصی ایران

(تشکل ها و شرکت های مهندسی پروژه محور در صنعت احداث) در سال ۱۳۹۰

با حضور مقامات دولتی، مدیران و اساتید برجسته کشور و سخنرانان بین المللی از مدیران ارشد (IDB)، (FCIC)، (FOCIC)

زمان‌بندی:

آخرین مهلت ارسال اصل مقالات: اول مهر ۱۳۹۰

اعلام نتایج داوری اصل مقالات: ۲۵ مهر ۱۳۹۰

موضوعات کنفرانس:

۱. نقش دولت در زمینه‌سازی و ایجاد عوامل برای ماندگاری، ظرفیت‌سازی و ایجاد توانمندی شرکت ها و سازمان‌های پروژه محور
۲. نقش تشکل‌ها، شرکت‌ها و سازمان‌های پروژه‌محور بخش خصوصی در ظرفیت سازی، ایجاد توانمندی و ماندگاری آنها
۳. نقش رعایت اصول اخلاق حرفه ای در توسعه توانمندی شرکت ها
۴. درس های آموخته در اجرای قوانین حاکم بر کشورهای در حال توسعه موفق در ظرفیت‌سازی، ایجاد توانمندی و ماندگاری شرکت‌ها (مانند ترکیه و مالزی و ...)
۵. تجارب مدیران صنعت احداث در حوزه ظرفیت سازی و ایجاد توانمندی و ماندگاری
۶. نقش توسعه منابع انسانی و آموزش مستمر کارکنان در ارتقای توانمندی شرکت‌ها
۷. مشارکت دولت در مسئولیت ریسک‌ها

به شرکت کنندگان در کنفرانس گواهینامه معتبر اعطاء می شود.

حامیان بین المللی:

- بانک توسعه اسلامی (IDB)
- فدراسیون مهندسان مشاور کشورهای اسلامی (FCIC)
- فدراسیون پیمانکاران کشورهای اسلامی (FOCIC)

حضور علمی، دستگاه های اجرایی و مالی اولین کنفرانس

- دانشکده های فنی دانشگاه تهران
- دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی
- پژوهشکده توسعه تکنولوژی جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی شریف
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- اتاق بازرگانی و صنایع معادن تهران
- شورای هماهنگی تشکل های مهندسی عمرانی و حرفه ای کشور
- کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران
- کانون سراسری انجمن شرکتهای ساختمانی، تأسیساتی و تجهیزاتی
- مؤسسه آموزشی و پژوهشی اتاق بازرگانی و صنایع معادن ایران
- انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری
- انجمن بتن ایران
- مرکز مطالعات و هماهنگی‌های علمی بین المللی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- رسته بین آب انجمن شرکت های ساختمانی
- معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران
- شرکت انرژی پویا
- شرکت فنی و ساختمانی تهران جنوب
- شرکت کیسون
- شرکت جهان پارس
- شرکت ایتوک ایران
- شرکت ساختمانی پرتیت
- شرکت ساختمانی باد راه
- شرکت آبیطات طوس
- شرکت مجری پروژه های دیوکاهی ایران
- شرکت پوروان
- آباد رهان پارس
- شرکت مهاب فنی
- بانک توسعه صادرات
- شرکت مهندسین مشاور آتک
- شرکت مهندسین آتا و آندیشه
- شرکت ساختمانی نو - پوار
- شرکت کنسولاتو انرژی پارس
- شرکت آرا پیشرو قرن
- شرکت ساختمانی گستردش و توسعه صنایع ایرانیان (ملاک)
- گروه صنعتی سدید
- شرکت مهندسی هما
- شرکت هوسکان
- شرکت سرمایه گذاری بین المللی باد آوران مهندسی
- مهندسین مشاور سازان
- شرکت الکتریکوم
- شرکت ساختمانی تابنده
- شرکت آرین پولاد
- صنایع سنگ پیکان
- شرکت ABB ایران

تشکل های عضو موسسه تحقیق و توسعه صنعت احداث

- انجمن شرکت های ساختمانی
- انجمن صنفی شرکت های پیمانکار تأسیسات و تجهیزات صنعتی ایران
- جامعه مهندسان مشاور ایران
- انجمن صادر کنندگان خدمات فنی و مهندسی ایران
- انجمن شرکت های مهندسی و پیمانکاری نفت، گاز و پتروشیمی

دبیرخانه کنفرانس:
تهران، خیابان استاد مطهری، پلاک ۲۹۹ ، واحد ۵ ، تلفن: ۸۸۷۳۴۶۶۳ - ۸۸۷۳۴۶۷۹ - نمابر: ۸۸۷۴۰۷۶۸
آدرس الکترونیکی: www.SCE-CONFERENC.com رایانامه info@ SCE-CONFERENC.com

مجری برگزاری: اتاق بین المللی رادمان تلفن: ۵ - ۸۸۵۸۰۷۷۳

AIEN TEHRAN
Engineering Software

شرکت مهندسی نرم افزار
آئین تهران

نرم افزار متره برآورد « تدکار » شامل:

- فهرست بها
- متره
- برآورد
- آنالیز بها
- پیشنهاد قیمت
- اسناد مناقصه
- صورت وضعیت
- تعدیل
- حمل
- کنترل پروژه
- کنترل کارگاه
- مترمربع زیربنا
- مناسب ترین قیمت پیشنهادی
- مجموعه بخشنامه ها
- ارسال ، دریافت و رسیدگی الکترونیکی به صورت وضعیت ها تحت WEB

تدکار، تداوم ابتکار

- عضو کمیسیون فنی انجمن شرکت های ساختمانی
- مجری فهرست های بهای پیشنهادی انجمن شرکت های ساختمانی سال ۱۳۹۰
- اولین ارائه کننده قیمت عوامل فهرست بهای سال ۱۳۸۸
- مجری سامانه های نرم‌افزاری مدیریت پروژه و کنترل اطلاعات (مپکا) و مدیریت پردازش صورت وضعیت های اجرایی (مپصا) برای شهرداری تهران

- تهران . خیابان کارگر شمالی . بالاتر از بزرگراه جلال آل احمد . خیابان هفتم . پلاک ۳۳ . واحد ۸
- تلفکس: ۸۸۳۳ ۰۳۷۲ - ۸۸۳۳ ۰۳۷۶ - ۸۸۰۲ ۱۵۰۱ - ۸۸۰۲ ۱۴۶۰

www.aiensoft.com

راه ماشین

جمهوری اسلامی ایران

وزارت صنایع

شرکت بازرسی کیفیت و استاندارد ایران